

سلام الله علیها

نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال

www.noorfatemah.org

آئین زندگی

مرحوم حاج شیخ جواد تهرانی

مقدمه نویسنده

بسمه تعالی شاءنه

بعضی از دوستان از اینجانب تقاضا کردند کتابی ساده و همگانی که مشتمل بر دروس اخلاق اسلامی و رهنمای قسمتهایی از آیین زندگی باشد بنویسم، تا مورد استفاده غالب طبقات قرار گیرد. پس از گذشت مدتی آنچه به نظرم رسید که در این کار برای خودم بی تکلیف و برای خوانندگان سودمندتر باشد؛ این بود که مقداری از آیات قرآن کریم و احادیث پیغمبر و ائمه دین سلام الله علیهم اجمعین را با ترجمه تقریبی آنها به فارسی، جمع و تاءلیف نمایم تا به توفیق خداوند متعال خوانندگان محترم چون مستقیماً با کلمات وحی و عبارات و نصوص منقول از ذوات مقدسه پیغمبر و ائمه دین علیه السلام رو به رو می گردند، درس بهتری فراگیرند و استفاده بیشتری بنمایند و لذا به نوشتن این تاءلیف پرداختم و آن را ((آیین زندگی و درسهای اخلاقی اسلامی)) نام نهادم. و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

(۱) مؤلف در این کتاب در نظم و تربیت مطالب و هم در نقل آیات و روایات به هیچ وجه نظری خاص نداشته؛ فقط هر موضوع و مطلبی که متناسب با هدف و غرض از تاءلیف این کتاب بوده و به تدریج به خاطرش می آمده با ذکر مدارکی نوشته است تا برای تنظیم و ترتیب مطالب و یا ذکر مدارک به زحمت نیفتاده باشد.

(۲) در مطالب کتاب راجع به هر موضوع، تمام آیات و روایات استقصاء نشده است؛ بلکه راجع به هر مطلبی، منظور تنها ذکر بعضی مدارک از آیات یا روایات بوده است نه آنکه تمام آیات و روایات آن موضوع، ذکر و استقصاء گردد.

(۳) مؤلف در نقل روایات اهتمام داشته است که از کتب معتبره نقل کرده باشد؛ لذا هر جا که از مستدرک الوسائل روایت نقل کرده، توجه نموده است که روایات منقوله از مآخذ نسبتاً معتبر آن کتاب نقل شود.

(۴) در ترجمه و ذکر معانی آیات و روایات (چنانکه در مقدمه کتاب اشاره شده است) در اساس، مقصود مؤلف ترجمه تقریبی آنها بوده؛ گرچه سلاست و روانی عبارات هم محفوظ نگردد، مع ذلک اینک که تاءلیف این جلد به پایان رسیده فکر می کند که آیا فقط از عهد همان ترجمه های تقریبی هم پرآمده یا خیر؟ در پیش خود و وجدانش نمی تواند هرگز چنین تعهدی را داشته باشد؛ ولی در همین ترجمه های ناقص نیز امید استفاده برای خوانندگان محترم می رود.

و آن چیزی را که مؤلف دانسته و می فهمد؛ این است افراد اجتماع اگر پابند به دستورات اسلامی در وضع زندگی انفرادی و اجتماعی خود گردند، به زندگی مرفه و آسوده و منظمی در دنیا و آخرت نائل می شوند. آری یگانه راه ترقی و تعالی و تأمین سعادت حقیقی دنیا و آخرت و خارج شدن از اضطرابات و وحشتهای زندگی پریچ و خم دنیا در پیروی از تعالیم و دستورات اسلامی است. دین مقدس اسلام با استخراج ذخایر ارضی و صنعت و اختراعات مادی و علوم حسی و تجربی مخالفت ندارد، ولی می گوید: ((بشر همین زندگی صنعتی و علمی را در چهار چوب قوانین و مقررات الهی که به مصالح واقعی انفرادی و اجتماعی و دنیوی و اخروی مردم وضع شده است باید سپری کند تا از همه گونه بدبختی و مهالک دنیا و آخرت نجات یابد.))

والسلام علی من اتبع الهدی (مؤلف)

یک هدف مهم از بعثت انبیاء

از آیات قرآن کریم و احادیث چنین بر می آید که یک هدف مهم از بعثت انبیاء به ویژه خاتم آنان صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین راهنمایی به تهذیب اخلاق و پاک نمودن ارواح بشر از بدیهاست و به عبارت دیگر تربیت مردم در سایه فراگرفتن و به کار بستن آنها به صلاح واقعی و سعادت حقیقی و خوشبختی زندگی دنیا و آخرت نائل گردند و از پلیدی ها و زشتی ها و آشفته‌گی ها محفوظ بمانند.

قرآن کریم :

(۱) ((همچنانکه رسولی از شما (بشر) فرستادیم که آیات ما را بر شما تلاوت کند و شما را (از پلیدی جهل و کفر و اخلاق زشت) پاک کند و به شما کتاب و حکمت و آنچه را که خود نمی دانستید (و ممکن نبود از راه فکر و اندیشه به آن دانا گردید، از راه وحی) بیاموزد؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر کنید و (نعمت) مرا ناسپاسی مکنید.)) (۱)

(۲) در سوره آل عمران است : ((خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خدا را بر آنان بخواند و آنان را (از هر نقص و آلائش) اصلاح و پاک نماید و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، و به راستی پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.)) (۲)

روایات :

(۱) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: ((همانا برای تکمیل اخلاق ستوده مبعوث شدم.)) (۳)

(۲) و نیز از آن حضرت است که فرمود: ((بر شما اخلاق ستوده لازم است؛ همانا که خداوند عزوجل مرا بدانها مبعوث فرمود.)) (۴)

(۳) و از علی علیه السلام است که بر منبر در خطبه ای فرمود: ((ای مردم! خداوند تبارک و تعالی چون خلق را آفرید، خواست که آنان بر آداب رفیع و اخلاق شریفه باشند و نیز می دانست که ممکن نیست آنان چنین شوند مگر این که آن ذات مقدس، خود آنچه را که به سود و زیان آنان است تعریف و آگاهشان فرماید؛ و تعریف خوبی ها و بدی ها جز به امر و نهی (به وسیله انبیاء) نمی باشد.)) (۵)

اصلاح نیت

مهمترین پایه اصلاح افراد جامعه، اصلاح نیت است (۶)؛ اگر کارهای آدمی تنها برای رضای خدا و امتثال فرمان و دستور او و لااقل به منظور تحصیل ثواب اخروی و نجات از عذاب و مکافات الهی باشد به صلاح و سعادت دنیا و آخرت او و خیر جامعه تمام خواهد شد و اگر به منظور شو و ن و منافع دنیا از ریاست و جاه و مقام و شهرت و مال و منال \$ دنیوی باشد؛ نتیجه عالی و صحیح بر آنها مترتب نمی گردد و به سعادت و خیر دائمی بشر تمام نمی شود. آری شریفترین و عالیتین هدف برای فعالیت های مردم هر اجتماعی تحصیل رضای پروردگار جهان است که در سایه آن، تأمین سعادت جاودانی و نجات از عذاب ابدی، میسر است.

اجتماعی که دارای چنین هدف عالی باشد هرگز در آن هیچگونه تجاوزی و تعدی و فسق و فجور راه نخواهد یافت . در قرآن کریم و احادیث به تصحیح و اخلاص نیت بسیار اهمیت داده شده است .

قرآن کریم :

(۱) ((آگاه باشید که دین خالص (از هر شرک و ریاء) برای خداست .)) (۷)

(۲) ((و امر نشدند جز به این که پرستش کنند خدا را در حالی که دین را برای او خالص گردانند و از غیر دین حق ، روی بگردانند و نماز را اقامه نمایند و زکوة دهند و این است دین (ملت - شریعت) درست و راست .)) (۸)

(۳) ((پس کسی که به القاء پروردگارش امید دارد باید کار شایسته کند و در پرستش پروردگار احدی را شریک نسازد.)) (۹)

(۴) ((و از مردمان ، کسی هست که جان خود را به طلب رضای خدا می فروشد و خدا به (چنین) بندگان رؤ وف و مهربان است .)) (۱۰)

(۵) ((و مثل آنان که اموالشان را در طلب رضای خدا و برای استواری نفوسشان (بر ایمان و طاعت پروردگار) انفاق می کنند؛ مثل بوستانی است بر مکان بلندی ، که بدان باران درشت برسد؛ پس دو چندان ثمر بدهد و اگر به آن باران درشت نرسد، پس باران ریز (بر آن کفاف دهد) و خدا به آنچه می کنید (از روی اخلاص یا ریاء) بینا است .)) (۱۱)

(۶) ((آنچه از خیر و نیکی انفاق می کنید به نفع خودتان است و شما جز برای طلب رضای خدا انفاق نمی کنید(نباید بکنید) و آنچه از خیر و نیکی انفاق می کنید (پاداش آن) تماما به شما داده می شود و به شما ستم نمی شود.)) (۱۲)

(۷) ((هیچ خیر و فایده ای در بسیاری از سخنان سری و راز گفتن مردم نیست ، مگر (راز گفتن) کسی که به صدقه ای یا به کار نیکی یا به اصلاحی میان مردم امر نماید؛ و هر که به طلب رضای خدا چنین کند پس (ما که خداوندگاریم) به زودی اجر عظیم به او عطا خواهیم نمود.)) (۱۳)

(۸) ((کسی که (به عمل و کار خود) کشت (و ثواب) آخرت را اراده می کند؛ در کشت وی می افزایشیم (و یکی را دست کم ده برابر ثواب می دهیم). و کسی که (به اعمالش) کشت (و نفع) دنیا را اراده می کند از آن (به مقداری که به مقتضای حکمت بخواهیم) می دهیمش ؛ ولی در آخرت برای او هیچ بهره ای نیست .)) (۱۴)

(۹) ((کسانی که (به اعمالشان) فقط زندگانی دنیا و زینت آن را اراده می نمایند ما (مزد) اعمال آنان را در دنیا کاملاً می دهیم و هیچ از مزدشان در دنیا کم نمی شود؛ (ولی) هم اینان هستند که در آخرت برای آنان جز آتش دوزخ نصیبی نیست و آنچه را که آنان در دنیا به جا آوردند و می کردند همه در آخرت ضایع و باطل می گردد.)) (۱۵)

(۱۰) ((کسانی که (به اعمالشان) دنیای زودگذر را اراده می کنند، برای هر کدام آنچه را که بخواهیم (از متاع دنیا) تعجیل می کنیم و در همین دنیا می دهیم (اما به هنگام رستخیز) دوزخ را جایگاه او قرار می دهیم که با نکوهش و مردودی و راندگی (از رحمت پروردگار)

وارد آن گردد، و کسانی که (به اعمالشان) آخرت را اراده کنند و با داشتن ایمان، کوشش خود را برای (ثواب) آخرت صرف نمایند؛ پس سعی آنان مشکور (و مأجور) خواهد بود.)) (۱۶)

روایات :

(۱) امام صادق علیه السلام : همانا خداوند در روز قیامت مردم را بر نیاتشان محشور می فرماید.)) (۱۷)

(۲) درباره قول خداوند عزوجل : ((هر کس به لقاء پروردگارش امیدوار باشد باید عمل شایسته نماید و در بندگی پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد.)) از امام صادق علیه السلام روایت است : ((شخصی که چیزی از عمل ثواب را به جا می آورد نه به طلب رضای خدا، بلکه به منظور خودنمایی و خودستایی که میل دارد به گوش مردم برسد، پس اوست که در عبارت پروردگارش مشرک شده است.)) (۱۸)

(۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ((مسلمانا اعمال بسته به نیت است و برای هر شخص از عملش آنچه را که نیت نموده است عاید می شود؛ پس کسی که جهاد کند به طلب اجر پروردگار، همانا اجر او بر پروردگار عزوجل خواهد بود و هر کس جهاد کند به اراده متاع دنیا یا برای عقالی (خراج و زکوتی) برای او جز همان را که قصد او بوده است، نیست.)) (۱۹)

(۴) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هر کس به قصد جلب توجه مردم، دانش بجوید، بوی بهشت را نخواهد یافت.)) (۲۰)

(۵) امام صادق علیه السلام : ((کسی که حدیث را برای منفعت دنیا بخواهد، در آخرت برای او هیچ نصیبی نخواهد بود. و کسی که برای خیر آخرت بخواهد؛ خداوند خیر دنیا و آخرت به او عطا خواهد فرمود.)) (۲۱)

(۶) امام صادق علیه السلام : ((هر ریایی شرک است، کسی که برای مردم عمل کند، اجر و ثواب او بر مردم است و کسی که برای خدا کار کند، ثواب او بر خدا خواهد بود.)) (۲۲)

(۷) امام صادق علیه السلام : ((خداوند متعال فرمود: من بی نیازترین بی نیازان از شریک هستم پس هر که در عملی، دیگری را شریک من قرار دهد آن عمل را از او قبول نمی کنم و فقط عملی را که تنها برای من باشد می پذیرم.)) (۲۳)

(۸) امیرالمومنین علیه السلام : ((خلاص و نجات (از عذاب الهی) فقط به اخلاص ممکن می شود.)) (۲۴)

(۹) امام باقر علیه السلام : ((اگر بنده ای عملی به جا آورد که بدان رضای خدا و سرای آخرت را طلب کند، ولی در آن رضای احدی از مردم را نیز داخل کند مشرک است (به شرک ریایی.)) (۲۵)

(۱۰) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((راستی برای هر امری حقی حقیقی است، و بنده خدا به حقیقت اخلاص نمی رسد، مگر این که دوست نداشته باشد که بر هیچ عملی ستوده شود.)) (۲۶)

(۱۱) امام صادق علیه السلام : ((عمل خالص آنست که نخواهی احدی تو را بر آن بستاید مگر خداوند عزوجل.)) (۲۷)

شرک ریائی

ریا حرام و موجب بطلان عبادت و یک قسم شرک است که با آن آدمی عبادت خدا را برای وانمودن به خلق به جا می آورد.

هر عبادتی را اگر شخص به داعی امتثال امر الهی برای تحصیل رضای او یا برای شکرگزاری از نعمتهای او، یا حصول قرب به او، یا به محبت او، یا دست کم برای نجات از عذاب الهی، یا تحصیل ثواب او به جای آورد صحیح است؛ ولی اگر برای تحصیل رضای غیر خداوند یا تحصیل شو و ن و منافع دنیا از ریاست و جاه و مقام شهرت و \$ باشد، باطل خواهد بود. (۲۸)

روایات :

(۱) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در آخر سوره کهف در ذیل آیه : ((فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا)) از امام باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود: تفسیر این آیه از رسول خدا صلی الله علیه و اله سؤ ال شد، فرمود: کسی که برای نشان دادن به مردم و ریاکاری نماز بخواند یا زکوة دهد یا روزه بگیرد یا حج نماید، مشرک است (باری) هر کس عملی از آنچه که خداوند بدان امر نموده برای نشان دادن به مردم و ریاکاری به جا آورد؛ مشرک است و خداوند عزوجل عمل ریاکاری را قبول نمی فرماید.)) (۲۹)

(۲) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤ ال شد که : ((فردای قیامت نجات در چیست؟)) فرمود: ((نجات در این است که با خدا خدعه نکنید که خدا به شما خدعه خواهد کرد؛ پس هر کس به خدا خدعه کند خدا به او خدعه خواهد نمود و از او ایمان را خلع می کند و اگر بفهمد، (در حقیقت) نفس خود خدعه نموده است.)) (۳۰)

سؤ ال شد: ((چگونه شخص با خدا خدعه می کند؟)) فرمود: ((گفته خدا را به جا می آورد، ولی غیر خدا را اراده می کند.)) و فرمود: ((پرهیزد از خدا در ریاء که ریاء شرک به خداست و ریاکار روز قیامت به چهار اسم خوانده می شود: ای بدکار، ای کافر، ای حیلہ گر، ای زیانکار. (و به او گفته می شود) عمل تو نابود و اجر تو باطل شد؛ امروز برای تو خلاصی نیست و مزدت را از آنکه عمل را برای او انجام دادی بخواه.))

شرک طاعتی

مناسب است در اینجا از بعض اقسام شرک ذکر شود که یکی از آنها شرک در طاعت است و مراد از آن اینست که شخص به اطاعت و تحصیل رضای غیر خداوند را انجام دهد.

قرآن کریم :

(۱) ((بیشتر مردم به خدا ایمان نمی آورند؛ مگر این که مشرک هم هستند. (یعنی در بیشتر مردم، ایمان و شرک هر دو هست؛ مانند این که با ایمان به خدا و رسول، به اطاعت از شیطان معصیت خداوند می کنند؛ پس در طاعت مشرک می شوند.)) (۳۱)

(۲) ((مردمانی)، سوای خداوند، خدایانی (که به اطاعت از آنان معصیت خدای واقعی را می نمایند) پذیرفتند تا این که آن خدایان برای ایشان مایه عزت باشند، نه چنان است به زودی به بندگی (و اطاعت) خدایان خود کافر می گردند و با ایشان دشمن می شوند.)) (۳۲)

(۳) ((اهل کتاب) علماء و زُهاد خود را (با اطاعت از آنان در معصیت خدا) اربابی برای خود (به جای خدا) قرار دادند.)) (۳۳)

(۴) ((آیا دیده ای آنکه هوای خود را خدای خود قرار داد؟! (یعنی به اطاعت از هوای نفس، مخالفت و معصیت خدا نمود.)) (۳۴)

(۵) ((بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه و حقیقتی که بین ما و بین شما مشترک است؛ این که نپرستیم جز خدا را و هیچ چیزی را برای او شریک قرار ندهیم و بعض ما، بعض دیگرمان را (به اطاعت آنان در معصیت خدا) پروردگار خود به جای خدا قرار ندهیم، پس اگر روبگرداند از قبول این دعوت، به ایشان بگویید شاهد باشید که ما حقا تسلیم امر خداییم.)) (۳۵)

(۶) ((ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را (به وسیله اطاعتش) عبادت نکنید که او باری شما دشمن آشکاری است، و این که مرا عبادت (و فرمانبرداری) کنید، که این است راه راست.)) (۳۶)

روایات:

(۱) از امام صادق علیه السلام در تفسیر ((و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون)) روایت شده که: ((مراد) شرک طاعت است نه شرک عبادت؛ یعنی به جای خدا از هوی و شیطان پیروی می کنند.)) (۳۷)

(۲) و نیز از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه روایت شده که فرمود: ((شخص از روی نادانی اطاعت شیطان می کند پس مشرک (به شرک طاعت) می شود.)) (۳۸)

(۳) و از امام باقر علیه السلام درباره همین آیه روایت شده که مراد: ((شرک طاعت است نه شرک عبادت؛ معاصی را که مردم مرتکب می شوند، شرک طاعت است که در ارتکاب آنها اطاعت شیطان می کنند؛ پس در اطاعت برای غیر خدا، مشرک به خدا می شوند (به شرک طاعت) و (و مراد از آیه شریفه)، شرک عبادت نیست که عبادت و پرستش غیر خدا بنمایند.)) (۳۹)

(۴) از حضرت رضا علیه السلام در نامه اش به مأمون است: ((نیکی به پدر و مادر واجب است، گرچه آن دو مشرک باشند؛ ولی در معصیت خالق، اطاعتی نسبت به پدر و مادر و غیر پدر و مادر نیست؛ پس در معصیت خالق هیچ طاعتی برای هیچ مخلوقی (جایز) نیست.)) (۴۰)

(۵) درباره قول خداوند عزوجل: ((واتخذوا من دون الله آلهة لیکونوا لهم عزا کلا سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدا)) از امام صادق علیه السلام روایت شده: ((مراد در این آیه کریمه از) عبادت، سجود و رکوع نیست؛ بلکه فقط ((طاعت مردمان)) است. هر کس در معصیت خالق، اطاعت مخلوق نماید، مخلوق را عبادت نموده است.)) (۴۱)

(۶) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمودند: ((در معصیت خالق هیچ طاعتی برای هیچ مخلوقی (جایز) نیست.)) (۴۲)

شرک به اسباب طبیعی

شرک به وسیله اسباب طبیعی به این گونه است که شخص فقط به وسائل و اسباب طبیعی نظیر بدوزد و آثار را مستقلا به آنها مستند کند و به عبارت دیگر کلیه امور و حوادث را منحصرناشی از علل و اسباب ظاهری بداند.

روایات :

(۱) درباره شرک در آیه کریمه : ((و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون)) تفسیر دیگری نیز به غیر از تفسیر گذشته از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: ((کسی می گوید اگر فلان شخص نبود (مثلا از گرسنگی) هلاک می شدم و اگر فلان شخص نبود مبتلا به چنین و چنان بلایی می شدم و اگر فلانی نبود خانواده من تلف می شدند. آیا نمی بینی که این گوینده در ملک خدا برای او شریکی قرار داده است که او را روزی می دهد، و از او دفع بلا می کند.)) کسی عرض نمود: ((اگر کسی بگوید: اگر خداوند بر من به وسیله فلانی منت نمی نهاد هلاک می شدم چگونه است ؟)) فرمود: ((بلی در این گفتار عیبی نیست)) (۴۳)

(۲) و از امام باقر و صادق علیه السلام درباره شرک در این آیه نیز نقل که مراد، شرک در نعمت ها است . یعنی در نعمتهای خداوند متعال، مردم از منعم حقیقی غفلت می کنند و نعمت را تنها به وسائط در نعمت مستند می نمایند؛ پس ، غیر خدا را از این راه شریک خدا در ایصال و اعطاء نعمت قرار می دهند. (۴۴)

تکبر و تواضع

یکی از صفات ناپسند تکبر است و آن عبارت است که آدمی خود را برتر و بالاتر از دیگری بیندارد و در رفتار و کردار و گفتارش دیگری را تحقیر نماید، و فرق این با عجب که بعد از این می آید، آنست که در حالت عجب آدمی خود را شخص ممتازی دانسته و خودپسند است ؛ اگر چه پای کسی دیگر در میان نباشد، ولی در حالت کبر پای غیر نیز در میان است و خود را از او برتر و بالاتر می بیند؛ و ضد صفت تکبر، تواضع و فروتنی است که از اخلاق و صفات نیکوست .

قرآن کریم :

(۱) ((از روی کبر و ناز بر زمین راه مرو که تو (با پای خود) هرگز زمین را نمی توانی شکافت ، و در بلندی هرگز به کوه ها نخواهی رسید.)) (۴۵)

(۲) در وصیت لقمان به فرزندش در سوره لقمان : ((به تکبر و ناز از مردم رخ متاب و در زمین به نشاط و تبخت، قدم بر مدار که خدا مردم متکبر فخر کننده را دوست نمی دارد، در رفتن میانه رو باش و از صدایت بکاه ، که ناخوشترین صداها آواز خران است)) (۴۶)

(۳) حتی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که : ((برای مؤ منین بالت (دست و بازو و جوانبت) را فرود آور (یعنی فروتن باش)) (۴۷)

(۴) ((و برای هر که از مؤ منین که پیرو تو شد، بالت (دست و بازو و جوانبت) را فرود آور (یعنی فروتن باش)) (۴۸)

روایات :

(۱) از امام کاظم علیه السلام : ((تواضع آن است که رفتارت با مردم چنان باشد که دوست داری آنان با تو رفتار کنند.)) (۴۹)

(۲) از امام کاظم علیه السلام : ((تواضع درجاتی دارد؛ از آن جمله این که شخص منزلت و اندازه خود را بشناسد؛ پس با قلب سالم و آرام ، خویش را در همان منزلت خود نازل کند، دوست نداشته باشد این که با احدی رفتار کند، مگر مانند آنچه با او رفتار می شود، اگر از کسی بدی ببیند آن را به نیکی دفع کند، فرو خورنده خشم و دارنده گذشته نسبت به مردم باشد، و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.)) (۵۰)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((از ((نشانه های)) تواضع اینست که شخص به نشستن در پایین مجلس راضی شود، و بر کسی که رو به رو می شود سلام کند، و ترک جدال کند گرچه مُحِق باشد، و دوست نداشته باشد که بر تقوی ، ستایش شود.)) (۵۱)

(۴) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((به راستی فروتنی بربلندی منزلت می افزاید، پس فروتنی کنید تا خداوند شما را بلند کند.)) (۵۲)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((بزرگی کردن و کبر بیرهیزد که کبريایی رداء خداوند او را در روز قیامت می شکنند و ذلیل می کند.)) (۵۳)

(۶) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((اکثر اهل جهنم متکبرانند.)) (۵۴)

(۷) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((به درستی محبوبترین شما نزد من و نزدیکترین شما به جوار من در قیامت ، نیکوترین شما است از جهت خلق ، و شدیدترین شما است از جهت تواضع ، و دورترین شما از من در روز قیامت مستکبرانند.)) (۵۵)

(۸) از علی علیه السلام : ((زشت ترین خویها تکبر است . بدترین آفتهای خرد، کبر است .

از کبر بیرهیز که بزرگترین گناهان و پست ترین عیوب و زینت اهریمن است .

فروتنی (آدمی را) بلند، و تکبر او را پست می کند.)) (۵۶)

(۹) از امام صادق علیه السلام : ((بر شما باد دوستی مساکین مسلمین ؛ که هر کس آنان را تحقیر کند و تکبر نماید از دین خدا لغزیده است و خداوند حقیر کننده و دشمن سخت اوست .)) (۵۷)

(۱۰) از امام رضا علیه السلام نقل شده است در نامه اش به ماءمون ، و از امام صادق علیه السلام در حدیث شرایع الدین که کبر و استعمال تکبر را در عداد گناهان کبیره شمرده اند.)) (۵۸)

(۱۱) از علی علیه السلام است در پیمانش به محمد بن ابی بکر هنگامی که حکومت مصر را به او واگذار فرمود بود: ((برای مردم بال بیفکن (یعنی متواضع باش) و پهلویت را نرم دار (یعنی با مدارا باش) و رویت را بگشا (یعنی ترش روی مباش .)) (۵۹)

(۱۲) از امام رضا علیه السلام : ((کسی که فقیر مسلمانی را ملاقات کند و به او، نه به آن گونه که با مالداران سلام می کند، سلام کند؛ در روز قیامت با غضب خداوند عزوجل روبرو می شود.)) (۶۰)

عُجب

خودپسندی، از خود راضی بودن، خودبینی، به خود بالیدن، بزرگ انگاشتن خود، به جهت وصفی از اوصاف نفسانی یا به جهت راء و فکر خود در امور یا به عمل و کرداری از خود، حالتی بسیار بد و مهلک است، و در مدرک دین اسلام از آن مذمت و منع شده است. روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که خودپسندی بر او وارد شود، هلاک می شود.)) (۶۱)

(۲) از امام صادق یا امام باقر علیه السلام : ((دو نفر وارد مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق و چون از مسجد خارج شدند فاسق صدیق بود، و عابد فاسق؛ زیرا چون عابد داخل مسجد شد به عبادت خود می بالید و در این فکر بود، ولی مرد فاسق در فکر پشیمانی از گناهش بود و طلب آمرزش از خداوند متعال می نمود.)) (۶۲)

(۳) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((سه چیز از جمله مهلکات است : هوی و هوس که پیروی شود، و حرص و بخلی که اطاعت گردد، و به خود بالیدن انسان.)) (۶۳)

(۴) از علی علیه السلام : ((از نادانی همین بس تو را، که به دانشت ببالی.)) (۶۴)

(۵) از علی علیه السلام : ((کار بدی که تو را بد آید و بد حال کند، بهتر است نزد خداوند از کار نیکی که تو را به عجب آورد.)) (۶۵)

(۶) از علی علیه السلام : ((معجب شدن آدمی به نفس خود؛ یعنی خودپسندی آدمی، دلیل بر ضعف عقل اوست.)) (۶۶)

(۷) از امام باقر علیه السلام : ((سه چیز شکننده پشت است؛ کسی که عمل (خیر) خود را زیاد شمرد و گناه خود را فراموش کند و به راء خود معجب و خودپسندی شود.)) (۶۷)

(۸) از امام کاظم علیه السلام : ((برای عجب درجاتی است که از آن جمله است این که کار بد انسان در نظرش به صورت خوبی جلوه کند و آن را نیکو ببیند؛ پس او را کار بد، خوش آید و به خود ببالد و ندارد که کاری نیکو کرده است. (۶۸) و از آن جمله است این که عبد به پروردگار خود ایمان آورد و منت بر او نهد و حال آنکه خدا را بر او منت است.)) (۶۹)

منشاء عجب در انسان نوعاً نادانی است؛ معجب، خود و خدا را به درستی نشناخته، فقر ذاتی خود و عظمت خدا را ندانسته، از این جهت به کمالات مادی و بدنی و روحی خود و به راء و فکر و کارهای حسنه خود می بالد؛ غافل از این که کمالات روحی و نعمتهای

مادی از فضل و جانب خدا است ، و فکر صحیح و رأی صواب و کارهای حسنه نیز همه به توفیق و تاءید خداوند است . (۷۰) پس جای خودپسندی و عجب برای انسان نیست . و گاه همین عجب و خودپسندی موجب و منشاء خودستایی در انسان می شود.

خودستایی

تزکیه نفس : خود ستودن ؛ در قرآن کریم و احادیث مذمت و منع شده است .

ستاییدن خود، مدح و ثنای خود گفتن است . قرآن در مقام مذمت اشخاصی که خود را می ستایند می فرماید:

قرآن کریم :

(۱) ((آیا نظر نیفکندی به سوی آنانکه تزکیه نفس و خودستایی می نمایند (چه کار قبیحی می کنند)، بلکه خداست که (می تواند) هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) تزکیه نموده و بستاید، و به اندازه رشته باریکی هم که در میان شکاف دانه خرما است ، ظلم و ستم نمی شوند.)) (۷۱)

(۲) ((خداوند به (احوال و چگونگی های) شما داناتر است هنگامی که شما را (از نطفه و نطفه را از غذا و غذا را) از زمین ایجاد فرمود و هنگامی که شما در شکمهای مادرانتان جنین بودید؛ پس تزکیه نفس (یعنی خودستایی) نکنید (بلکه خدا را سپاس و ستایش کنید، به نعمتهایی که در خود می بینید) او داناتر است به کسی که پرهیزکار است .)) (۷۲)

(۳) ((و اما نعمت پروردگارت را بیان کن . (و با نسبت دادن به پروردگار متعال از آن سخن بگو.)) (۷۳)

روایات :

(۱) از امام باقر علیه السلام : ((احدی از شما به کثرت نماز و روزه و زکوة و قربانیش (یا سایر عباداتش) افتخار نکند که خداوند عزوجلّ داناتر است به کسی که پرهیزکار شود از شما.)) (۷۴)

(۲) از معنی آیه ((فلا تزکوا انفسکم)) سؤال شد از امام صادق علیه السلام ، پس آن حضرت فرمود: ((گفتار انسان که (در مقام تزکیه و خودستایی) گوید دیشب نماز خواندم ، دیروز روزه گرفتم ، و مانند این .)) (۷۵)

(۳) از امام صادق علیه السلام سؤال شد: ((آیا جایز است که شخص تزکیه نفس خود کند؟)) فرمود: ((بلی در موقع اضطرار (که نوعا هر حرامی حلال می شود) آیا نشنیده ای قول یوسف علیه السلام را ((اجعلنی علی خزائن الارض انی حفظ علیم))، و قول عبد صالح ((و انا لکم ناصح امین)) (یعنی یوسف علیه السلام در واقع ضرورت از خود تعریف کرده و خود را ((نگهبانی بسیار دانا)) معرفی کرده و صالح علیه السلام نیز خود را ((خیر خواهی امین)) معرفی نموده است .)) (۷۶)

حسد (رشک)

از بدترین رذائل و عیوب ، اظهار حسد است که در اسلام از آن نهی شده ، و حسد عبارت است از آرزوی نعمتی از دیگری تا همان نعمت به او داده شود. و اگر مثل آن نعمت را از خدا بخواهد و آرزوی زوال آن را از دیگران نکند آن را غبطه خوانند که مذموم نیست . و ضد صفت حسد، صفت خیرخواهی (برای مردم) است .

قرآن کریم :

(۱) ((بلکه آنان بر آنچه خداوند به مردم از فضل خود داده رشک می برند.)) (۷۷)

(۲) ((آرزو نکنید چیزی را که خدا با آن بعضی از شما را به بعضی دیگر فزونی و برتری داده است ، مردان را از آنچه به دست آورده اند بهره ای است و زنان را نیز از آنچه کسب نموده اند بهره ای ، و از فضل خدا بخواهید (تا مثل آنچه را که به دیگران داده به شما هم بدهد نه این که آن نعمت را از دیگری زایل کند و به شما بدهد) که خداوند به همه چیز دانا است.)) (۷۸)

روایات :

(۱) در تفسیر آیه شریفه فوق از امام صادق علیه السلام نقل است که فرموده : ((یعنی احدی از شما نگوید: ای کاش آنچه به فلانی از مال و نعمت و زن نیکو داده شده است مال من بود؛ که این حسد است ، ولیکن جایز است بگوید: پروردگارا مثل آن را به من عطا فرما.)) (۷۹)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((آفت دین ، رشک و خودپسندی و نازیدن است.)) (۸۰)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((همانا رشک ، ایمان را می خورد؛ چنانکه آتش هیزم را.)) (۸۱)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((همانا مؤمن غبطه می خورد و رشک نمی ورزد، و منافق رشک می ورزد و غبطه نمی خورد.)) (معنی غبطه در اول این بحث گذشت.) (۸۲)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((از خداوند بپرهیزید و به یکدیگر رشک موزید.)) (۸۳)

(۶) از امام کاظم علیه السلام : ((بهترین چیزی که بعد از معرفت خدا، به وسیله آن ، عبد به خداوند تقرب پیدا می کند نماز است ، و نیکی به پدر و مادر، ترک رشک و خودپسندی و فخر (نازیدن).)) (۸۴)

(۷) از علی علیه السلام : ((حسد سرآمد عیبهاست . حسود، آقا نمی شود. حسود دائما بیمار است گرچه جسمش سالم باشد. ثمره حسد بدبختی دنیا و آخرت است سرآمد رذائل حسد است . از حسد بپرهیز که حسد بدترین خوی و زشت ترین طبیعت است.)) (۸۵)

بخل

بخل یکی از صفات رذیله است که در اسلام از آن مذمت شده است و این صفت موجب پستی و تضييع شائن و شرف آدمی و محرومیت نیازمندان از حقوق حقه آنهاست .

قرآن کریم :

(۱) ((آنکه در آنچه خداوند از فضل خویش بدیشان عطا کرده ، بخل می ورزند، نپندارند که آن بخل برایشان خیر است (نه) بلکه برایشان شر است .)) (۸۶)

(۲) ((هان ، شما کسانی هستید که فراخوانده می شوید تا در راه خدا اتفاق کنید پس برخی از شما کسانی اند که بخل می ورزند؛ و کسی که بخل می ورزد، جز این نیست که او بر خود بخل می کند (و به خود ضرر زده است) و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندانید.)) (۸۷)

(۳) ((مسلم خداوند دوست نمی دارد کسی را که متکبر و نازان باشد؛ همان کسانی که بخل می ورزند و مردم را به بخل وامی دارند و آنچه را که خداوند از فضل خود به آنان داده پنهان می کنند، و برای کسانی که کافر (به نعمت خداوند) هستند عذابی خوار کننده مهیا کرده ایم .)) (۸۸)

روایات :

(۱) از امام رضا علیه السلام : ((سقاوتمند، به خدای متعال و به مردم و به بهشت نزدیک است . و شخص بخیل ، از خدا و از بهشت و از مردم دور است .)) (۸۹)

(۲) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((از بخل و حرص بهره‌یزید و بترسید، که پیش از شما کسانی به جهت آن هلاک شدند؛ بخل و حرص آنان را به دروغ واداشت ، دروغ گفتند، و به ستم واداشت ، ستم کردند. و به بریدن از هم وادار کرد پس از هم بریدند.)) (۹۰)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((شخص با ایمان ، ترسو و آزمند و بخیل نمی شود.)) (۹۱)

حسن خلق و سوء خلق

یکی از صفات نیکو، حسن خلق است که از آن در اسلام مدح بسیار و از ضد آن، بدخلقی، نکوهش زیادی شده است.

قرآن کریم :

(۱) خطاب به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن کریم آمده است : ((و اگر تندخو و سخت دل بودی ، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.)) (۹۲)

روایات :

(۱) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کاملترین مؤ منین از لحاظ ایمان ، نیکوترین آنان از لحاظ خلق است.)) (۹۳)

(۲) از جعفر بن محمد علیه السلام : ((کاملترین مردم از لحاظ خرد، نیکوترین آنان از لحاظ خلق است.)) (۹۴)

(۳) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هیچ چیز در ترازوی عدل ، سنگین تر از حسن خلق نیست.)) (۹۵)

(۴) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خوش خلق باشید که سرانجام آن ناچار بهشت است ، و دوری جوئید از بد خلقی که سرانجام آن ناچار آتش است.)) (۹۶)

(۵) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((روز رستخیز در میزان شخص ، چیزی افضل از حسن خلق گذاشته نمی شود.)) (۹۷)

(۶) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((حتما برای صاحب خلق نیکو، مانند اجر روزه دار و شب زنده دار است.)) (۹۸)

(۷) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خلق بد، عمل (نیک) را فاسد می کند همچنانکه سرکه غسل را.)) (۹۹)

(۸) از امام صادق علیه السلام : ((به راستی خلق بد؛ ایمان را فاسد می کند همچنانکه سرکه غسل را.)) (۱۰۰)

(۹) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که بد خلق باشد خودش را به عذاب افکنده است.)) (۱۰۱)

(۱۰) از امام علی علیه السلام : ((هیچ توبه کاری نیست ، مگر این که در گناه دیگری ، بدتر از آن واقع می شود.)) (۱۰۲)

(۱۱) در بیان اندازه و حد حسن خلق از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ((نرم می کنی جانبیت را (یعنی خشن و متکبر

مباش) و پاکیزه می کنی کلامت را، و برادر (مسلمانان) را با روی باز و نیکو روبرو می شوی.)) (۱۰۳)

صبر

در اسلام نسبت به صبر، تحریص اکیدی شده و موجب پیروزی و موفقیت در جمیع امور است .

قرآن کریم :

(۱) ((ای گروهی که ایمان آورده اید (بر انجام فرائض و احتراز از منکرات و در مصائب و در پیشرفت جمیع امور) به صبر و مقاومت ، به خواندن نماز مدد جوئید و کمک بگیرید، که خداوند با صابران است .)) (۱۰۴)

(۲) ((و (ای رسول ما) بشارت ده صابران را؛ آنان که چون مصیبتی به ایشان در رسد، گویند که ما(بنده و) از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم درود و صلواتی عظیم بر آنان از پروردگارشان و رحمتی بزرگ ، و آنانند که به هدایت نائل و رهبری شده اند.)) (۱۰۵)

(۳) ((و (ای رسول ما) بشارت بده متواضعان را؛ آنان که چون ذکر خدا شود دلهاشان (از عظمت او) به ترس افتد، و (بشارت بده) صابرین بر مصیبت را، و (بشارت بده) آنان را که بر پا دارنده نمازند (به حدود و شرایط آن) و از آنچه ما به ایشان روزی کرده ایم انفاق می کنند.)) (۱۰۶)

(۴) ((کسانی که ایمان آورده و کارهای صالح و شایسته کرده اند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جا می دهیم که از زیر آنها نهرها جاری می شود، در آنجا جاوید خواهند بود، چه نیکوست اجر عمل کنندگان ؛ آنان که (در مصیبات و انجام طاعات و اجتناب از معاصی) صبر کرده و بر پروردگارشان اعتماد و توکل می کنند.)) (۱۰۷)

(۵) ((جز این نیست که اجر صابرین ، بی حساب و تمام و کامل داده می شود.)) (۱۰۸)

(۶) سوگند به عصر که انسان در خسران و زیان است جز آنان که ایمان آورده و کارهای صالح و شایسته کرده و به یکدیگر سفارش به حق و سفارش به صبر و بردباری نموده اند.)) (۱۰۹)

(۷) ((و چه بسا پیغمبری که به همراهی او جماعت کثیری جنگ کردند و از صدماتی که به آنان در راه خدا رسید، سست نشدند و ضعیف نگشتند و خضوع و خشوع (به دشمن) نمودند، و خداوند صابران را دوست می دارد.)) (۱۱۰)

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((صبر سه قسم است : صبر هنگام مصیبت ، صبر بر طاعت ، صبر از معصیت .)) (۱۱۱)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((صبر نسبت به ایمان به منزله سر است نسبت به تن ، پس همچنانکه سر، اگر برود تن از بین می رود و هلاک می شود، صبر هم چون برود، ایمان می رود.)) (۱۱۲)

(۳) از علی علیه السلام : ((صبر در همه امور به منزله سر است نسبت به تن ، همچنانکه سر، اگر از تن جدا شود تن فاسد می گردد، صبر هم اگر از امور فاسد می گردد.)) (۱۱۳)

(۴) از علی علیه السلام : ((صبر دو گونه است : صبر به هنگام مصیبت که نیکوست و نیکوتر از آن ، صبر در برابر آنچه که خدای عزوجل آن را حرام فرموده است (صبر بر ترک معصیت))((۱۱۴))

(۵) از علی بن الحسین علیه السلام : ((صبر نسبت به ایمان به منزله سر نسبت به تن است ، و کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد.))((۱۱۵))

(۶) از امام صادق علیه السلام : ((بر تو صبر در جمیع امور که خداوند تعالی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را مبعوث نمود، آنگاه او را به صبر و رفق و مدارا امر فرمود: ((ای رسول ما بر اذیت مشرکین صابر باش و از آنها به خوشی و نرمی و مدارا کناره گیری کن و آنها را که به نعمت ما نائل شده و به جای شکر و سپاس تکذیب و دشمنی می کنند، به ما واگذار.)) و نیز خداوند در قرآن فرموده : ((از بدیها و مزاحمت کفار و مشرکین به خوشی و مدارا دفاع کن (بدیهای آنها را به نیکی پاسخ گوی) در نتیجه آنکه با تو دشمن است مانند دوست ، مهربان خواهد شد و این رویه ، شعار صابرين و کسانی است که بهره ای عظیم از تاءید و توفیق خدا دارند.))((۱۱۶))

(شرح دو آیه ضمن روایت فوق ، نوشته شده است ، نه عین ترجمه آنها)

(۷) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((اگر برای ت میسر است که مشکلات و مصائب را با صبر و یقین (به مقدرات و درجات صابرين) تحمل کنی ، چه بهتر، پس اینطور باش (یعنی با چنین یقینی صبر کن) و اگر صبر و یقین با هم میسر نیست ، دست کم صابر باش ، زیرا در صبر بر مشکلات و مکروهات منافع بسیاری است و بدان که پیروزی با صبر است و گشایش به دنبال اندوه و گرفتاری (زیرا خداوند در قرآن کریم فرموده است :) با هر سختی آسانی و گشایشی است (و این جمله در قرآن کریم برای تاءکید تکرار شده.))((۱۱۷))

(۸) از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرموده : ((به راستی من در مورد این غلام (و اعمال و رفتار نامطلوب او) و نیز بر مشکلات خانوادگی و کسانم ، آنچنان شکیبایی می ورزم که از حنظل (هندوانه ایی جهل) تلخ تر است ؛ زیرا کسی که صابر باشد با صبر خود به درجات روزه داران و شب زنده داران و شهدای رکاب پیغمبر می رسد.))((۱۱۸))

توکل به خدا

توکل به خدا در امور، اظهار و اعتراف به عجز است در انجام امور و رسیدن به مقاصد، و اعتماد به خدا کردن است در واگذاری امور به ذات اقدس او. و در اسلام یکی از وظایف شخص با ایمان همین است که در جمیع امور توکل بر خدا داشته باشد؛ و باید دانست که وظیفه عبد با ایمان در مقام توکل آنست که برای رسیدن به هر خواسته که اسباب عادی و طبیعی برای آن میسر است به اسباب عادی متمسک شود، ولی رسیدن به مطلوب را سرانجام مشروط به اراده و اذن تکوینی خداوند بداند؛ در این صورت با انجام وظیفه عادی (یعنی با تمسک به اسباب). امید و اعتمادش تنها به خواست و لطف خدا باشد که به مقصود نائل شود، آری در موردی که اسباب ظاهری و طبیعی میسر نیست و کاری از دست او بر نیاید، باید فقط و فقط به خداوند قادر متعال توکل نماید.

قرآن کریم :

(۱) ((خدایی جز خدای (واقعی) نیست و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکی نمایند.)) (۱۱۹)

(۲) ((و هر که بر خدا توکل نماید، خداوند او را کافی است.)) (۱۲۰)

(۳) ((مسلمان مؤمنین آناند که چون به یاد خدا افتند دلهایشان بیمناک شود (از عظمت و مخالفت و معصیت او) و هنگامی که آیات خدا بر

ایشان خوانده می شود ایمان آنان زیاد می گردد و بر پروردگارشان توکل می کنند.)) (۱۲۱)

(۴) ((به راستی خداوند متوکلین را دوست می دارد.)) (۱۲۲)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((همانا بی نیازی و عزت ، می گردند و در هر موضع (در هر شخصی) که توکل بیابند فرود می آیند و

آنجا را وطن خود قرار می دهند.)) (۱۲۳)

(۲) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که فرمودند: ((هر کس دوست دارد که (روحا) از تمام مردم نیرومندتر باشد، باید

بر خدا توکل نماید.)) (۱۲۴)

(۳) و نیز فرمودند: ((هر کس مایل است که پرهیزگارترین مردم شود پس باید توکل بر خدا کند.)) (۱۲۵)

اعتصام به خدا

اعتصام به خدا؛ چنگ زدن به لطف الهی و تمسک جستن و ملتجی شدن به اوست به منظور حفظ از گمراهی و معصیت خدا، یا از هر شر

و مکروه دیگری . اسلام در حالی که به شدت مردم را به سعی و کوشش و تلاش در محیط زندگی برای بهتر زیستن و انتظام زندگی

دستور می دهد آنان را به اعتصام و توسل به خدا در همه احوال ، تشویق می کند.

قرآن کریم :

(۱) ((ای مردم شما را دلیل و برهانی (عظیم) از پروردگارتان آمد و به سوی شما نوری واضح فرستادیم پس آنان که به خدا گرویدند و

به او متمسک شدند، خدا به زودی ایشان را در رحمتی از خود و فضلی (عظیم) در می آورد و آنان را به سوی خود به راهی مستقیم

هدایت می کند.)) (۱۲۶)

(۲) ((نماز را بر پا دارید و زکوة دهید و به خدا متمسک و متوسل شوید، اوست مولای شما، چه نیکو مولا و نیکو یابوری است.)) (۱۲۷)

(۳) ((و آنکه به خدا متمسک و متوسل شود؛ محققا به راهی راست هدایت یافته است.)) (۱۲۸)

روایات :

(۱) از علی علیه السلام : ((کسی که به خدا متمسک شود خدا او را نجات دهد. کسی که متمسک به خدا شود هیچ شیطانی به او ضرر نرساند.)) (۱۲۹)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((هر بنده ای که به خواسته خداوند توجه نماید، خداوند نیز به خواسته او توجه خواهد نمود، و کسی که به خدا اعتصام کند، خداوند او را نگهداری و محافظت فرماید، و کسی که خدا به او اقبال کند و او را حفظ نماید اگر آسمان به زمین افتد یا بلیه ای بر اهل زمین نازل گردد، باکی ندارد و با این که بلا شامل مردم می شود او در حزب خدا (و در پناه او) است به سبب تقوی و پرهیزکاری ؛ مگر نه این است که خداوند می فرماید: ((پرهیزکاران در جایگاه امن و امانی می باشند.)) (۱۳۰)

خوف و رجاء و حسن ظن به خداوند متعال

شخص با ایمان گرچه از جهت گناه و خطایش باید پیوسته از عقاب خداوند متعال خائف بوده و از کفر و مؤاخذه او مأمون نباشد؛ ولی در عین حال باید به رحمت و فضل و غفران پروردگار مهربان نیز امیدوار بوده و حسن ظن به او داشته باشد و هیچگاه نباید از رحمت قادر متعال ناامید گشته و سوء ظن به او پیدا کند که یاس از رحمت خداوند و سوء ظن به او نیز از معاصی پروردگار مهربان است .

روایات :

(۱) از امام باقر علیه السلام : ((هیچ بنده مؤمنی نیست مگر این که در قلب او دو نور است : نور خوف (از گناهش که قادر متعال او را عقوبت کند) و نور امید (به رحمت و فضل و غفران پروردگار متعال که او را ببخشد) که اگر این دو نور سنجیده شود هیچ یک بر دیگری زیادتی نکند.)) (۱۳۱)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((مؤمن ، مؤمن حقیقی) نشود تا این که خائف (از گناه و عقابش) و امیدوار (به رحمت پروردگار) گردد، و خائف و امیدوار نباشد تا این که به جهت خوف و رجاءش عامل شود.)) (۱۳۲)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((به خداوند امیدوار باش (ولی) به قسمی که امیدت تو را بر معصیت او جری نکند، و از خدا بترس (ولی) به نحوی که ترست تو را از رحمت او مایوس نکند.)) (۱۳۳)

(۴) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خداوند متعال فرموده عمل کنندگان ، بر اعمال و عباداتی که برای ثواب دادن من بجا می آورند، اتکال و اعتماد نکنند؛ زیرا که ایشان اگر در عبادت من کوشش کنند و خود را به مشقت اندازند و عمرهای خود را فانی سازند، باز هم در عبادتشان مقصرند و به حقیقت و کنه عبادت من (در آنچه می طلبند از کرامت من و نعیم بهشتها و درجات رفیع و بلند جوارم) نمی رسند؛ ولیکن به رحمت من باید وثوق و اعتماد داشته و به فضل من باید امیدوار باشند و به حسن ظن به من باید مطمئن شوند، که

در این صورت رحمت من به ایشان می رسد و انعام و فضل من ، رضوان و خشنودی مرا به ایشان می رساند و مغفرت و آمرزش من ، عفو مرا به ایشان می پوشاند؛ زیرا که من خداوند رحمان و رحیم و به این اسم نام گرفته ام.)) (۱۳۴)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((قسم به آنکه خدایی جز او نیست ، هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نشده مگر با حسن ظن و امید او به حسن خلق و امتناعش از غیبت مؤمنین ، و قسم به آنکه خدایی جز او نیست ، خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سوء ظنش به خداوند و به تقصیرش در رجاء و امید به خداوند و به بدخلقی و غیبتش از مؤمنین ، و قسم به آنکه خدایی جز او نیست ، هیچ بنده مؤمنی حسن ظن به خداوند نبرد مگر آنکه خداوند به همان حسن ظنش با او رفتار نمود؛ برای این که خداوند کریم است ، خیرات به دست اوست ، حیاء می کند از این که بنده مؤمنش به او حسن ظن ببرد و او خلاف ظن و رجاء بنده اش بنماید، پس به خداوند گمان دارید و به سوی او شوق و رغبت برید.)) (۱۳۵)

(۶) از امام صادق علیه السلام : ((حسن ظن به خداوند این است که جز به خداوند امید، و جز از گناهت ، بیم و هراس نداشته باشی.)) (۱۳۶)

راستگویی ، و دروغ

در اسلام به راستگویی اهمیت زیاد داده شده و راستگویی از فرائض و دروغ گفتن از گناهان است. (۱۳۷)

قرآن کریم :

(۱) ((به درستی مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عابد و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیبا و مردان و زنان خاشع و فروتن و مردان و زنان صدقه دهنده و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنانی که محافظت کنند فروج خود را از حرام و مردان و زنان بسیار یاد کننده خدا برای ایشان خداوند آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.)) (۱۳۸)

روایات :

(۱) از علی علیه السلام : ((هان ای مردم ! راست گوید که خدا با راستگویان است و از دروغ دوری کنید که دروغ دور از ایمان است.)) (۱۳۹)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((بر شما لازم است پرهیزگاری از (معصیت) خدا و راستی گفتار، و اداء امانت.)) (۱۴۰)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((دروغ ، خرابی ایمان است.)) (۱۴۱)

(۴) از علی علیه السلام : ((بنده ، مزد ایمان را نمی چشد تا این که دروغ را چه شوخی باشد و چه جدی ، ترک نماید.)) (۱۴۲)

(۵) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((سه خصلت از نشانه های منافق است : چون سخن راند، دروغ گوید؛ و هر گاه امینش قرار دهند، خیانت کند؛ و چون وعده نماید، خلف کند.)) (۱۴۳)

(۶) از امام رضا علیه السلام است در نامه اش به ماءمون. (۱۴۴)

(۷) و از امام صادق علیه السلام در حدیث شرایع الدین که در عداد گناهان کبیره ، کذب را ذکر فرموده اند. (۱۴۵)

(۸) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((سه (حالت و خصلت) است که در هر کس باشد، منافق است ؛ گرچه روزه بگیرد و نماز بخواند و به گمان خود مسلمان باشد: کسی که چون امینش قرار دهند، خیانت کند؛ و چون سخن راند و خبر دهد، دروغ گوید؛ و چون وعده نماید، خلف کند.)) (سپس سه آیه را که در متن حدیث مذکور است به مناسبت ذکر کرده اند. (۱۴۶)

بدترین دروغها

بدترین دروغها، دروغ بستن به خدا و پیغمبر و ائمه دین علیهم السلام است و لذا به شدت از آن منع شده است .

قرآن کریم :

(۱) خداوند متعال در چند مورد از قرآن کریم می فرماید: ((ستمکارتر از آنکه دروغ به خدا ببندد کیست ؟)) (۱۴۷)

(۲) و در موردی نیز می فرماید: ((مسلمانا آنکه بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی شوند، (و لذا نذ دنیاوی فعلی آنها) برخوردار نمی است و (در آخرت) برای آنان عذابی دردناک است.)) (۱۴۸)

روایات :

(۱) از رسول اکرم صلی الله علیه و اله است : ((اگر کسی سخنی را که من نگفته ام به من ببندد، باید آماده کند، جایگاه خود را از آتش.)) (۱۴۹)

(۲) و از امام صادق علیه السلام است : ((هر کس بر ما دروغ ببندد، بر رسول خدا دروغ بسته است و هر کس بر رسول خدا دروغ ببندد، بر خدا دروغ بسته است و هر کس بر خدا دروغ ببندد، خداوند عزوجل او را عذاب کند.)) (۱۵۰)

(۳) و نیز از آن حضرت است : ((دروغ بر خدا و بر رسول او و بر اوصیاء علیه السلام ، از گناهان کبیره است.)) (۱۵۱)

وفای به عهد (پیمان) و پیمان شکنی

در موضوع وفاء به پیمان، نسبت به هر کس که باشد، در اسلام اهمیت زیادی داده شده و از شکستن پیمان، منع شدید شده است.

قرآن کریم:

(۱) ((ای کسانی که ایمان آورده اید به عهد و پیمانها وفا کنید.)) (۱۵۲)

(۲) در اوصاف مؤمنین رستگار می فرماید: ((و کسانی که امانتها و پیمان خود را رعایت کننده اند.)) (۱۵۳)

(۳) ((به عهد و پیمان وفا کنید که البته به آن (در قیامت) بازخواست خواهید شد.)) (۱۵۴)

(۴) پس از آنکه در آیات اول سوره توبه به مشرکین معاهد که نقض عهد نموده بودند، اخبار و اعلام براءت و بیزاری از جانب خداوند و رسول می شود و فقط تا چهار ماه به آنان مهلت عدم تعرض داده می شود، می فرماید: ((مگر آن مشرکینی که با ایشان معاهده کردید؛ سپس آنها چیزی از شرایط عهدنامه را کم نکردند و احدی از دشمنان شما را بر ضرر شما کمک نمودند؛ پس عهد آنان را تا آخر مدت معاهده، وفا و تمام کنید که (وفا به عهد در این مورد از تقوی است و) هر آینه خداوند متقین و پرهیزگاران را دوست می دارد.)) (۱۵۵)

(۵) درباره دسته ای از مؤمنین مکه که به مدینه هجرت نموده بودند، می فرماید: ((اگر ایشان از شما (ساکنین مدینه) در دین طلب یاری کنند، پس بر شماست یاریشان کنید؛ مگر بر ضرر قومی (از کفار) که میان شما و ایشان عهد و پیمانی باشد (که در این صورت یاری کردن، حتی به مسلمین، جایز نیست) و خداوند به آنچه می کنید، بیناست.)) (۱۵۶)

روایات:

(۱) از امام صادق علیه السلام: ((سه چیز است که خداوند برای احدی از مردم در آنها رخصتی قرار نداده است: اداء امانت به نیکوکار و بدکار، وفاء به عهد به نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند چه بدکار.)) (۱۵۷)

(۲) امام باقر علیه السلام: ((سه چیز است که خداوند در آنها رخصتی قرار نداده است: اداء امانت نسبت به نیکوکار و بدکار، وفاء به عهد نسبت به نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند و چه بدکار.)) (۱۵۸)

وفای به وعده ، و خلف وعده

وفاء به وعده ؛ همچنانکه نزد عقلاء ممدوح و خلف آن مذموم است ؛ در اسلام به وفاء آن ترغیب و تحریص و از خلف آن منع شده است.

قرآن کریم :

(۱) ((ای کسانی که ایمان آورده اید چرا می گوئید (و وعده می دهید) چیزی را که نمی کنید، این (عمل) که بگوئید (و وعده بدهید) چیزی را که نمی کنید نزد خدا بسیار سخت مبعوض است.)) (۱۵۹)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((وعده مؤ من به برادر ایمانش ، نذری است که کفار ای بر آن نیست (یعنی اگر خلف کند، با هیچ کفاره ای جبران آن ، نتواند کرد) پس هر که خلف وعده کند، در واقع به خلق با خدا شروع کرده و به بغض شدید او دچار شده و این است قول خداوند متعال که فرموده : ((یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون)) (۱۶۰)

(۲) از امیرالمؤمنین علی علیه السلام : ((خلف وعده موجب شدت بغض است نزد خداوند و مردم ، خداوند متعال فرموده : ((کبر مقتا عندالله ان تقولوا مالا تفعلون)) (۱۶۱)

(۳) از رسول خدا صلی الله علیه و اله : ((هر که به خدا و روز آخرت ایمان آورد، هر گاه وعده کند باید وفاء کند.)) (۱۶۲)

(۴) از رسول خدا صلی الله علیه و اله : ((سه (حالت) است که در هر کس باشد منافق است گرچه روزه بگیرد و نماز بخواند و به گمان خود مسلمان باشد: کسی که چون امین قرار داده شود، خیانت کند؛ و چون خبر دهد، دروغ گوید؛ و چون وعده دهد، خلف کند.)) (۱۶۳)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((مؤ من برادر مؤ من و چشم او و راهنمای اوست ، خیانت و ستم و خدعه و خلف وعده به او نمی کند.)) (۱۶۴)

(۶) از رسول خدا صلی الله علیه و اله : ((کسی که با مردم معامله کند و به آنان ظلم نکند، و سخن با مردم گوید و دروغ نگوید، و وعده به آنان دهد و خلف نکند؛ از کسانی است که مروتش کامل و عدالتش ظاهر و اخوتش واجب و غیبتش حرام شده است.)) (۱۶۵)

عدالت و ظلم

اسلام مردمان را به عدالت و داد، دعوت و امر می کند و از بی عدالتی و ستم به شدت نهی می نماید.

قرآن کریم :

(۱) ((به راستی خدا به عدالت و (بلکه) به احسان و تفضل بر دیگران و عطاء به خویشان امر و از کار بسیار زشت و منکر و تجاوز به مردم نهی می کند. خدا شما را پند می دهد شاید متذکر شوید.)) (۱۶۶)

(۲) ((ای کسانی که ایمان آورده اید اگر معامله ای کردید به ذمه و دین برای مدت معینی ، آن را بنویسید و باید میانه شما نویسنده ای آن را به درستی و دادگری بنویسد (این که می فرماید:) و اگر مدیون ، سفیه یا ضعیف (در فهم و علم) باشد و یا (به جهت مانع دیگری ؛ چون ، گنگی و یا اشتغال به کار لازمی) نتواند املاء کند، از جانب او، ولی باید به درستی و عدالت ، دین را بر نویسنده املاء کند.)) (۱۶۷)

(۳) ((به راستی خداوند به شما امر می کند که امانات را به اهلش ادا کنید و نیز امر می کند که چون بین مردم حکومت می کنید به عدالت حکم نمایید. مسلماً خداوند شما را به خوب چیزی پند می دهد، خداوند شنوای بیناست.)) (۱۶۸)

(۴) ((ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای (رضای) خدا شهادت دهید، گرچه آن شهادت به ضرر خودتان یا ضرر پدر و مادر یا خویشانتان باشد، خواه طرف غنی باشد یا فقر، پس خدا نسبت به غنی و فقر (و رعایت مصلحت آنها) از شما سزاوارتر است ، پس هوای نفس را پیروی نکنید که از حق عدول کنید، و اگر زبان خود را (در ادای شهادت) بگردانید یا از حق کناره جویید، البته خدا به آنچه می کنید، آگاه است.)) (۱۶۹)

(۵) ((ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته ایستادگی برای (رضای) خدا و گواهان به عدالت به تقوی نزدیک تر است و از خدا بپرهیزید که خدا به آنچه می کنید آگاه است.)) (۱۷۰)

(۶) ((و اگر دو گروه از مؤمنین با یکدیگر جنگ کنند بین آنها اصلاح کنید؛ اگر یکی از این دو گروه بر دیگری تجاوز و ستم کند با آنان که ستم می کنند، جنگ کنید تا به سوی فرمان خدا برگردند پس اگر برگشتند، با عدالت بین ایشان را اصلاح کنید و (در همه امور) عدالت کنید که خداوند عادلان را دوست می دارد.)) (۱۷۱)

(۷) ((و تمام دهید پیمانانه و میزان را به عدالت ، تکلیف نمی کنیم نفسی را مگر به قدر طاقتش ، چون سخن گوئید، عدالت کنید (و جانبداری نکنید) هر چند آن کس که درباره او سخن می گوئید، با شما صاحب قرابت و خویشی باشد.)) (۱۷۲)

(۸) ((بر نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید، و بر گناه و ستم به یکدیگر کمک نکنید.)) (۱۷۳)

(۹) ((هر که از شما (مردم) ستم کند، به او عذاب بزرگی می چشائیم.)) (۱۷۴)

(۱۰) ((تمایل (یا تکیه و اعتماد) نکنید به کسانی که ستم کرده اند، که به شما آتش برسد، و برای شما غیر از خدا دوستانی (پارانی) نخواهد بود، پس کمک و یاری نخواهید شد.)) (۱۷۵)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((از شیعیان ما نیست کسی که به مردم ستم می کند.)) (۱۷۶)

(۲) از علی علیه السلام : ((دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.)) (۱۷۷)

(۳) از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم : ((حقا شری که کیفرش سریعتر (از کیفر سایر شرور و معاصی) می باشد، ستم و تعدی است.)) (۱۷۸)

(۴) از امام باقر علیه السلام : ((تاریکیهای رستخیز، همان ستم های دنیاست.)) (۱۷۹)

(۵) از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم : ((بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند، و بدترین مردم کسی است که مردم از او آزار ببینند، و بدتر از او کسی است که مردم او را از ترس بدی و شر او اکرام کنند.)) (۱۸۰)

(۶) از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که همراه با ستمکاری برای کمک به او برود؛ با آنکه می داند او ستمکار است، از ایمان خارج شده است.)) (۱۸۱)

(۷) از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که اذیت کند با ایمانی را، خدا او را اذیت کند، و کسی که اندوهناک کند با ایمانی را، خدا او را اندوهناک کند.)) (۱۸۲)

(۸) از علی علیه السلام : ((کسی که ستم کند، ستمش او را هلاک می کند. کسی که ستم کند، کار خود را فاسد کرده است. کسی که بر بندگان خدا ستم کند، علاوه بر بندگان (ستم دیده)، خدا هم دشمن او خواهد بود، و کسی که خدا خصم او شود، حجت او را باطل کند (عذر او را نپذیرد) و او را در دنیا و آخرت عذاب فرماید. از ستم دوری کنید که ستم بزرگترین جرمها و گناهان است. ستم شخص در دنیا، سرنوشت و نمودار بدبختی اوست در آخرت.)) (۱۸۳)

ادای امانت و خیانت

یکی از فرائض و واجبات مهم در اسلام ، اداء هر نوع ((امانت)) است نسبت به هر کس از نیکوکار و بدکار؛ و یکی از بدترین گناهان ، ((خیانت)) است .

قرآن کریم :

(۱) ((پس اگر برخی از شما به برخی اطمینان کند و او را امین خود گرداند، آنکه امین قرار داده شده است باید امانت را به صاحبش ادا کند و از (مخالفت) خدا که پروردگار اوست بپرهیزد.)) (۱۸۴)

(۲) ((به راستی خداوند به شما امر می کند به این که امانتها را به صاحبانش ادا کنید.)) (۱۸۵)

(۳) در وصف مؤمنین رستگار می فرماید: ((و آن کسانی (هستند) که امانتها (ی نزد خود را) و پیمانشان را رعایت کننده اند.)) (۱۸۶)

(۴) ((به راستی خداوند اشخاص خائن را دوست نمی دارد.)) (۱۸۷)

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که امانتدار نیست ، هیچ ایمان ندارد.)) (۱۸۸)

(۲) از امام زین العابدین علیه السلام : ((بر شما باد اداء امانت ؛ سوگند به کسی که محمد را به راستی به پیغمبری برانگیخت اگر کشنده پدرم حسین بن علی مرا بر شمشیری ، که پدرم را با آن کشت ، امین قرار دهد، حتما آن را به او باز خواهم داد.)) (۱۸۹)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((از خدا بپرهیزید و بر شما باد، اداء امانت به کسی که شما را امین قرار دهد، پس اگر کشنده علی مرا بر امانتی امین قرار دهد، حتما امانت او را ادا خواهم کرد.)) (۱۹۰)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((اداء امانت کنید، گرچه به کشنده حسین بن علی علیه السلام باشد.)) (۱۹۱)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((بر شما باد پرهیزگاری خدا و راستگویی و اداء امانت .)) (۱۹۲)

(۶) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هر کس در دنیا امانتی را خیانت کند و به صاحبش رد نکند، و مرگ او فرا رسد بر غیر ملت من مرده است و خدا را غضبناک ملاقات خواهد نمود.)) (یعنی در قیامت عذاب الهی شامل خال او خواهد بود.)) (۱۹۳)

(۷) از علی علیه السلام : ((مسلمان چون امین قرار داده شود، خیانت نمی کند و چون وعده دهد، خلاف نمی ورزد و چون سخن گوید، دروغگو نیست .)) (۱۹۴)

(۸) از علی علیه السلام : ((از خیانت بپرهیز؛ زیرا خیانت بی گمان بدترین گناه است و خائن معذب به آتش خواهد بود.)) (۱۹۵)

(۹) از علی علیه السلام : ((از خیانت کناره گیری کنید؛ زیرا بی گمان خیانت ، از اسلام برکنار است .)) (۱۹۶)

(۱۰) از امام صادق علیه السلام : ((سه چیز است که در هر حال (مسلمان) ناگزیر از اداء آنهاست : امانت نسبت به صالح و تبهکار، وفاء به عهد نسبت به صالح و تبهکار، نیکی و طاعت نسبت به پدر و مادر چه صالح باشند و چه تبهکار.)) (۱۹۷)

(۱۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((احدی را در مالی که نزد تو می نهد، و در امانتی که تو را بر آن امین می نماید، البته خیانت مکن ؛ که خدای متعال می فرماید: ((ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها)) ؛ خداوند فرمان می دهد که امانات مردم را به آنها مسترد نمایید.)) (۱۹۸)

(۱۲) از علی علیه السلام : ((ای کمیل بدان و بفهم که ما، ترک ادای امانتها را به احدی از مخلوق اجازه نمی دهیم ؛ پس اگر کسی از من در این خصوص اجازه ای را روایت کند، باطل گفته و بزه کار شده است و کیفر او آتش است ؛ چون دروغ گفته . سوگند می خورم که شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یک ساعت پیش از وفاتش که سه مرتبه گفت : ای ابالحسن به نیکوکار و بدکار در چیز کوچک و بزرگ حتی در نخ و سوزن اداء امانت را رعایت کن .)) (۱۹۹)

کار و کوشش در اسلام

اسلام مردم را برای به دست آوردن احتیاجات زندگی ، به کار و کوشش بسیار دستور داده و از بیکاری و تنبلی و سربار دیگران شدن ، به شدت منع نموده است .

قرآن کریم :

(۱) ((به تحقیق شما را در زمین مسلط کردیم ، و برای شما در آن وسایل و مایه های زندگی قرار دادیم (تا شما به کوشش خود از زمین و آنچه در آن است استفاده برید و شکر گزاری و لی (شما اندک شکر می کنید.)) (۲۰۰)

(۲) ((و (خداوند) از رحمت خود، برای شما شب و روز را قرار داد تا در شب بیارمید و (در روز) از فضل او بجوید و تا شکر او گزاری.)) (۲۰۱)

(۳) ((پس چون نماز به پایان رسید در زمین پراکنده شوید و از فضل و احسان خدا بجوید.)) (۲۰۲)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((به راستی خداوند عزوجلّ، زیادی خواب و زیادی فراغت را مبعوض می دارد.)) (۲۰۳)

(۲) از امام کاظم علیه السلام : ((از کسالت و دلتنگی دوری گزین که این دو، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.)) (۲۰۴)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((در جستجوی معیشتان کسالت موزید که پدران ما برای طلب معیشت تلاش می کردند.)) (۲۰۵)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((از جستجوی معیشت خود، کسالت موز که سربار دیگری خواهی شد.)) (۲۰۶)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که بار خود را بر دوش دیگری اندازد، ملعون است.)) (۲۰۷)

(۶) از امام صادق علیه السلام : ((بر شماست پرهیز از (معاصی) خداوند عزوجل و ملازمت کاری که به وسیله آن (به شخص) می رسد آنچه نزد خداست (از ثواب یا روزی)، قسم به خدای، که امر نمی کنم شما را مگر به آنچه ما خود را امر می کنیم؛ پس بر شماست جدیت و کوشش، و چون نماز صبح را بجا آورید به جستجوی روزی و طلب حلال بروید که خداوند شما را به زودی روزی می دهد و بر آن شما را کمک خواهد کرد.)) (۲۰۸)

(۷) از امام صادق علیه السلام : ((جستجوی روزی را از راه حلال وامگذار و پای شتر خود را ببند و بر خدا توکل کن (یعنی بدون کسب و تلاش از خدا روزی مخواه.)) (۲۰۹)

(۸) عبدالاعلی می گوید: ((در بعضی از راههای مدینه روز تابستان بسیار گرمی به ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) برخوردم، گفتم: فدایت شوم، حال تو در نزد خدای عزوجل و قرابت تو از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم معلوم است، با وجود این در چنین روزی برای خود کوشش می کنی؟ فرمود: ای عبدالاعلی به جستجوی روزی خارج شدم تا از مثل تو، بی نیازی جویم.)) (۲۱۰)

(۹) ابو عمرو شیبانی، می گوید: ((دیدم اباعبدالله (امام صادق علیه السلام) را بیل در دست و بر او جامه درشتی بود و در بستان خود کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت، گفتم: فدایت شوم بیل را به من ده تا شما را در کارتان کفایت کنم. فرمود: من دوست دارم که مرد در جستجوی معیشت به حرارت آفتاب اذیت نکشد.)) (۲۱۱)

(۱۰) فضل بن ابی قره می گوید: ((بر ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) در بستان او وارد شدیم، و گفتیم: فدایت شویم، بگذار ما برایت کار کنیم یا غلامان کار کنند فرمود: نه، واگذارید مرا، میل دارم که خداوند عزوجل مرا ببیند که به دست خود کار می کنم و به اذیت نفس خود، طلب حلال می نمایم.)) (۲۱۲)

(۱۱) علی بن ابی حمزه گوید: ((دیدم ابوالحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) را، در زمین خودکار می کرد و عرق پاهای او را فرا گرفته بود، گفتم: فدایت شوم، مردان کجایند؟ فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند، با دست خود در زمینشان کار کردند. گفتم: آنان که بودند؟ فرمود: پیغمبر و امیرالمومنین، پدران من همه به دست خود کار می کردند و این از کار پیغمبران و اوصیاء ایشان و نیکوکاران است.)) (۲۱۳)

(۱۲) از امام صادق علیه السلام : ((اگر گمان کردی یا به تو خبر رسید که این امر (مردن، یا امر فرج) در فردا خواهد بود، باز هم طلب روزی را البته وامگذار.)) (۲۱۴)

(۱۳) از امام صادق علیه السلام : ((رنجبر کوشا در راه (کسب احتیاجات) عائله اش، مانند مجاهد در راه خداست.)) (۲۱۵)

(۱۴) از امام صادق علیه السلام : ((کشاورزان گنجهای خداوندند در زمین او، و نزد خدا کاری، محبوبتر از کشاورزی نیست.)) (۲۱۶)

(۱۵) از امام صادق علیه السلام : ((کشاورزان گنجهای خلقتند، کشت می کنند پاکیزه چیزی را که خداوند (عزوجل) آن را از خاک خارج کرده ، و ایشان در روز قیامت بهترین مردم و مقرب ترین آنانند از جهت منزلت و مقام ، و در آن روز آنها را به نام مبارک می خوانند.)) (۲۱۷)

(۱۶) از امام صادق علیه السلام : ((کشت بنماید و درخت بنشانید، قسم به خدا مردم کاری نکرده اند که محبوبتر و پاکیزه تر از اینکار باشد.)) (۲۱۸)

(۱۷) نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هیچ مسلمانی نیست که درختی بکارد و از آن انسانی یا چهارپایی یا پرندۀ ای بخورد؛ مگر آنکه صدقه برای او یا روز قیامت نوشته شود.)) (۲۱۹)

(۱۸) از امیرالمؤمنان علی علیه السلام : ((کسی که آب و خاکی بیابد و با این حال فقیر بماند، خداوند او را (از رحمت خود) دور کند.)) (۲۲۰)

(۱۹) از امام صادق علیه السلام : ((بزرگترین کیمیاء زراعت است.)) (۲۲۱)

(۲۰) از امیرالمؤمنان علی علیه السلام : ((تجارت کنید که در تجارت برای شما بی نیازی است از آنچه مردم دارند، و خداوند عزوجل پیشه و را امین را دوست می دارد.)) (۲۲۲)

(۲۱) از امام صادق علیه السلام : ((تجارت را وامگذارید که خوار می شوید تجارت کنید تا خداوند به شما برکت دهد.)) (۲۲۳)

(۲۲) از امام صادق علیه السلام : ((از تجارت باز نایستید و از فضل خداوند عزوجل بجوئید و بخواهید.)) (۲۲۴)

(۲۳) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((نبکی ، ده بخش است و افضل آنها تجارت است ؛ به شرطی که حق گرفته شود و حق داده شود.)) (۲۲۵)

(۲۴) از امام صادق علیه السلام : ((به راستی تارک کسب و کار، دعایش مستجاب نشود؛ گروهی از یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون آیه ((و من یتق الله یجعل له مخرجا الخ)) ، نازل شد، درهای محل کسب و تجارت خود بسته و به عبارت روآوردند و گفتند: با این آیه ما کفایت شدیم ، و این خبر به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید، پی ایشان فرستاد و فرمود: چه شما را بر اینکار وادار کرد؟ گفتند: ای رسول خدا! خداوند روزیهای ما را تکفل فرمود؛ پس ما رو به عبادت آوردیم (و دست از کار و جستجوی روزی کشیدیم). پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که چنین کند، دعایش مستجاب نشود، بر شما باد بر طلب روزی.)) (۲۲۶)

(۲۵) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((همانا چند دسته از امت من دعایشان مستجاب نگردد؛ کسی که بر پدر و مادر خود نفرین کند؛ کسی که بر بدهکار خود که مالش را برده و از او سند و شاهی نگرفته نفرین کند، و کسی که بر زن خود، با آنکه خداوند عزوجل رهایی و طلاقش را به دست او نهاده است ، نفرین کند، و کسی که در خانه بنشیند و دعا کند که خدایا به من روزی ده و خارج نشود و جستجوی روزی نکند؛ پس خداوند عزوجل فرماید: بنده من آیا برای تو راه طلب و تصرف در زمین را با اعضای سالم قرار

ندادم تا عذری میان من و تو باقی نماند (یا، تا معذور باشی میان من و خودت) در طلب نمودنت برای پیروی امر من و تا این که بار، بر تنگ گیرم بر تو، و چون طلب کردی نزد من معذور باشی؛ و کسی که خداوند به او مال بسیار روزی کند و او تمام آن را خرج کند و رو به دعا آورد و بگوید خدایا روزی ده مرا، خداوند عزوجلّ به او فرماید: آیا به تو روزی وسیع ندادم؟ پس چرا در خرج میانه روی نکردی، همچنانکه تو را امر نمودم؟ و چرا اسراف و زیاده روی نمودی با آنکه تو را اسراف نهی کرده بودم؟ ((۲۲۷))

آگاهی

باید دانست که خدمتگزاران فرهنگ دین، از محصلین و مبلغین و علماء واقعی (نه هر بیکاره سود جو و گرگان در لباس میش)، در قرون اخیر اگر غالبا به کسب و تجارت و زراعت و صنعت اشتغالی نداشته اند نه تنها بیکار و طفیلی اجتماع نبوده و نیستند؛ بلکه سنگین ترین زحمات و خدمات معنوی و یا مقدمات آن را عهده دار و متحمل بوده اند که با انجام آنها غالبا فرصت اشتغال به خدمت دیگری ندارند؛ در حالی که از زندگی مادی هم، اگر نگوئیم بیش از حد نازل، مسلما بیش از حد متوسط را بهره ور نشده اند. آری کسانی که با خدا و انبیاء و اوصیاء دین و حفظ و پیشرفت آن (دانسته یا ندانسته) در واقع، مخالفت و دشمنی دارند به یقین با کارکنان فرهنگ دین هم پیوسته در مقام دشمنی و افتراء و خرده گیری بوده و هستند و برای تشریح این حقیقت مجالی جداگانه لازم است.

صنعت

کارخانجات و ساختن همه گونه وسائل و آلات و ادواتی که به نفع بشر و مورد نیاز زندگی مشروع آنان است (نه مانند صنعت شراب) در اسلام مباح و حلال است.

روایات:

(۱) از امام صادق علیه السلام: ((انواع و اقسام آلات و ادواتی که بندگان خدا به آنها نیاز دارند که منافع ایشان از آنهاست و قوام زندگیشان به آنها، و کفایت احتیاجاتشان در آنهاست، حلال است ساختن آن و آموختن آن و کار کردن با آن و در آن از برای خود یا برای غیر خود.)) (۲۲۸)

دستورات کلی در معاملات

در اسلام دستورهای کلی اکید، به راستی و درستی در معاملات و به اجتناب از مکر و خدعه و تقلب و اضرار و هر گونه معامله نامشروع داده شده است .

قرآن کریم :

(۱) ((وای (تباهی) بر کم فروشان ؛ آنانکه چون کیل و پیمانه گیرند (برای خودشان) بر مردم ، تمام گیرند و چون پیمانه یا وزن برای مردم کنند، به آنان کم دهند. آیا باور نمی کنند که آنان برای روزی بزرگ (روز قیامت و حساب) برانگیخته می شوند؟!)) (۲۲۹)

روایات :

(۱) از امیر المؤمنان علی علیه السلام : ((ای گروه تاجران ! فقه سپس تجارت ، فقه سپس تجارت ، فقه سپس تجارت (یعنی قبلا احکام شرعیه تجارت را بیاموزید، بعد به تجارت وارد شوید). سوگند به خدا، ربا در این امت پنهان تر از نرم رفتن مورچه بر سنگ سخت صاف است ، ایمان خودتان را (یا سوگندهای خودتان را) به صدق و راستی بیامیزید، تاجر فاجر است و فاجر در آتش است ؛ مگر تاجری که حق بگیرد و حق بدهد.)) (۲۳۰)

(۲) از امیر المؤمنان علی علیه السلام : ((ای گروه تجارا! از (مخالفت با) خدا بپرهیزید (تا این که فرمود): از قسم خوردن خودداری کنید، و از دورغ اجتناب کنید، و از ستم دوری کنید و به ستمدیدگان انصاف دهید، در نزدیک ربا نروید، و پیمانه و میزان را تمام دهید و اشیاء مردم را کم نکنید، و در زمین کوشش به فساد ننمایید.)) (۲۳۱)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((بر تو باد راست زبانی در گفتارت ، و عیبی که در کالای تجارت تو است مپوشان ، و کسی که واگذارنده امر است به تو، او را مغبون مکن ؛ همانا مغبون کردنش حلال نیست ، و برای مردمان راضی مشو مگر آنچه را که راضی می شود برای خودت ، و حق بده و حق بگیر و جور مکن (تا این که می گوید): تاجر فاجر است مگر تاجری که حق بدهد و حق بگیرد.)) (۲۳۲)

(۴) از امام کاظم علیه السلام : ((به راستی ، فروش متاع در زیر سقف و تاریکی نوعی غش و پوشاندن عیب متاع است ، و غش جایز نیست .)) (۲۳۳)

(۵) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که عیب متاع را بر مسلمانی بپوشاند و یا به مسلمانی ضرر برساند و با او خدعه کند، از ما نیست .)) (۲۳۴)

(۶) از امام کاظم علیه السلام : ((کسی که خیانت کند و عیب چیزی را بر مسلمانی بیوشد یا از راه دیگری او را گول زند یا به او مکر و خدعه کند، ملعون است .)) (۲۳۵)

(۷) از پیغمبر اکرم علیه السلام : ((کسی که در خرید و فروش به مسلمانی خیانت کند و عیب چیزی را بر او بیوشد؛ از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور شود؛ زیرا که یهود خائن ترین مخلوقند نسبت به مسلمین .)) (۲۳۶)

(۸) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که شب بگذراند و در دلش قصد تقلبی نسبت به برادر مسلمان خود داشته باشد؛ شب را در غضب خدا گذرانده است ، و در غضب خدا صبح کرده است و او در غضب خداست تا توبه کند و از آن قصد بر گردد و اگر بمیرد با آن حال ، بر غیر دین اسلام مرده است .)) (۲۳۷)

(۹) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((حیله ورزی و فریب و خیانت در (خور) آتش است .)) (۲۳۸)

(۱۰) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که مسلمان است ، حیله ورزی نکند و فریب ندهد.)) (۲۳۹)

دورویی و دو زبانی

از بدترین خصال ، دورویی و دو زبانی است و شخص دورو و دو زبان در اسلام از بدترین مردم است .

روایات :

(۱) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((همانا بدترین مردم روز قیامت نزد خداوند، آدم دورو است .)) (۲۴۰)

(۲) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((بدترین مردم کسی است که دورو و دو زبان باشد.)) (۲۴۱)

(۳) از امام موسی بن جعفر علیه السلام : ((بد بنده ای است آنکه دورو و دو زبان باشد: ثنای برادرش را گوید هنگامی که ببیند او را، و چون از او پنهان شود او را می خورد (یعنی از او بدگویی می کند)، اگر به برادرش نعمتی داده شود به او رشک ورزد، و چون ابتلائی پیدا نماید ترک یاری او کند.)) (۲۴۲)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که مسلمانان را به دورویی و دو زبانی ملاقات کند، در روز قیامت برای او دو زبان از آتش آماده است .)) (۲۴۳)

خشم

اسلام مردم را از خشم نابجا (به غیر منظور خدا) که بسیار مدموم و خطرناک است ، بر حذر نموده و به بردباری و فروبردن خشم بسیار تشویق و تحریص نموده است .

روایات :

(۱) از نبی اکرم علیه السلام : ((خشم ، ایمان را فاسد می کند چنانکه سرکه عسل را.)) (۲۴۴)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((خشم کلید هر بدی است .)) (۲۴۵)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که مالک خشمش نشود، مالک عقلش نشده است.)) (۲۴۶)

(۴) از امیرالمؤمنان علی علیه السلام : ((خشم شر است ، اگر پیروی آن کنی (تو را) هلاک کند. خشم ، دشمن تو است ؛ پس او را مالک نفس خود مکن . خشم ، خردها را فاسد و آدمی را از راه صواب دور کند. از خشم دوری کن که خشم آتش سوزان است . از خشم پرهیز زیرا اول آن دیوانگی و آخر آن پشیمانی است . خشم بد قرینی است ؛ عیوب آدمی را ظاهر سازد و بدی را نزدیک و خوبی را دور کند. کسی که بر او خشم و شهوتش چیره شود پس او در رتبه چهارپایان است.)) (۲۴۷)

کظم غیظ

خداوند در وصف متقین که وعده بهشت وسیع را به آنان داده می فرماید:

قرآن کریم :

(۱) ((آنانند که چون هنگام وسعت و چه هنگام شدت و سختی ، به مردم انفاق می کنند، و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردمند و خداوند محسنین را دوست می دارد.)) (۲۴۸)

(۲) ((پس هر چه (نعمت) داده شده اید همانا متاع و بهره زندگی دنیا است و آنچه نزد خداست (از ثوابات اخروی) بهتر و پاینده تر است برای آنان که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل دارند، و آنان که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری گزینند و هر گاه به خشم آیند درگذرند و چشم پوشی کنند.)) (۲۴۹)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((هیچ بنده ای نیست که خشمی را فرو خورد مگر این که خداوند (عزوجلّ) عزت او را در دنیا و آخرت زیاد می کند.)) (۲۵۰)

(۲) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که خشمی را فرو خورد و بردباری کند با این که بر انفاذ و اجرای آن خشم قادر باشد، خداوند اجر یک شهید به او بدهد.)) (۲۵۱)

(۳) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که خشمی را فروخورد با این که بر انفاذ آن قادر باشد، خداوند از پی آن امن و ایمانی که طعم (و لذت) آن را بیابد پاداش بدهد.)) (۲۵۲)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که خشمی را فرو خورد، با آنکه اگر می خواست آن را انفاذ کند می توانست ، خداوند در روز قیامت قلب او را از رضا و خشنودی خود پر کند.)) (۲۵۳)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که خشمی را فروخورد با این که بر انفاذ آن توانا باشد، خداوند قلب او را تا روز قیامت از امن و ایمان پر کند.)) (۲۵۴)

(۶) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خردمندترین مردم ، شدیدترین مردم است در مدارا و ملاطفت با مردم . و هوشیار و دوراندیش ترین مردم ، کسی است که بیشتر از همه خشم خود را فروخورد.)) (۲۵۵)

(۷) از امام باقر علیه السلام : ((به راستی خداوند شخص با حیا و بردبار را دوست دارد.)) (۲۵۶)

(۸) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((به درستی شخص به بردباری با مردم ، رتبه روزه دار شب زنده دار را درک می کند.)) (۲۵۷)

(۹) از امام باقر علیه السلام : ((کسی که خشمش را از مردم نگهدارد، خداوند عذاب روز قیامت را از او نگهدارد.)) (۲۵۸)

(۱۰) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((از محبوبترین راهها به سوی خداوند عزوجلّ (فرو بردن) دو جرعه است : یکی جرعه خشمی که رد کنی آن را به بردباری ، دیگری جرعه مصیبتی که رد کنی آن را به شکیبایی.)) (۲۵۹)

خوش زبانی و بد زبانی

بد زبانی قبیح و موجب آزار و برانگیختن بغض مردم است و در مدارک اسلام از آن منع و به خوش زبانی امر شده است .

قرآن کریم :

(۱) ((برای مردم خوش زبان و نیک گفتار باشید.)) (۲۶۰)

(جمله فوق ضمن پیمانی است که خداوند از بنی اسرائیل گرفته است .)

(۲) ((گفتار خوب و عفو و آمرزش (لغزش فقیر) بهتر است از صدقه ای که از پی آن آزاری باشد و خداوند بی نیاز و حلیم است ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید صدقات خودتان را با منت و اذیت باطل نکنید.)) (۲۶۱)

(۳) قرآن و اولیا اشخاص بی رشد و کم خرد می گوید: ((اموال و دارایی خودتان را(مراد اموال سفیهان است که در حکم اموال اولیاء است) - که خداوند متعال آنها را وسیله قیام و معیشت شما (مردم) قرار داده است - به تصرف سفیهان ندهید و روزی و پوشاک آنان را در آن اموال (و از عایدی آنها) بدهید و (مثلا اگر تندی و اسائه ای برای اخذ آنها به شما نمودند) به گفتار نیکو (و وعده معروف) به آنان (پاسخ) بگویید.)) (۲۶۲)

(۴) ((اگر هنگام تقسیم میراث ، خویشان (خویشانی که ارث بر نیستند) و یتیمان و مستمندان حاضر شدند؛ چیزی از ترکه روزی آنان کنید، و با ایشان با گفتاری خوب سخن بگویید (از قبیل عذر خواهی و دعای خیر برای آنان.)) (۲۶۳)

(۵) ((و باید بترسند کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود باقی گذارند بر ایشان نگران و دلوایسند، پس باید(در زندگی خود با فرزندان و یتیمان دیگران مدارا و مهربانی کنند و) از خدا بیرهیزند و گفتاری درست (از روی شفقت و مهربانی با آنان) بگویند.)) (۲۶۴)

(۶) ((بگو بر بندگان من (که به یکدیگر و درباره یکدیگر) آنچه که خوبتر است بگویند که شیطان بین آنان فساد می کند و شیطان برای انسان دشمنی واضح و آشکار است.)) (۲۶۵)

روایات :

(۱) از امام باقر علیه السلام در تفسیر ((قولوا للناس حسنا)) : ((بهترین چیزی را که دوست می دارید درباره شما گفته شود، درباره مردم بگویید.)) (۲۶۶)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((گروه شیعه ! زینت ما باشید و نه عیب ما، و برای مردم خوبی بگویید و زبانهایتان را نگهدارید و آن را از سخن زائد و گفتار زشت باز دارید.)) (۲۶۷)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((از خدا بیرهیزید و زبانهایتان را، جز از خیر، باز دارید.)) (۲۶۸)

(۴) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که مردم به خاطر زشتگوئیش از همنشینی و معاشرت با او بدشان بیاید مسلماً از بدترین بندگان خداست.)) (۲۶۹)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((همانا زشتگویی و ناخوش گویی و زبان درازی از نفاق است . مبعوض ترین خلق خدا کسی است که مردم از زبان او در حذر باشند.)) (۲۷۰)

(۶) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((همانا خداوند زشتگوی بد زبان را دشمن می دارد.)) (۲۷۱)

(۷) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که از زبان او مردم می ترسند، اهل آتش است . بدترین مردم کسی است که مردم او را، از ترس شر او و اذیت زشتگویی اش ، اکرام کنند. بدترین مردم نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که از ترس شرشان (در دنیا) اکرام و احترام شوند.)) (۲۷۲)

دشمنی و کینه جویی ، دوری و جدایی از یکدیگر

از صفات رذیله آدمی ، دشمنی و کینه جویی نسبت به دیگری است که در اسلام منع و مذمت شده است و گاه همین صفت منشاء رذائل و اعمال مهلکه ای دیگر از قبیل غیبت و دروغ و بهتان و شتمات و مسخره و فحش و اذیت و آزار و ستم و حسد و بخل می گردد و سرانجام دنیا و آخرت آدمی را فاسد می نماید.

قرآن کریم :

(۱) ((والبته واندارد شما را کینه گروهی ، که بازداشتند شما را از مسجدالحرام ، بر آنکه ستم کنید.)) (۲۷۳)

(۲) ((والبته واندارد شما را، کینه گروهی ، بر این که عدل و داد نکنید، عدالت کنید که عدل به تقوی نزدیکتر است.)) (۲۷۴)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که بذر دشمنی بکارد، همان را درو کند.)) (۲۷۵)

(۲) از امیر المؤمنان علی علیه السلام : ((رشک و دروغ و کینه را رها کن ، اینها سه چیزند که دین را زشت کنند و انسان را هلاک نمایند.)) (۲۷۶)

(۳) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((از خویش خود بُر (جدا مشو) گرچه او از تو بریده باشد.)) (۲۷۷)

(۴) از امام باقر علیه السلام : ((چون دو نفر از شیعیان ما نزاع کنند و از یکدیگر مفارقت نمایند، پس باید ستمدیده به سوی رفیق خود برگردد، تا این که بگوید: ای برادر من ! منم ستم کننده ، تا آنکه دوری و ناپیوستگی میان آن دو، بریده و تمام شود که خدای متعال داور و دادگر است ، از ظلم برای مظلوم (انتقال) می گیرد.)) (۲۷۸)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله : ((آگاه باشید که به درستی ، دشمنی با یکدیگر، تراشنده و از بیخ و بن کننده دین است.)) (۲۷۹)

(۶) از امام باقر علیه السلام : ((اصحاب و برادران دینی خود را بزرگ دارید و احترامشان کنید، هجوم مکنید و به هم ضرر نرسانید و رشک مورزید و از بخل بیرهیزید و بندگان خالص خدا باشید.)) (۲۸۰)

(۷) از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم : ((برای هیچ مسلمانی جایز و حلال نیست که از برادر مسلمان خود تا سه روز قهر و دوری و ناپیوستگی کند، و پیشی گیرنده (برای آشتی)، به بهشت پیشی گرفته است.)) (۲۸۱)

(۸) از امام صادق علیه السلام : ((مؤمن نسبت به برادر با ایمانش هدیه خدای عزوجلّ است ، پس اگر او را مسرور کند و به او پیوندد، هدیه خداوند را پذیرفته است و اگر از او ببرد و دوری و جدایی کند؛ هدیه خداوند را رد کرده است.)) (۲۸۲)

(۹) از امام صادق علیه السلام : ((خداوند از هیچ مؤمنی عملی را نپذیرد، اگر او قصد بدی و سویی را بر برادر با ایمانش در دل داشته باشد.)) (۲۸۳)

آگاهی

الف (در روایاتی نهی و منعی از ((شحناء))، ((مشاره))، ((ملاحاة)) وارد شده است . مراد از شحناء؛ عداوت و کینه است . و مراد از مشاره ؛ مخاصمه است . و مراد از ملاحات ؛ منازعه . (۲۸۴)

ب (در روایاتی از دوری مؤ من ، بیش از سه روز نهی شده ؛ مانند این که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت است : ((لا هجرة فوق ثلاث)) یا ((لا يحل لمسلم ان يهجر اخاه فوق ثلاثة)) . (۲۸۵)

ظاهرا مراد از این هجر، دوری گرفتن (جدایی ، بریدن) مؤ منین از یکدیگر پس از وقوع منازعه بین آنان می باشد.

ج (در روایاتی از حجب مسلمان مؤ من (یعنی خودداری از ملاقات با او) منع شده است ؛ مانند روایت ابی حمزه از امام باقر علیه السلام : ((ای اباحمزه ! هر مسلمانی که مسلمان دیگری به منزلش بیاید برای زیارت او یا طلب حاجتی از او، و او در منزلش باشد و اذن ورود بخواهد، اذن ندهد و به سوی او نیز خارج نشود؛ پیوسته این صاحب منزل در لعنت خدا خواهد بود تا این که یکدیگر را ملاقات کنند.)) راوی می گوید: ((گفتم فدایت شوم در لعنت خداست تا این که یکدیگر را ملاقات کنند؟)) فرمود: ((بلی .)) (۲۸۶)

و در روایتی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: ((ملعون است ، ملعون است ؛ کسی که محتجب شود از برادرش (یعنی خود را از برادر ایمانیش که اذن ملاقات می خواهد بپوشد و پنهان کند و رو نشان ندهد.)) (۲۸۷)

حرص (آز)

یکی از صفات مذبوم ، صفت حرص و آز است که آدمی را به خواری می کشاند و به گناه وامی دارد.

روایات :

(۱) از علی علیه السلام : ((آز کلید رنج و مرکب تعب و باعث ورود در گناهان است . آز نشانه بدبختان است . آز آدمی را خوار و بدبخت می گرداند.)) (۲۸۸)

(۲) از امام باقر علیه السلام : ((مثل آزمند (حریص) بر دنیا، چون کرم ابریشم است که هر چه زیادت (پيله را) بر خود پیچد، بیرون آمدنش دورتر و مشکلتگر گردد تا این که از اندوه بمیرد.)) (۲۸۹)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((بی نیازترین بی نیازی برای کسی که گرفتار آز نباشد.)) (۲۹۰)

طمع (چشم داشت به دیگران)

یکی دیگر از صفات مذموم، صفت طمع است و آن توقع و چشم داشتن از دیگران است که آدمی را پست و ذلیل می کند.

روایات :

(۱) از امام باقر علیه السلام : ((بد بنده ای است ، بنده ای که برای او طمعی باشد که بکشاند او را.)) (۲۹۱)

(۲) از علی علیه السلام : ((بهترین امور، امری است که از طمع عاری باشد. صلاح ایمان ، ورع ، و فساد آن طمع است . خواری مردان در مطلع است . از فریب طمع پرهیز که چراگاه آن وخیم است . کسی که نفس خود را از پستی مطامع پاک نکرد، خود را ذلیل و خوار کرده است و در آخرت خوارتر و رسواتر است .)) (۲۹۲)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((پایداری عزت را، به میراندن طمع بجوی .)) (۲۹۳)

حیاء (شرم) و بی شرمی

شرم (حیاء) در آدمی یکی از خصال پسندیده است ، و منظور، شرم از انجام دادن کار بد و از ترک طاعت پروردگار و ارتکاب معصیت است ؛ که عقلا و شرعا (چنین شرمی) نیکو و مدوح است ؛ ولی شرم در انجام کار نیک و برای طاعت پروردگار و ترک کار بد و معصیت ، مذموم و احمقانه است . در مواضعی که شرم و حیاء مدوح است ، بی شرمی البته بسیار مذموم و ممنوع می باشد.

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((حیاء از ایمان و ایمان (یعنی شخص با ایمان در آخرت) در بهشت است .)) (۲۹۴)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((ایمانی نیست برای کسی که هیچ حیاء ندارد.)) (۲۹۵)

(۳) از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام : ((حیاء و ایمان (ملازم یکدیگر و مانند آنند که) به یک ریسمان بسته شده اند؛ پس هرگاه یکی از آن دو رفت ، دیگری هم می رود.)) (۲۹۶)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((راءس مکارم (اخلاق) حیاء است .)) (۲۹۷)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خداوند رحمت کند بنده ای را که از پروردگارش حیاء کند؛ حق حیاء را، (که در این صورت) حفظ می کند، آنچه را سر شامل آنست (چشم و گوش و زبان ، یا افکار خود را) و شکم و آنچه را شکم در خود می گیرد (از خوردنی و نوشیدنی) و یاد می کند قبر و پوسیدگی (جسد) را و متوجه است که برای او (در آخرت) معاد و بازگشتی هست .)) (۲۹۸)

(۶) از امام کاظم علیه السلام : ((به تحقیق خداوند بهشت را حرام کرده است بر هر بد زبان زشتگوی که شرمی که از آنچه گوید و آنچه درباره او گفته شود پاک ندارد.)) (۲۹۹)

(۷) از امیرالمؤمنین علیه السلام : ((بی شرمی عنوان تمام بدی است.)) (۳۰۰)

(۸) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((حیاء عقل و حیاء حماقت ؛ حیاء عقل ، علم است و حیاء حماقت ، جهل است. مثلاً حیایی که شخص از کردار زشت و گفتار بد داشته باشد؛ آن حیاء عقل و علم است ، و اما حیایی که برای انجام کار خوب و یا برای سؤال از مطالب علمی و تعلم احکام دین داشته باشد، حیاء حماقت و جهل است.)) (۳۰۱)

(۹) از امام زین العابدین علیه السلام : ((شخص با ایمان چیزی از امور نیک را از روی ریاء انجام نمی دهد و نیز چیزی (از امور نیک) را از حیاء ترک نمی کند.)) (۳۰۲)

(۱۰) از امام صادق علیه السلام : ((ترک علم مکن به جهت حیاء از مردم.)) (۳۰۳)

سوء ظن و تهمت به مؤمنین و تجسس از عیوب و لغزشهای آنان

از اموری که در اسلام منع شده است ؛ بدبینی و بدگمان بودن نسبت به برادران ایمانی و نیز تجسس از عیوب و لغزشهای آنان است .
قرآن کریم :

(۱) ((ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمانها دوری گزینید که برخی از گمانها گناه است و تجسس و کاوش (از عیوب و لغزشهای دیگران) نکنید.)) (۳۰۴)

روایات :

(۱) از امیرالمؤمنین علیه السلام : ((امر برادر ایمانیت را به بهترین وجه حمل نما تا این که از او تو را چیزی (به نظر) آید که بر تو غالب شود و تو را از آن وجه برگرداند، و به کلمه ای که از برادرت صادر شود با آنکه برای آن محمل خیری می توانی بیابی گمان بد مبر.)) (۳۰۵)

(۲) از امیرالمؤمنین علیه السلام : ((بدگمانی را از خودتان دور کنید که خداوند عزوجل از آن نهی کرده است.)) (۳۰۶)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((چون مؤمن متهم نماید برادر ایمانیش را؛ یعنی در حق او گمان بد برد، ایمان در قلب او ذوب شود همچنانکه نمک در آب ذوب می شود.)) (۳۰۷)

(۴) از امام رضا علیه السلام : ((ملعون است ملعون ، کسی که برادر ایمانش را متهم نماید؛ ملعون است ملعون ، کسی که خیانت و تقلب نماید به برادر ایمانش ؛ ملعون است ملعون ، کسی که نصیحت و خیرخواهی خالص به برادر ایمانش نکند؛ ملعون است ملعون ، کسی که خود را محتجب و پنهان از برادر ایمانش کند؛ ملعون است ملعون ، کسی که غیبت برادر ایمانش را نماید.)) (۳۰۸)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((عیوب پوشیده مؤمنین را نجوید و لغزش های آنان را دنبال و پی گیری نکنید؛ که هر کس لغزش برادر ایمانش را دنبال کند؛ خداوند نیز لغزش او را دنبال می کند و کسی که خداوند لغزشش را دنبال کند او را رسوا می کند، گرچه در داخل خانه اش باشد.)) (۳۰۹)

سخن چینی

یکی از کارهای بسیار بد، سخن چینی است که در اسلام به شدت منع شده است ، و گاه موجب برپا شدن فتنه و آشوبهای عظیمی میان مردم گردد.

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((آیا خبر دهم شما را به بدترین شما؟)) گفتند: ((آری ای رسول خدا!)) فرمود: ((کسانی هستند که به سخن چینی می روند و میان دوستان جدایی می افکنند و عیبجوی پاکانند.)) (۳۱۰)

(۲) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((بدترین مردم کسانی هستند که مؤمنان ؛ به سخن چینی می روند و میان دوستان جدایی می افکنند، و عیبجوی پاکان باشند. روز قیامت خداوند به آنان نظر (رحمت) نیندازد و ایشان را پاکیزه نکند.)) (۳۱۱)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((خونریز و شرابخوار و سخن چینی وارد بهشت نمی شود.)) (۳۱۲)

(۴) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((سخن چین به بهشت نمی رود. سخن چین در آخرت از عذاب خدا آسایش نمی یابد.)) (۳۱۳)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((بر سه طایفه بهشت حرام شده است : سخن چین و شرابخوار و دیوث.)) (۳۱۴)

(۶) از امام صادق علیه السلام : ((چهار صنف از مردم داخل بهشت نمی شوند: کاهن و دورو و دائم الخمر و سخن چین.)) (۳۱۵)

(۷) از امام صادق علیه السلام : ((به راستی سخن چین ، گواه کاذب و باطل و همکار شیطان است در تحریک (فساد) بین مردم.)) (۳۱۶)

(۸) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((نقل شده که آن حضرت نهی فرموده از سخن چینی و گوش دادن به آن .)) (۳۱۷)

بهتان

از اموری که در اسلام منع شدید شده است (چنانکه در فصل بعد می آید) غیبت مؤ من است ؛ و آن گفتن و اظهار نمودن عیب و لغزشی از شخص با ایمان است که در او مستور باشد و او به اظهار و نقل آن راضی نباشد. و بدتر از غیبت بهتان است ؛ و آن نسبت دادن عیب و لغزشی است به شخص با ایمان به دروغ و افتراء. و واضح است که به غیبت نمودن از مؤ من یا به بهتان به او، هتک آبرو و احترام مؤ من می شود و او از آن آزار و اذیت می کشد و این ستم بزرگی به او خواهد بود که از نظر اشخاص عاقل شرافتمند، ستم مالی کمتر از آن می باشد؛ چرا که مردم حاضرند مال را در راه حفظ آبروی خود صرف کنند.

قرآن کریم :

(۱) ((کسی که خود مرتکب خطایی یا گناهی شود و به کسی که بری ء از آن باشد، نسبت دهد، حتما بهتانی و گناهی آشکار را به دوش گرفته است.)) (۳۱۸)

(۲) ((آنانکه مردان و زنان با ایمان را به غیر آنچه اکتساب نموده اند (یعنی به نسبت دادن به آنان امری را که نکرده و نگفته باشند) بیازارند، حتما بهتانی و گناهی آشکار را به دوش گرفته اند.)) (۳۱۹)

روایات :

(۱) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((غیبت آن است که یاد کنی برادر ایمانیت را به آنچه او کراهت دارد. (سپس فرمود:) بدان که چون یاد کنی برادر ایمانیت را به آنچه در اوست ، حتما از او غیبت کرده ای ، و چون یاد کنی او را به آنچه در او نباشد حتما بهتان و افتراء به او زده ای.)) (۳۲۰)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((غیبت آن است که درباره برادر ایمانیت آنچه را که خدا از او بر دیگران مستور کرده است بگویی ، و اما چیزی را که آشکار است ؛ مانند تندى و عجولى او را بگویی ؛ پس غیبت (حرام) نخواهد بود، و بهتان این است که درباره او چیزی را که در او نیست بگویی.)) (۳۲۱)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که مرد یا زن با ایمانی را بهتان زند به چیزی که در او نیست ، خداوند او را در روز قیامت برانگیزاند در (مانند) چرک و خونی که از فرج زنان تبه کار بیرون آید، تا این که از آنچه گفته خارج شود.)) (۳۲۲)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که درباره مؤ منی چیزی که در او نیست بگوید، خداوند او را در (مانند) چرک و خونی که از فرج زنان تبه کار بیرون آید حبس کند تا این که از آنچه درباره او گفته خارج شود. (ولى) غیبت جز این نیست که درباره برادر ایمانیت بگویی آنچه را در او باشد و خداوند آن را از دیگران مستور نموده باشد، و چون درباره او چیزی که در او نباشد بگویی ؛ پس این قول خداوند عزوجل در قرآن خواهد بود که فرموده است : فقد احتمل بهتانا و اثما مبینا.)) (۳۲۳)

غیبت

یکی از اموری که در اسلام منع شدید شده است ؛ غیبت مؤمن است و آن (چنانکه در مسأله بهتان ذکر از آن شد) نقل و اظهار نمودن عیبی یا لغزشی از شخص با ایمان است که از مردمان پنهان بوده و او به اظهار و نقل آن راضی نباشد. اما نقل کردن امری که در او ظاهر باشد یا فسقی که آشکارا انجام می دهد و خودش آن را از مردم نمی پوشاند ممنوع و حرام نیست. (۳۲۴)

قرآن کریم :

(۱) ((ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیار پندارها (و گمانهای بد در حق یکدیگر) اجتناب کنید که برخی پندارها (و گمانهای باطل) گناه است. و نیز (از حال درونی هم) تجسس نکنید، و غیبت یکدیگر نکنید، آیا دوست دارد کسی از شما گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که غیبت مؤمن در حکم همان است) و پرهیزید از خدا (از این که معصیت او نمایید، و توجه کنید) که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.)) (۳۲۵)

(۲) ((به تحقیق آنانکه دوست دارند شایع و فاش شود امر زشت و نسبتهای ناروا درباره کسانی که ایمان آورده اند؛ در دنیا آخرت عذابی دردناک خواهند داشت.)) (۳۲۶)

روایات :

(۱) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل است که فرمود: ((گناه غیبت) از زنا شدیدتر است.)) شخصی عرض کرد: ((ای رسول خدا برای چه؟)) فرمود: ((صاحب زنا (که توبه کند) خداوند توبه او را می پذیرد و اما صاحب غیبت که توبه کند، خداوند توبه او را نمی پذیرد تا این که صاحبش (یعنی آن کس که از او غیبت شده) او را حلال کند.)) (۳۲۷)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((هر کس که درباره مؤمنی آنچه را که دو چشمش دیده یا دو گوشش شنیده (از آنچه که اظهار آن موجب غیبت او شود) نقل کند؛ پس او از جمله اشخاصی خواهد شد که خداوند عزوجلّ درباره آنان فرموده است : ع ع ع ((ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنيا و الاخرة)) (۳۲۸))

(۳) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((قسم به خدایی که الهی جز او نیست ، هرگز به مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده نشده است جز به حسن ظنش به خداوند عزوجلّ و خودداریش از غیبت مؤمن ؛ و قسم به خداوندی که الهی جز او نیست عذاب نمی کند خداوند عزوجلّ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار جز به سوء ظنش (به خداوند عزوجلّ) و غیبتش از مؤمنین.)) (۳۲۹)

مسخره کردن یکدیگر و به نام و لقب های زشت یکدیگر را خواندن

در اسلام از مسخره کردن یکدیگر و به نام و لقبهای زشت یکدیگر از خواندن نهی شده است .

قرآن کریم :

(۱) ((ای کسانی که ایمان آورده اید، قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء نکند، شاید که آنان بهتر از ایشان و نه زنانی زنان دیگر را، شاید که آن زنان مورد تمسخر، بهتر از ایشان باشند و یکدیگر را عیب مکنید و به لقبهای زشت مخوانید...))

سبک شمردن و اهانت و تحقیر و ایذاء و ترساندن مؤمن

امور مذکور (گذشته از این که از اقسام و مصادیق ظلم است و ظلم و عقلا و شرعا بسیار قبیح و حرام است) در مدارک اسلام تحت همین عناوین خاص نیز منع و تهدید شده است که نمونه ای از آنها در اینجا ذکر می شود.

روایات :

(۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی فقیر مسلمانی را سبک شمرد؛ مسلما به حق خدا خفت و اهانت نموده و خداوند در روز قیامت او را خوار خفیف سازد، مگر این که (در دنیا) توبه کند؛ و کسی که فقیر مسلمانی را اکرام کند خداوند در روز قیامت از او راضی باشد، و آگاه باشید کسی که برادر مسلمان خود را اکرام می نماید، همانا خداوند عزوجل را اکرام می کند.)) (۳۳۰)

(۲) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که فقیر مسلمانی را از جهت فقرش اهانت و استخفاف کند به تحقیق نسبت به خدا استخفاف کرده و پیوسته در غضب و نارضایی خداوند عزوجل باشد تا آن فقیر را راضی کند.)) (۳۳۱)

(۳) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((خداوند عزوجل فرموده : کسی که بنده مؤمن مرا خوار و ذلیل گرداند، همان به جنگ من آمده است .)) (۳۳۲)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((هیچ مؤمن فقیری را تحقیر مکنید؛ که هر کسی مؤمنی را تحقیر یا استخفاف کند خداوند او را تحقیر خواهد کرد.)) (۳۳۳)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که تحقیر کند مؤمن مستمند یا غیر مستمندی را خداوند عزوجل پیوسته دشمن و حقیر کننده اوست تا این که او از تحقیر مؤمن دست بردارد.)) (۳۳۴)

(۶) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که مؤمنی را اذیت کند خدا او را اذیت نماید، و کسی که مؤمنی را اندوهگین کند خدا او را اندوهگین نماید.)) (۳۳۵)

(۷) از امام صادق علیه السلام : ((خداوند عزوجل فرموده است : کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند به او اعلام جنگ می کنم ؛ و کسی که بنده مؤمن مرا اکرام کند، از غضب من باید ایمن شود.)) (۳۳۶)

(۸) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که به سوی نظری کند تا او را بترساند، خداوند عزوجل در روزی که سایه و پناهی جز پناه او نیست ، او را بترساند.)) (۳۳۷)

دشنام دادن و طعنه زدن و لعن کردن و سرزنش نمودن مؤمن و نسبت کفر به مؤمن دادن

امور مزبور علاوه بر این که ظلم و آزار و اذیت به مؤمن است که عقلا و شرعا قبیح و حرام است ، مدارک اسلامی تحت همین عناوین خاص نیز منع و تهدید شده است .

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((تمام (جهات) مؤمن (یعنی) عرض و مال و خون او (بر دیگران) حرام است .)) (۳۳۸)

(۲) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((دشنام دادن به مؤمن ، فسق و جنگ با او کفر، و خوردن گوشتش (یعنی غیبتش) معصیت ، و حرمت مالش مانند حرمت خون اوست .)) (۳۳۹)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((از طعن بر مؤمن بپرهیزید.)) (۳۴۰)

(۴) از امام باقر علیه السلام : ((هیچ انسانی نیست که طعن به مؤمنی در (مقابل) چشم او بزند، مگر این که بد بدترین مردن بمیرد و سزاوار شود که به هیچ خیری رجوع نکند.)) (۳۴۱)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((لعنت چون از صاحبش (یعنی لعنت کننده) صادر شود، بین او و بین کسی که لعنت می شود سرگردان می ماند؛ حال اگر راهی یافت ، به سوی او می رود وگرنه به صاحبش باز می گردد و او سزاوارتر است به آن ؛ پس برحذر شوید از این که مؤمنی را لعنت کنید، که به خود شما وارد می شود.)) (۳۴۲)

(۶) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که سرزنش کند مؤمنی را به چیزی ، نخواهد مرد تا این که دچار همان چیز می شود.)) (۳۴۳)

(۷) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که مؤمنی را سرزنش کند، خداوند متعال او را در دنیا و آخرت سرزنش کند.)) (۳۴۴)

(۸) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که مؤمنی را به کفر نسبت دهد، ملعون است ملعون ؛ و کسی که مؤمنی را به کفر نسبت دهد؛ پس او مانند قاتل او باشد.)) (۳۴۵)

(دیدگاه اسلام)

صلح و سازش : اسلام نه تنها از هر گونه (ستمکاری) تعدی و اذیت و آزار و ضرر اشخاص نسبت به یکدیگر (چنانکه در بسیاری از مطالب گذشته این کتاب دیده شده) به شدت منع و نهی می کند؛ بلکه می گوید: افراد جامعه برادران یکدیگرند و باید به اصلاح و صلح و سازش بین خود پردازند و در تمام خوبیهای زندگی، مادی و معنوی کمک یکدیگر باشند. و گاه می گوید: همه نسبت به هم به منزله برادر و خواهر، و اطفال به منزله اولاد همه می باشند. بلکه نسبت به یکدیگر در نیکی و مهربانی و عطف و کمک مانند اعضاء همگی برای خاطر آن یک عضو آرامش نداشته باشند.

اسلام می گوید: مردم با ایمان باید دوستدار و یاور یکدیگر و دلیل و رهنمای یکدیگر باشند، اهتمام به امور یکدیگر بنمایند و نافع و ناصح و خدمتگزار یکدیگر بوده، کوشا در انجام حوائج یکدیگر باشند، و یکدیگر را به کارهای خیر و معروف وادار و از هرگونه کار زشت و منکر و فساد جلوگیری نمایند؛ هر فرد برای دیگران باید دوست بدارد هر آنچه را برای خود دوست دارد و کراهت بدارد هر آنچه را که برای خود کراهت می دارد.

اسلام می گوید: در مقابل دشمن ستمگر، باید مردم در صف محکم، متحد و همدست به منزله یک دست واحد بوده باشند و گذشته از حفظ وحدت و اتحاد بین خود که بزرگترین عامل پیشرفت و موفقیت است، باید همیشه مسلمانان مجهز به تجهیزات علمی و نیروهای هر عصر، به حدی باشند که تمام دشمنان خود را مرعوب داشته باشند.

اسلام می گوید: طبقات و افراد جامعه در حقوق و رد قبال قانون همه مانند دندانهای یک شانه برابر و یکسانند، امتیازات جاهلیت مانند امتیاز نژاد از میان مردم ملغی است؛ آری امتیاز (آنهم امتیاز شرافتی نه حقوقی) به زیادی تقوی و دانش است.

اسلام حمایت از ضعفاء و سفارش آنان را به دیگران با تاءکید بسیار و به عناوین و بیانات بی شمار، کرده است.

اینک به ذکر نمونه ای از مدارک اسلام راجع به مطالب فوق پرداخته و مطالب فوق را نیز بخش، بخش در جلوی هر دسته از مدارک، مجدد یادآوری می کنیم انشاء الله تعالی.

صلح و سازش

اسلام می گوید: افراد جامعه مؤمنان، برادران یکدیگرند؛ پس باید به اصلاح (صلح و سازش) بین خود پردازد و در نیکوکاری و تقوی یکدیگر را یاری کنند بلکه نسبت به یکدیگر به منزله اعضاء یک خاندان و حتی به منزله اعضاء یک تن شوند.

قرآن کریم :

((جز این نیست که اشخاص با ایمان برادرانند؛ پس میان برادرانان اصلاح کنید و از جز پرهیزید، باشد که رحمت کرده

شوید.)) (۳۴۶)

(۲) ((هیچ خیر و فایده ای در بسیاری از سخنان سری و راز گفتن مردم نیست مگر (راز گفتن) کسی که بر صدقه ای یا به کار نیکی یا به اصلاح میان مردمانی امر نماید و هر که به طلب رضای خدا چنین کند، (ما که خداوندگاریم) به زودی اجری بزرگ به او خواهیم داد.)) (۳۴۷)

(۳) ((بر نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری و کمک کنید، و بر گناه و ستم تعاون نکنید، و از (معاصی) خدا بپرهیزید که خدا در کیفر دادن سختگیر و شدید است.)) (۳۴۸)

روایات :

(۱) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که برای صلح بین دو نفر می رود، فرشته های خداوند تا هنگامی که برگردد بر او صلوات می فرستند و ثواب شب قدر به او داده می شود.)) (۳۴۹)

(۲) از امام زین العابدین علیه السلام : ((حق هم آیینان تو بر تو، در دل گرفتن سلامت و رحمت است برای آنان (تا این که فرمود): و این که پیش تو پیرمردان آنان به جای پدرت، و جوانانشان به جای برادران (و خواهرات) و پیره زنانشان به جای مادر، و کودکانشان به جای فرزندان باشند.)) (۳۵۰)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((اشخاص با ایمان در نیکی نمودنشان و رحمتشان و عطفشان به یکدیگر مانند یک پیکرند که چون عضوی از آن به درد آید سایر اعضاء با بیداری شب و تب او را همراهی می کنند.)) (۳۵۱)

اهتمام به امور مسلمین

اسلام می گوید: مردم با ایمان باید یاور و دوستدار و چشم و راهنمای یکدیگر شوند، و اهتمام در امور مسلمین داشته و نافع و ناصح و ساعی و کوشا در انجام حوائج آنان باشند.

قرآن کریم :

(۱) ((مردان و زنان مؤمن همه اولیا (یاور و دوستدار) یکدیگرند، به معروف یکدیگر را وادار می کنند و از منکر باز می دارند، اقامه نماز و ایتاء زکوة و اطاعت خدا و رسول او می کنند، آنانند که خداوند به زودی رحمتشان دهد که خداوند عزیز و حکیم است.)) (۳۵۲)

روایات :

(۱) از امام صادق علیه السلام : ((مؤمن برادر مؤمن است، چشم اوست، دلیل اوست، به او خیانت و ستم و تقلب و خلف وعده نمی کند.)) (۳۵۳)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((مسلمان برادر مسلمان است ؛ چشم او و آینه او و دلیل اوست ، به او خیانت و خدعه و ستم نکند و دروغ نگوید و غیبت او ننماید.)) (۳۵۴)

(۳) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد مسلمان (صحیح و کامل) نیست ؛ و کسی که صدای شخصی را بشنود که ندا می کند: ای مسلمانان (به فریادم برسید)؛ و او را اجابت نکند پس او مسلمان (صحیح و کامل) نیست.)) (۳۵۵)

(۴) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((مردم ، روزی خواران خداوندند، پس محبوبترین مردم نزد خداوند کسی است که روزی خواران خدا را نفع رسانند.)) (۳۵۶)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که محبوبترین مردم نزد خدا کیست ؟ فرمود: نافعترین مردم برای مردم.)) (۳۵۷)

(۶) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((خلق همگی‌شان روزی خواران خداوندند؛ پس محبوبترین آنان نزد خداوند عزوجل، نافعترین ایشان برای روزی خواران خدا است.)) (۳۵۸)

(۷) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((بهترین مردم کسی است که مردم به او بهره ور گردند.)) (۳۵۹)

(۸) از امام عسگری علیه السلام : ((دو خصلت است که فوق آن دو، چیزی نیست : ایمان به خدا و نفع داشتن برای برادران (ایمانی).)) (۳۶۰)

(۹) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((به راستی عظیمترین مردم از جهت مقام نزد خداوند در روز قیامت کسی است که بیشتر از همه در روزی زمین به خیرخواهی خلق خدا قدم برداشته باشد.)) (۳۶۱)

(۱۰) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هر یک از شما همانگونه که برای خود خیر خواهی دارد، باید برای برادر (ایمانی) خود خواهی داشته باشد.)) (۳۶۲)

(۱۱) از امام صادق علیه السلام : ((بر شما باد خیرخواهی خالص نسبت به خلق برای خدا؛ پس هرگز خدا را به عملی افضل از آن ملاقات نخواهید نمود.)) (۳۶۳)

(۱۲) از امام صادق علیه السلام : ((بر مؤمن واجب است که برای مؤمن در حضور و غیاب خیرخواهی داشته باشد.)) (۳۶۴)

(۱۳) از امام صادق علیه السلام : ((اشخاص با ایمان خدمتگذار یکدیگرند.)) راوی سؤال نمود: ((چگونه خدمتگذار یکدیگرند؟)) امام فرمود: ((فایده به یکدیگر می رسانند.)) (۳۶۵)

(۱۴) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((اشخاص با ایمان برادرند، حوائج یکدیگر برآورد.)) (۳۶۶)

(۱۵) از امام صادق علیه السلام : ((رفتن مسلمان در پی حاجت برادر مسلمانش بهتر از هفتاد طواف خانه کعبه است.)) (۳۶۷)

(۱۶) از امام صادق علیه السلام : ((برآوردن حاجت یک نفر مؤمن ، از بیست حج که در هر حجی صاحبش صد هزار خرج کند، نزد خدا محبوبتر است.)) (۳۶۸)

(۱۷) از امام کاظم علیه السلام : ((به راستی خدا بندگانی در زمین دارد که در انجام حوائج مردم کوشش می کنند؛ آنان در روز قیامت ایمنند، و کسی که بر مؤمنی مسرتی وارد کند خداوند در روز قیامت قلب او را فرحناک سازد.)) (۳۶۹)

(۱۸) از امام صادق علیه السلام : ((خداوند عزوجل فرموده : خلق ، روزی خواران من هستند؛ محبوبترین ایشان نزد من با لطفترین آنان است به خلق و کوشاترین آنان در برآوردن حوائج خلق.)) (۳۷۰)

(۱۹) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمانش شتاب و کوشش بنماید و خداوند به دست او انجام آن حاجت را جاری سازد، برای او خداوند عزوجل (ثواب) یک حج و یک عمره و اعتکاف و روزه دو ماه در مسجدالحرام می نویسد، و اگر کوشش کند ولی انجام آن را خداوند به دست او جاری نسازد، برای او خداوند عزوجل (ثواب) یک حج و یک عمره می نویسد.)) (۳۷۱)

(۲۰) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((رفتن با برادر مسلمان در پی حاجتی ، محبوبتر است نزد خداوند متعال از اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام.)) (۳۷۲)

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از دستورات و فرائض عظیمه اجتماعی اسلام که به خیر و سعادت دنیا و آخرت مردم است و به آن سایر مقررات و فرائض الهی بر پا می شود؛ امر به معروف و نهی از منکر است .

اسلام می گوید: مردم باید یکدیگر را به کارهای خیر و معروف وادار و از هرگونه کار زشت و منکر و فساد جلوگیری نمایند. (۳۷۳)

در صفحه اول فصل گذشته ، آیه ای از آیات این دستور برای نمونه مذکور است و ایضا در:

قرآن کریم :

(۱) ((باید از شما گروهی باشند (خود را کاملاً مهیا نموده) که مردم را دعوت به خیر (دین) و امر به معروف و نهی از منکر بکنند و آنان رستگارند.)) (۳۷۴)

(۲) ((از اهل کتاب (آنانکه به محمد صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند) گروهی هستند ایستاده (بر حق و بر انجام اوامر و نواهی الهی) آیات خدا را در اوقات شب می خوانند در حالی که سجده می کنند، به خدا و روز آخرت ایمان می دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و در خیرات و نیکیها می شتابند و آنان از شایستگانند.)) (۳۷۵)

(۳) ((چرا الهیون و علماء (اهل کتاب) آنان را از گفتار گناه و خوردن حرام نهی نمی کنند، چه بد است آنچه را که ایشان انجام می دهند.)) (۳۷۶)

(۴) ((و خدا البته یاری می کند کسی را که (دین) او را یاری می نماید و به تحقیق خدا توانا و غالب (بر همه چیز)) است، (یاری کنندگان دین خدا، یا اذن داده شدگان به قتال که در آیه قبل در قرآن ذکر شده است) کسانی هستند که اگر ما ایشان را در زمین تمکّن و سلطنت دهیم، نماز را (به حدود و شرایطش) بپا دارند و زکوة دهند (و مردم را) به معروف امر و از منکر نهی نمایند، و عاقبت همه امور مخصوص خداست.)) (۳۷۷)

روایات :

(۱) از امام باقر و امام صادق علیهما السلام : ((وای بر گروهی که خدای را به امر به معروف و نهی از منکر اطاعت نکنند.)) (۳۷۸)

(۲) از امام باقر علیه السلام : ((مردمی که عیب می دانند امر به معروف و نهی از منکر را، بد مردمانی هستند.)) (۳۷۹)

(۳) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هنگامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند، باید بدانند که صدماتی از طرف خدا به آنان خواهد رسید.)) (۳۸۰)

(۴) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((همانا خداوند، مؤمن ضعیف بی خرد را دشمن می دارد و او کسی است که از منکر جلوگیری نمی کند.)) (۳۸۱)

(۵) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((برای چشم با ایمانی که می بیند معصیت خدا را، جایز نیست که فرو بسته شود تا این که آن را تغییر دهد.)) (۳۸۲)

(۶) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه همگی شما را عذاب خدا شامل شود.)) (۳۸۳)

(۷) از امام باقر علیه السلام : ((همانا امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران و طریقه نیکان است، فریضه ای است بزرگ که فرائض دیگر بر آن بر پا می شود و راه ها ایمن می گردد و کسبها حلال و آنچه به ستم گرفته شده رد می شود و زمین آباد می گردد و از دشمنان انتقام کشیده می شود و امر، مستقیم می گردد؛ پس به دلہایتان (از کارهای منکر و ناشایست) انکار و نفرت کنید و با زبانہاتان دور افکنید و پیشانی های مرتکبین را سخت بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نترسید؛ پس اگر پند پذیرفتند و به سوی حق برگشتند، ایرادی بر آنان نیست؛ جز این نیست که ایراد بر کسانی است که به مردم ستم می نماید و در زمین به ناحق تجاوز می کنند، برای آنان است عذابی دردناک، و در این مورد، به بدنہاتان، با آنان مبارزه کنید و به دلہایتان دشمنشان دارید؛ بی آنکه سلطنتی

را خواستار و یا مالی را جویا باشید و یا به ستم پیروزی را خواسته باشید تا آنکه به سوی امر خدا برگردند و به راه طاعت او بروند.)) (۳۸۴)

(۸) از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((پیوسته امت من در خیر و خوبی هستند؛ مادامی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر برّ و نیکی کمک نمایند و چون این دو کار را ترک کنند، برکات از آنان گرفته شود و بعض ایشان بر بعض دیگر مسلط شود و برای آنان نه در زمین و نه آسمان یآوری نباشد.)) (۳۸۵)

(۹) از علی علیه السلام : ((امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار شما بر شما تسلط داده شود و بعد دعا کنید و مستجاب نشود.)) (۳۸۶)

(۱۰) از امام صادق علیه السلام : ((مردی آمد نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و گفت : مادر من دست هیچ لمس کننده را از خود دفع نمی کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: مادرت را حبس کن (در خانه نگهدار). آن مرد گفت : این کار را کرده ام (فایده نبخشیده است). فرموده : آنان را که وارد بر او می شوند منع کن . گفت : این کار را نیز کرده ام . فرمود: مادرت را زنجیر کن ؛ که تو هیچ نیکی به مادرت نخواهی داشت افضل از این که او را از محرمات خداوند عزوجل منع نمایی .)) (۳۸۷)

خوانندگان محترم خوب توجه داشته باشید؛ از این حدیث شریف به خوبی معلوم می شود که بالاترین احسانها و خدمتها و نیکیها بر جامعه آن است که شخص آنان را از منکرات و معاصی الهی جلوگیری و نهی نماید که در واقع از هلاکت و بدبختی دنیا و آخرت ، آنان را نجات بخشیده است .

خیر خواستن برای دیگران

اسلام می گوید: هر فرد جامعه ، برای دیگران دوست دارد هر آنچه برای خود دوست می دارد و بد دارد هر آنچه برای خود بد می دارد.

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که خوش دارد از آتش دور شده و به بهشت داخل شود، باید با شهادت به توحید خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا برود و دوست داشته باشد با مردم رفتار کند آنطور که دوست دارد، مردم با او رفتار کنند.)) (۳۸۸)

(۲) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((در حدیثی راجع به حقوق مسلمان بر برادرش آمد است : ((و برای برادر مسلمانش دوست داشته باشد از خیر، آنچه را که برای خود دوست دارد، و کراهت داشته باشد از شر، آنچه را که برای خود کراهت دارد.)) (۳۸۹)

(۳) از امام زین العابدین علیه السلام در حدیثی راجع به حقوق است : ((و حق اهل کیش به تو آن است که برای آنان سلامت و رحمت در دل نهان داری (تا این که می فرماید) و دوست بداری برای آنان آنچه را که برای خودت دوست می داری و کراهت داری برای آنان آنچه را که برای خودت کراهت می داری.)) (۳۹۰)

(۴) از امام باقر علیه السلام : ((برادر مسلمانان را دوست بدار و برای او دوست دار آنچه را که برای خودت دوست داری و کراهت بدار آنچه را که برای خودت کراهت می داری.)) (۳۹۱)

(۵) از امام صادق علیه السلام : ((تو را به تقوای خدا، و نیکی به برادر مسلمانان سفارش می کنم و برای او دوست بدار آنچه را که برای خودت دوست می داری و کراهت دار آنچه را که برای خودت کراهت می داری.)) (۳۹۲)

اتحاد در برابر دشمنان

اسلام می گوید: در مقابل دشمن ستمگر باید مردم در صف محکم متحد و همدست به منزله یک دست واحد بوده و دفاع از دین و حقوق خود بنمایند، گذشته از حفظ وحدت و اتحاد بین خودشان که بزرگترین و قویترین عامل پیشرفت و عظمت و موفقیت در مقابل دشمن است باید همیشه مسلمانان مجهز به تجهیزات علمی و نیروهای هر عصری بوده و به حدی آمادگی داشته باشند که تمام دشمنان خود را، حتی دشمنان احتمالی را که نمی شناسند، مرعوب کنند.

قرآن کریم :

(۱) ((خدا و رسولش را اطاعت کنید و نزاع و اختلاف (در امور) نکنید که (در برابر دشمن و از پیکار با او) ضعیف و سست می شوید و شوکت و دولت شما، از دست می رود و (بلکه همه یکدل و یکدست در برابر دشمن و پیکار با او) صبر و شکیبایی داشته باشید که البته خدا با شکیبایان است (آنان را از شر دشمن نگهداری کرده و یاری خواهد نمود.)) (۳۹۳)

(۲) ((هر کس بر شما تعدی و تجاوز نمود شما هم مانند آنچه او تعدی کرده ، بر او تجاوز کنید و (در تعرض بیشتر) از خدا پرهیزید و بدانید که البته خدا با پرهیزکاران است.)) (۳۹۴)

(۳) ((در راه خدا، با کسانی که با شما کارزار می کنند بجنگید و تعدی و تجاوز نکنید که خدا متجاوزین را دوست نمی دارد.)) (۳۹۵)

(۴) ((ای مردم با ایمان !)) برای (مقابله با) کفار آنچه می توانید از نیرو و اسبان بسته شده برای جنگ ، آماده سازید که به وسیله آن دشمن خودتان را بترسانید، و بترسانید دشمنان دیگری از غیر از ایشان را هم که شما آنان را نمی دانید (و نمی شناسید)، خدا ایشان را می داند (و می شناسد)، و آنچه را در راه خدا (و برای مقابله با دشمنان خدا) صرف کنید، عوض آن کاملاً به شما داده خواهد شد و بر شما ستم نمی شود.)) (۳۹۶)

(۵) ((خدا دوست می دارد کسانی را که به حالت صف زده در راه او جنگ و پیکار می کنند، (و چنان در برابر دشمن ایستادگی دارند که) گویی آنان چون بناء و ساختمانی به هم پیوسته اند.)) (۳۹۷)

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((مردمان با ایمان ، برادر یکدیگرند و خونهای آنان برابر یکدیگر است و ایشان بر غیر خودشان دست واحدند.)) (۳۹۸)

(۲) از علی علیه السلام : ((لشکر به اذن خدا دژهای رعیتند، و زینت والیاند، و عزت دینند، و راههای امنند، و رعیت بر پا نشود مگر به لشکر.)) (۳۹۹)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((به راستی خداوند بنده ای را که (دشمن) داخل خانه او شود و او با وی مبارزه نکند، دشمن می دارد.)) (۴۰۰)

برتری تقوا، ایمان و دانش

اسلام می گوید: امتیازات و افتخارات جاهلیت مانند امتیاز نژادی از میان مردم ملغی است بلکه امتیاز به ایمان و تقوی و دانش است آن هم امتیاز شرافتی است نه حقوقی و در قبال قانون .

قرآن کریم :

(۱) ((ای مردم محققا ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را دسته ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به درستی گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست ، محققا خدا(به همه چیز) دانا و آگاه است .)) (۴۰۱)

(۲) ((ای کسانی که ایمان آورده اید پیوسته ایستادگی به عدل و داد بوده برای (رضای) خدا گواه باشید؛ گرچه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشانتان باشد، اگر (کسی که به سود یا زیان او گواهی می دهید) غنی باشد یا فقیر؛ پس خدا به آن غنی و فقیر (از همه مردم) سزاوار و نزدیکتر است ؛ پس هوای نفس را پیروی نکنید که از گواهی به حق ، عدول و تجاوز کنید و اگر زبان خود را (در ادای مطلب) بیچانید یا از حق اعراض کنید (یا اگر از گواه شدن سر بیچید یا از گواهی دادن رو برگردانید) البته خدا به آنچه می کنید آگاه است.)) (۴۰۲)

(۳) ((بگو آیا آنانکه می دانند و آنان که نمی دانند یکسان و برابرند؟ جز این نیست که خردمندان متذکر می شوند.)) (۴۰۳)

(۴) ((آیا پس کسی که با ایمان است ، مانند کسی باشد که فاسق است؟! اینان برابر و یکسان نیستند.)) (۴۰۴)

روایات :

(۱) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((به راستی خداوند، نخوت جاهلیت و تفاخر به پدران جاهلیت را به وسیله اسلام از میان برد؛ آگاه باشید که مردم همه از نسل آدم می باشند و آدم هم از خاک بوده است و گرامی ترین ایشان نزد خدا با تقواترین ایشان است.)) (۴۰۵)

(۲) از خطبه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح مکه ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم ایستاده خطبه ای خواند و حمد و ثنای الهی گفت و فرمود: ((ای مردم ! باید حاضر به غایب برساند که راستی خداوند تبارک و تعالی نخوت جاهلیت و تفاخر به آباء و عشائر جاهلیت را از شما برد، ای مردم به تحقیق شما از آدمید و آدم از گل است ؛ آگاه باشید که بهترین شما و گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین و مطیع ترین شما است برای او.)) (۴۰۶)

(۳) از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((همانا مردم از زمان آدم تا امروز همه (نسبت به یکدیگر) مانند دندانهای شانه هستند؛ هیچ مزیتی برای عربی بر عجمی و نه برای قرمز بر سیاه جز به تقوی نیست.)) (۴۰۷)

انفاق

اسلام ، حمایت از ضعفاء و سفارش آنان را به دیگران با تائکید بسیار و به عناوین و بیانات بی شمار کرده است . اسلام در راه حمایت از ضعفاء و مستمندان ، گذشته از تشریع انفاقات واجبه ، در مواردی تحت عناوین و شرایط ویژه به شرحی که در کتب فقهیه مذکور است ، چون ؛ زکوة مال و زکوة بدن ، خمس ، کفارات ، اداء ندور، در سایر موارد نیز توصیه و ترغیب و تحریص شدیدی به احسانات و انفاقات و رفع نیازهای طبقه ضعیف و محتاج نموده است . و خود صاحبان شرع مقدس یعنی نبی اکرم و ائمه هداة علیه السلام در این راه عملاً در حد کمال ، پیشوا و پیشقدم بوده اند.

قرآن کریم :

(۱) نیکویی آن نیست که روهای خود را در سمت مشرق و مغرب بگردانید* (۴۰۸) ؛ بلکه نیکوکار (یا نیکویی سزاوار اهتمام ، نیکویی) کسی است که به خدا و روز واپسین (قیامت) و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورد، و مال را با آنکه آن را دوست دارد (برای دوستی خدا) به خویشان و یتیمان و تهیدستان (آبرومند که سؤال نمی کنند) و مسافرین محتاج و بیچارگانی که درخواست و سؤال می کنند، و در راه آزادی بندگان بدهد و نماز را (درست و راست با شرایط آن) بر پا دارد و زکوة بدهد و چون عهد و پیمان بستند به عهدشان وفا کنند و در بقاء و ضراء (گرسنگی و رنجوری) و هنگام جنگ با دشمن ، صابر و شکیبیا باشند؛ آن گروه آنانند که (در پیروی از حق) راست گفته اند و آنانند که پرهیزکار و خود نگهدارند.)) (۴۰۹)

(۲) کسانی که اموالشان را در شب و روز نهان و آشکارا (بر محتاجان) انفاق می کنند، اجر ایشان نزد پروردگارشان است و نه ترس و بیمی بر ایشان است و نه (در قیامت) اندوهگین می شوند.)) (۴۱۰)

(۳) در وصف پرهیزکاران در اوایل بقره می فرماید: آنانکه به غیبت (به امور نادیده چون خدا، قیامت، قیام امام زمان علیه السلام) ایمان آورند و نماز را (به شرایط آن) به پا دارند و از آنچه آنان را روزی داده ایم (چون علم، قدرت، جاه و ثروت، بر نیازمندان) انفاق می کنند و آنانکه به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر سایر انبیاء) نازل شده می گروند و به آخرت یقین دارند، آنان از جانب پروردگارشان بر هدایتند و آنانند پیروزان و رستگاران ((۴۱۱))

(۴) ((خدا را پرستید و چیزی را به او شریک مگردانید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و همسایه دور (یا همسایه خویش و همسایه بیگانه) و مصاحب در پهلوی و مسافر محتاج و به آنچه دستهای شما مالک شده (بردگان) نیکی و احسان کنید که خدا، متکبر خودبین فخر فروش را دوست نمی دارد. (که همین تکبر و خودبینی و فخر فروشی مانع از احسان و اعتناء به دیگران می شود.)) ((۴۱۲))

(۵) ((بشتابید به سوی (موجبات) آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به قدر آسمانها و زمین است که برای پرهیزگاران (از معاصی) آماده شده است؛ آنانکه در حال خوشی و توانایی و هنگام تنگدستی (هر چه می توانند به محتاجان) انفاق می کنند و فروبرندگان خشم و عفو کنندگان از مردمند و خدا نیکوکاران را دوست می دارد.)) ((۴۱۳))

(۶) ((مثل آنانکه اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند؛ همچون دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواند (ثواب عمل او را) چند برابر می افزاید و خدا واسع (پر بخشش) و داناست، کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و آنچه را که انفاق نمودند از پی آن منت و اذیتی (به اشخاص مورد انفاق) نمی رسانند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر ایشان است و نه (در قیامت) اندوهگین می شوند. سخن نیکو (به محتاجان گفتن) و مغفرت و گذشت، از صدقه و انفاقی که در پی آن اذیت و آزار (به اشخاص مورد انفاق) در آید بهتر است و خدا بی نیاز و حلیم است.)) ((۴۱۴))

(۷) ((جز این نیست که اشخاص با ایمان (کامل) کسانی هستند که چون نزدشان خدا یاد شود، دلهای آنان بیمناک گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگارشان توکل و اعتماد می کنند، هم ایشان کسانی که نماز را (با شرایط آن) به پا می دارند و از آنچه ما آنان را روزی داده ایم (بر محتاجان) انفاق می کنند؛ آنان همان کسانی که به حقیقت اشخاص با ایمانند، برای ایشان نزد پروردگارشان درجاتی و آمرزشی و روزی فراوان و عالی است.)) ((۴۱۵))

(۸) ((محققا کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را (با حدود و شرایطش) به پا می دارند و از آنچه ما آنان را روزی داده ایم، در نهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز کسادی نباید تا خدا مزدهای ایشان را کامل بدهد و از فضل خود به آنان بیفزاید که خداوند آمرزنده و شکور (پاداش فراوان دهنده) است.)) ((۴۱۶))

(۹) ((محققا پرهیزگاران (در آخرت) در باغها و در (کنار) چشمه ها هستند در حالی که آنچه را (از نعمتها) که پروردگارشان به آنان عنایت فرموده است می گیرند، بدین جهت که ایشان قبل از آن (یعنی در دنیا) نیکوکاران بوده اند؛ چون کم شبی را (بدون عبادت) می خوابیدند (یا کمی از شب را می خوابیدند) و در سحرها استغفار می نمودند و در اموالشان برای سائل و محروم، حق و نصیبی می دادند.)) ((۴۱۷))

(۱۰) ((هر کس به آنچه کسب و عمل نموده در گرو است مگر اصحاب یمین که (به سبب انجام اعمال نیک ، خود را از گرو بیرون آورده و در آخرت) در باغهای بهشت بوده از یکدیگر می پرسند از (حال) گناهکاران (و به گناهکاران که در دوزخند از همان دور می گویند:)) چه چیز شما را به دوزخ کشاند و در آورد؟ (۴۱۸)

(۱۱) ((اما انسان هر گاه پروردگارش او را آزمایش کند پس گرامیش دارد و ره او نعمت و وسعت دهد (به خود مغرور می شود و خود را شایسته اکرام می پندارد) و می گویند: پروردگارم مرا اکرام نموده است . و اما چون آزمایشش کند به این که روزیش را بر او تنگ سازد (از خداوند ناراضی و شاکی شده) و می گوید بلکه (این وسعت و تنگی روزی برای آزمایش است که شما) یتیم را اکرام نمی کنید و یکدیگر را بر طعام و خوراک دادن مسکین ترغیب و تحریص نمی کنید و میراث را یک جا می خورید (حلال و حرام و نصیب خود و دیگران را با هم) و مال را فراوان دوست می دارید\$ (تا این که می فرماید چون قیامت بر پا شود) در آن روز آدمی متذکر و پشیمان می گردد؛ ولی آن تذکر و پشیمانی کجا برای او سود می دهد؟ می گوید: ای کاش که برای حیات و زندگی (که حیات دائمی ، اخروی است ذخیره ای از اتفاقات و سایر اعمال حسنه) پیش فرستاده بودم.)) (۴۱۹)

(۱۲) ((آیا برای انسان دو چشم و زبان و دو لب قرار ندادیم ؟ و او را به خیر و شر هدایت کردیم پس او عقبه (ی تکلیف و وظیفه) را داخل نشد و درنیامد (عقبه در لغت : گردنگاه و گذرگاه سخت در کوهها را گویند) و چه چیز تو را دانا گردانید که عقبه چیست ؟ (عقبه و گردنگاه تکلیف) آزاد کردن بنده است (از قید بندگی) یا طعام و خوراک دادن است در روز گرسنگی یتیم صاحب قربانی را یا مسکین خاک نشینی را، و آنگاه (آنکه بنده آزاد کند و یتیم و مسکین را طعام دهد) از جمله کسانی باشد که ایمان آوردند و به صبر و شکیبایی و نیز به مرحمت و مهربانی یکدیگر را وصیت و سفارش نمودند، آن گروه (در قیامت) اصحاب دست راستند.)) (۴۲۰)

(۱۳) ((آیا دیدی (یا دانستی) آن کسانی را که به (روز) جزا تکذیب نموده و آن را دروغ می داند؟ پس او همان کسی است که یتیم را از پیش خود می راند و بر طعام مسکین تحریص و ترغیب نمی کند.)) (۴۲۱)

روایات :

(۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((ایمان به من نیاورده است که شب سیر بگذرانند و حال آنکه همسایه او گرسنه باشد، و هیچ قریه ای نیست که گرسنه ای در میان آنان شب بگذرانند و خداوند در روز قیامت به سوی آنان نظر (رحمت) کند.)) (۴۲۲)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((از محبوبترین اعمال نزد خداوند عزوجل شادمان ساختن مؤ من است به سیر کردن او در حال گرسنگی و زدودن غم او یا پرداختن بدهی او.)) (۴۲۳)

(۳) از امام باقر علیه السلام : ((از حق مؤ من بر برادر مؤ منش این است که در گرسنگی او را سیر کند و در برهنگی او را بپوشاند و غم او را زائل نماید و بدهی او را بپردازد و هنگامی که بمیرد در میان اهل و اولادش جای او را (در کفالت و اداره امور آنان) بگیرد.)) (۴۲۴)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((از حق مؤ من بر مؤ من ، مودت و دوستی برای اوست در سینه اش ، و کمک و غمخواری داشتن برای اوست در مالش ، جانشین او شدن در میان اهلش ، و یآوری کردن اوست بر کسی که ستم به او کرده است .)) (۴۲۵)

(۵) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((هیچ چیز اسلام را مانند شح (بخل توأم با حرص) از بین نمی برد.)) (۴۲۶)

(۶) از امام صادق علیه السلام : ((هر مؤمنی که مؤمن دیگر را از مال خویش منع کند و حال آنکه او به آن محتاج باشد، خداوند از طعام بهشت او را نمی چشاند و از رَحیقِ مختوم نیشامد. (رحیق مختوم : شراب بهشتی است که در ظرفی سر بسته به مشگ می باشد.)) (۴۲۷)

(۷) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که برای او مسکنی (زائد) باشد و مؤمنی به سکناي آن محتاج شود؛ پس او را از آن مسکن منع کند (و به اجاره یا عاریه مثلا به او ندهد) خداوند عزوجل گوید: ملائکه من ! بخل ورزید بنده من بر بنده من به سکناي دنیا؟ قسم به عزتم که بهشتهای مرا هیچگاه ساکن نشود.)) (۴۲۸)

(۸) از امام صادق علیه السلام : ((جز این نیست که خداوند این اموال زائد از احتیاج را به شما عطا نموده تا این که آنها را روآور کنید و سوق دهید به هر آنجا که خداوند آنها را سوق داده (یعنی هر آنجا که خداوند به شما دستور انفاق و صرف آن را داده است) و این اموال زائد را به شما عطاء نکرده تا این که آنها را ذخیره و گنجی کنید.)) (۴۲۹)

(۹) از امام صادق علیه السلام : ((محققا بقاء مسلمین و بقاء اسلام از جمله در این است که اموال نزد کسی آید که او در آنها حق را بشناسد و با آنها معروف انجام دهد، و محققا فناء اسلام و فناء مسلمین از جمله در این است که اموال به دست کسی افتد که در آنها حق را نشناسد و با آنها معروف انجام ندهد.)) (۴۳۰)

(۱۰) از امام صادق علیه السلام : ((معروف چیزی است سوای زکوة، پس به سوی خداوند عزوجل به بر و نیکی و صله رحم تقرب جوید.)) (۴۳۱)

(۱۱) از امام صادق علیه السلام : ((کسی که بخواهد خدا او را در رحمتش داخل و در بهشتش ساکن کند خلقتش را باید نیکو کند، و از نفسش به دیگری باید انصاف دهد، و یتیم را باید رحم کند، و ضعیف را باید کمک کند، و برای خداوندی که او را خلق نموده باید تواضع کند.)) (۴۳۲)

(۱۲) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((کسی که از مالش فقیر را مواسات کند و از نفسش مردم را انصاف دهد؛ او به حقیقت مؤمن است.)) (۴۳۳)

نیکی به والدین و خویشان

اسلام، در دستورش به احسان و نیکی به دیگران، مخصوصاً به پدر و مادر و بعد از آن به سایر ارحام و خویشاوندان اهتمام بیشتری به خرج داده است و آنان را مقدم بر دیگران یاد کرده و سفارش بیشتری درباره ایشان نموده تا جایی که رفتار خلاف برّ و احسان را (و یا مجرد ترک شفقت و احسان را) نسبت به آنان، که از آن به عقوق پدر و مادر و قطع رحم تعبیر شده، از محرمات شدید و گناهان کبیره به شمار آورده است. مسلمان هرگز نباید از پدر و مادر یا سایر ارحام و خویشان خود ببرد و آنان را آزرده نماید که با این کار معصیت بزرگی مرتکب شده، خود را مستحق عقوبت دنیوی و اخروی نموده است.

قرآن کریم :

(۱) ((خدا را پرستش کنید و چیزی را شریک او ننمایید، و به پدر و مادر و به صاحبان قرابت و خویشان احسان و نیکی کنید.)) (۴۳۴)

(۲) ((پروردگار تو حکم فرموده که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر، احسان و نیکی کنید، نیکی کردنی (کامل)، اگر یکی از پدر و مادر یا هر دو نزد تو به پیری برسند؛ پس به ایشان اف مگو (اگر مثلاً تو را تنگدل گردانند)، و بانگ بر آنان مزن و بازشان مدار (اگر مثلاً تو را بزنند)، و برای آنان سخن نیکو (مانند؛ غفر الله لکما) بگو، و از روی رحمت و مهربانی، بال ذلت و فروتنی فرود آور، و (در مقام دعا به درگاه خدای متعال) بگو: پروردگار من ببخش و رحم کن ایشان را؛ همچنانکه مرا در کوچکی تربیت کرده و پرورش دادند.)) (۴۳۵)

(۳) در توصیف و مدح یحیی علیه السلام می فرماید: ((او او پرهیزکار به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به آنان) متکبر و سرکش و گنهکار و نافرمان نبوده.)) (۴۳۶)

(۴) ((خداوند (مردم را) به عدالت و نیکوکاری و احسان و رسیدگی به خویشاوند، فرمان می دهد.)) (۴۳۷)

(۵) ((بپرهیزید (از نافرمانی و کفر) خدایی که به او از یکدیگر سؤ ال می کنید (مانند این که می گوئید: تو را به خدا چنین کن) و نیز ارحام را (از قطع نمودن و بریدن از آنان بپرهیزید) که خداوند بر شما مراقبت و نگهبانی است.)) (۴۳۸)

روایات :

(۱) از امام باقر علیه السلام : ((سه امر است که خداوند در آنها رخصتی قرار نداده است : اداء امانت به نیکوکار و بدکار، وفاء به عهد و پیمان برای نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.)) (۴۳۹)

(۲) از امام صادق علیه السلام : ((بزرگترین گناهان) کبیره هفت است : شرک به خداوند عظیم، قتل نفسی را که خداوند حرام کرده مگر به حق، خوردن اموال یتیمان، عقوق والدین (یعنی رفتار خلاف احسان به پدر و مادر، استخفاف نسبت به آنان، آزرده آنان)، نسبت زنا دادن به زنان عقیقه پاکدامن، فرار کردن کسی که به سوی دشمن و جهاد می رود، و انکار آنچه خدا نازل کرده است.)) (۴۴۰)

(۳) از امام صادق علیه السلام : ((سه امر است که (انسان) در هر حال از به جا آوردن آنها ناگزیر است : ادای (امانت نسبت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد و پیمان برای نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.)) (۴۴۱)

(۴) جمیل می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم در مورد قول خداوند عزوجل: ((و اتقوا الله الذی تسئلون به و الارحام .)) فرمود: ((مراد از ارحام خویشاوندان مردم است که خداوند به صله و بزرگداشت آنان ، امر فرموده است ؛ آیا نمی بینی که خداوند ارحام را با خودش (در آیه) همراه قرار داده است ؟)) (۴۴۲)

(۵) از امام رضا علیه السلام : ((خداوند امر کرده است به تقوا و صله رحم ، پس کسی که صله رحم نکند متقی نشده است .)) (۴۴۳)

(۶) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((از خویشاوند خود مبر؛ گرچه او از تو بریده باشد.)) (۴۴۴)

(۷) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((امت من چون از خویشان ببرند، اموال در دست اراذل آنان قرار گیرد.)) (۴۴۵)

(۸) از علی علیه السلام : ((مردم چون از خویشاوندان ببرند اموال در دست اشرار قرار گیرد.)) (۴۴۶)

(۹) از امام صادق علیه السلام : ((از معاصی کبیره ؛ پیمان شکنی و بریدن از خویشاوند است ؛ زیرا خداوند می گوید: لهم اللعنه و لهم سوء الدار .)) (۴۴۷)

(۱۰) از علی علیه السلام : ((از گناهانی که موجب پیش افتادن فنا و مرگ می شود؛ قطع رحم (بریدن از خویشاوند) است .)) (۴۴۸)

(۱۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((از عقوق والدین بپرهیزید که بوی بهشت از مسیر هزار سال مسافت درک می شود و (لیکن) آن را هیچ عاق والدینی و هیچ قاطع رحمی و هیچ پیرمرد زناکاری و هیچ کشاننده لباس به روی زمین از روی تکبر، درک نمی کند مسلما کبریایی ویژه خداوند رب العالمین است .)) (۴۴۹)

(۱۲) از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم : ((شخصی که صله رحم می کند و حال آنکه از عمرش جز سه سال باقی نمانده ، خداوند آن را تا سی و سه سال امتداد می دهد، و آنکه قطع رحم می کند و حال آنکه از عمرش سی و سه سال باقی مانده ، خداوند آن را به سه سال یا کمتر تقلیل می دهد.)) (۴۵۰)

محبت دنیا

* (۴۵۱) یکی از اموری که در اسلام از آن بسیار به بدی یاد شده است ؛ محبت دنیا برای خود دنیا است .

اما اگر محبت دنیا برای محبت خدا و طلب رضای او یا برای محبت عالم آخرت و طلب ثوابهای اخروی و مصونیت از عذاب های الهی باشد، در واقع محبت دنیا و دنیاخواهی نیست بلکه محبت خدا و محبت عالم آخرت و خدا خواهی و آخرت خواهی است .

و به عبارت دیگر؛ محبت دنیا به خاطر خود آنکه دنیا محبوب بالذات شخص باشد، در اسلام مذموم است . و محبت بالعرض به دنیا که دنیا محبوب بالعرض برای شخص شود و محبوب بالذات او رضای خدا، یا نعیم و ثواب آخرت باشد، مذموم نیست بلکه ممدوح است .

محبت دنیا برای خود دنیا منشاء همه گونه فتنه و فساد و بدیها است و به عکس محبت دنیا برای رضای خدا و یا تحصیل آخرت ، منشاء و سرچشمه همه خوبیهاست و موجب مصونیت شخص از فکرها و اعتقادهای باطل و اخلاق و اعمال فاسد می شود.

در مدارک اسلامی با بیاناتی ، گاه از خود دنیا و زندگی دنیا و شؤ و ن آن مانند؛ ریاست و جاه دنیا و زن و فرزند و مال دنیا، مذمت و نکوهش شده است (تا شخص با ایمان ، محبت بالذات به دنیا و شؤ و ن دنیا پیدا نکند) و گاه از دوست داشتن دنیا و دوست داشتن شؤ و ن دنیا.

قرآن کریم :

(۱) ((آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شدید؟ (در حالی که) متاع دنیا نسبت به متاع آخرت جز اندکی نیست .)) (۴۵۲)

(۲) ((ای مردم وعده الهی (نسبت به روز جزا و نعمتهای اخروی) حق است ؛ پس فریب ندهد شما را زندگی دنیا (که از نعمتهای آخرت بازمانید.)) (۴۵۳)

(۳) ((بدانید (ای مردم) که زندگی دنیا (اموری بی ارزش و سریع الزوال بیش نیست) بازیچه و بازدارنده (از یاد خدا و آخرت) است و مایه زینت و آرایش و باعث فخر و مباهات بر یکدیگر و فزون طلبی در اموال و اولاد است . (زندگی دنیا از نظر ظاهر و زیبایی در ابتداء، و سرعت زوال و زشتی در انتهاء) مانند بارانی است که بیارد و گیاهی بیار آورد که (طراوت و زیبایی) آن ، شگفت آورد کافران را، ولی (طولی نکشد که) خشک شود و آن را زرد ببینی و عاقبت هم ریزه ریزه و در هم شکسته گردد و در آخرت (برای کسی که دنیا طلب بوده و هیچ به فکر آخرت نبوده) عذابی شدید مهیاست ، و (برای کسی که به وسیله دنیا، طلب آخرت می کرده) از جانب خدا آمرزش و خوشنودی است ، و زندگی دنیا (برای دنیا طلب) به جز متاع فریب نیست .)) (۴۵۴)

(۴) ((بلکه دنیای حاضر و آماده (یا زودگذر) را دوست دارید (آنرا می گیرید) و آخرت را وامی گذارید.)) (۴۵۵)

(۵) ((بدا به حال هر عیب گوی طعنه زن ، آنکه مالی جمع کند و آن را شماره و اندوخته نماید، پندارد که مالش او را برای همیشه نگه می دارد، نه چنین است مسلما در آتش شدیدی که او را درهم شکند، افکند می شود.)) (۴۵۶)

(۶) ((اما آنکه (از اطاعت خدا) سربچی کرد و زندگی دنیا را برگزید، همانا دوزخ جایگاهش است .)) (۴۵۷)

روایات :

(۱) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((ای پسر مسعود! پروردگار متعال که فرموده است : ((لیلو کم ایکم احسن عملا)) قصد کرده که کدام یک از شما بی رغبت تر در دنیا هستید، به راستی دنیا، دار غرور و فریب و خانه کسی است که (در بهشت) خانه ندارد، و برای دنیا جمع می کند کسی که دارای عقل نیست ، حقیقتا نادان ترین مردم کسی است که دنیا را بجوید (برای دنیا)، پروردگار متعال (در پستی دنیا) فرموده است : اعملوا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو (تا آخر آیه شریفه که قبلا ترجمه شد.)) (۴۵۸)

(۲) در تفسیر آیه ای که قول ابراهیم علیه السلام را نقل می کند که آن حضرت به خدا عرض می کرد: ((پروردگارا مرا خوار مکن در روزی که مردم برانگیخته می شوند، روزی که نفع نبخشد به انسان مالی و نه اولادی مگر آن کسی که روی به خدا آورده باشد با قلبی سلیم (که منفعت از آن اوست.)) (۴۵۹)

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ((قلب سلیم آن قلبی است که از محبت دنیا سالم مانده باشد.))

(۳) و نیز از آن حضرت است که فرمود: ((قلب سلیم آن قلبی است که پروردگار خود را ملاقات کند در حالی که در آن قلب جز او احدی نباشد.)) (۴۶۰)

(۴) از امام صادق علیه السلام : ((ما فوق (یا، سر) هر گناه محبت دنیاست.)) (۴۶۱)

(۵) از امام زین العابدین علیه السلام : ((بعد از معرفت پروردگار و شناسایی رسول خدا عملی با فضیلت تر از مبعوض داشتن دنیا نیست.)) (۴۶۲)

(۶) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((هر کس محبت به دنیا ورزید به آخرت خود ضرر زد.)) (۴۶۳)

(۷) از امام صادق علیه السلام به نقل از کتاب علی علیه السلام : ((دنیا چونان مار نرم و ملایم است چون دست بر آن کشند، ولی در باطن آن زهر کشنده است ، مرد عاقل از او حذر کند و بچه های جاهل به او رو آورند.)) (۴۶۴)

(۸) از امام صادق علیه السلام : ((قسم به خدا محبت به خدا ندارد کسی که دوست دار دنیاست.)) (۴۶۵)

(۹) از علی علیه السلام : ((بزرگترین خطاها محبت دنیاست. * اگر شما دوست دار خدایید محبت دنیا را از دلها تان بیرون کنید. * به راستی ملاقات نمی کنی هرگز خداوند سبحان را به عملی که ضررش بیشتر باشد بر تو از محبت دنیا. * محبت دنیا سر فتنه ها و ریشه محتهاست. * محبت دنیا عقل را فاسد و دل را از شنیدن حکمت کر می نماید و موجب عقاب دردناک می گردد. * همانطور که خورشید (روشن) با شب (تاری) جمع نمی شود همچنین محبت خدا با محبت دنیا جمع نمی شوید.)) (۴۶۶)

(۱۰) از علی علیه السلام : ((دنیا و آخرت دو دشمن روبرو و دو راه مختلفند؛ هر کس به دنیا محبت ورزید و با آن دوستی کرد با آخرت دشمنی می کند، و آن دو به منزله مشرق و مغربند و رونده بین این دو به هر کدام نزدیک شد از دیگری دور می گردد، و آن دو مانند دو هوو هستند.)) (۴۶۷)

(۱۱) از امام کاظم علیه السلام : ((هر کس به دنیا محبت ورزید خوف آخرت از دلش می رود، و به بنده ای علمی داده نشد که بعد محبتش به دنیا زیاد شده باشد مگر این که از خدا دورتر گردیده و غضب خدا بر او زیاد گشته است.)) (۴۶۸)

نمونه ای از مدارک داله بر مدح دنیا و محبت آن برای تحصیل رضای الهی یا ثوابهای اخروی

(۱۲) از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم : ((توانگر کمک خوبی است بر تقوای الهی.)) (۴۶۹)

(۱۳) از امام صادق علیه السلام : ((دنیا کمک خوبی برای آخرت است.)) (۴۷۰)

(۱۴) از باقرالعلوم علیه السلام : ((دنیا کمک خوبی برای طلب آخرت است.)) (۴۷۱)

(۱۵) از امام صادق علیه السلام : ((هیچ خیری نیست در کسی که دوست ندارد از راه حلال جمع مال کند تا به آن آبروی خود را حفظ

کند و بدهی خود را بپردازد و به خویشان خود رسیدگی نماید.)) (۴۷۲)

(۱۶) مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: ((به خدا قسم ما در جستجوی دنیا هستیم و دوست داریم دنیا به طرف ما

بیاید.)) حضرت فرمود: ((دنیا را برای چه می خواهی؟)) عرض کرد ((برای این که به خود و عیالاتم برسم و صله و صدقه بدهم و عمره

و حج خانه خدا کنم.)) حضرت فرمود: ((این در حقیقت طلب آخرت است نه دنیا.)) (۴۷۳)

(۱۷) از وصایای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اباذر: ((ای اباذر دنیا و آنچه که در دنیاست ملعون است مگر کسی که به وسیله

دنیا رضایت الهی را بجوید و چیزی مبعوض تر از دنیا نزد خدای متعال نیست. (تا این که فرمود): و چیزی محبوب تر نزد خدا از ایمان

به او و ترک نمودن آنچه را که خدا به ترک آن امر نموده نیست. ای اباذر، پروردگار متعال وحی نموده به برادرم عیسی علیه السلام که

ای عیسی دوستدار دنیا مباش که من دنیا را دوست ندارم و آخرت را دوست بدار زیرا آخرت، خانه رستخیز است.)) (۴۷۴)

(۱۸) از وصایای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن مسعود: ((دنیا را به لذات و شهوات بر آخرت مگزین که خداوند متعال در

کتاب خود می گوید: ((اما آنکه (از طاعت خداوند) سرپیچی کرد و زندگانی دنیا را برگزید همانا جایگاهش دوزخ است)) مراد خداوند

متعال، زندگی دنیای ملعون است، و آن همه چیزهایی است که در دنیا است؛ مگر آنچه که برای (رضای) خداوند بوده باشد.)) (۴۷۵)

(۱۹) علی علیه السلام هنگامی شنید مردی دنیا را نکوهش می کند در قبال او به ستودن دنیا مطالبی فرمود که از آنهاست : ((دنیا، سرای

توانگری است برای کسی که از آن توشه (آخرت) بردارد، و سرای موعظه است برای کسی که از آن پند گیرد، جای عبادت و سجده

دوستان خداست، و جای صلوات فرشتگان خدا، و جای فرود آمدن وحی خدا، و جای تجارت دوستداران خداست که در آن رحمت

خدا را کسب کردند و بهشت را به سود بردند.)) (۴۷۶)

پی‌نوشت‌ها

- ۱ -

۱-قرآن کریم

كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم اياتنا و يزيككم و يعلمكم الكتاب و الحكمة و يعلمكم ما لم تكونوا تعلمون فاذكروني اذكركم و اشكروا لي و لاتكفرون.)) (بقره ۱۵۱ و ۱۵۲)

۲- ((لقد من الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم آياته و يزيكهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين.)) (آل عمران ، ۱۶۴)

۳-روایات

((انما بعث لاتمم مكارم الاخلاق.)) (تفسير مجمع البيان در ذیل سوره قلم)

۴- ((عليكم بمكارم الاخلاق فان الله عزوجل بعثني بها.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۲۸۳؛ به نقل از امالی شیخ طوسی)

۵- ((ايها الناس ان الله تبارك و تعالی لما خلق خلقه اراد ان يكونوا على آداب رفيعة و اخلاق شريفة فعلم انهم يكونوا كذلك الا بان يعرفهم مالهم و ما عليهم و التعريف لا يكون الا بالامر والنهي.)) (كتاب الاحتجاج ، تأليف ابی منصور احمد بن علی الطبرسی)

۶- این بحث اصلاح نیت با بحث محبت دنیا که در آخر کتاب ذکر شده ، مرتبط است .

۷- ((الا لله الدين الخالص.)) (زمر، ۳)

۸- ((و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوة و يوتوا الزكاة و ذلك دين القيمة.)) (بينه ، ۵)

۹- ((فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعبادة ربه احدا.)) (كهف ، ۱۱۰)

۱۰- ((و من الناس من يشرى نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤف بالعباد.)) (بقره ، ۲۰۷)

۱۱- ((و مثل الذين ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبिता من انفسهم كمثل جنة بربوة اصابها وابل فانت اكلها ضعيفين فان لم يصيبها وابل فطل و الله بما تعملون بصير.)) (بقره ، ۲۶۵)

۱۲- ((و ما تنفقوا من خير فلا نفوسكم و ما تنفقون الا ابتغا وجه الله و ما تنفقوا من خير يوف اليكم و انتم لاتظلمون.)) (بقره ، ۲۷۲)

۱۳- ((الاخير في كثير من نجوهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بين الناس و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرا عظيما.)) (نساء ۱۱۴)

۱۴- ((من كان يريد حرث الآخرة نزدله في حرثه و من كان يريد حرث الدنيا نوته منها و ما له في الآخرة من نصيب.)) (شوری ، ۲۰)

۱۵- ((من كان يريد الحياة الدنيا و زينتها نوف اليهم اعمالهم فيها و هم فيها لا يبخسون اولئك الذين ليس لهم في الآخرة الا النار و حبط ما صنعوا فيها و باطل ما كانوا يعملون.)) (هود، ۱۵ و ۱۶)

۱۶- ((من كان يريد العاجلة عجلنا فيها مانسآء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم يصلها مذموما مدحورا و من اراد الآخرة و سعى لها سعيها و هو مؤ من فاولئك كان سعيهم مشكورا.)) (بنی اسرائیل ، ۱۸ و ۱۹)

۱۷- روایات

((ان الله يحشر الناس على نياتهم يوم القيمة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۸)

۱۸- فی قول الله عزوجل : ((فمن كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعباده ربه احدا.)) قال عليه السلام : ((الرجل يعمل شيئا من الثواب لا يطلب به وجه الله انما يطلب تزكية النفس يشتبه ان يسمع به الناس فهذا الذي اشرك بعبادة ربه.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۱۲)

۱۹- ((انما الاعمال بالنيات و لكل امرء ما نوى فمن غزى ابتغاء ما عند الله فقد وقع اجره على الله عزوجل و من غزى يريد عرض الدنيا اونوى عقالا لم يكن له الا ما نوى.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۸)

۲۰- ((من طلب علما ليضرب (ليصرب خ) به وجود الناس اليه لم يجد ريح الجنة.)) (وافی ، جزء رابع عشر، ص ۵۲)

۲۱- ((من اراد الحديث لمنفعة الدنيا لم يكن له في الآخرة من نصيب و من اراد به خير الآخرة اعطاه الله خير الدنيا و الآخرة.)) (تفسير صافی در سوره شوری)

۲۲- ((كل رياء شرك انه من عمل للناس كان ثوابه على الناس و من عمل لله كان ثوابه على الله.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۱۱)

۲۳- ((قال الله تعالى : انا اغني الاغنياء عن الشريك فمن اشرك معي غيري في عمل لم اقبله الا ما كان لي خالصا.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۱۲)

۲۴- ((بالاخلاص يكون الخلاص.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۱۰)

۲۵- ((لو ان عبدا عمل عملا يطلب به وجه الله والدار الآخرة و ادخل فيه رضا احد من الناس كان مشركا.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱ ص ۱۱)

۲۶- ((ان لكل حق حقيقة و ما بلغ عبد حقيقة الاخلاص حتى لا يحب ان يحمد على شيء من عمل (الله ، في خبر ابن فهد.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۱، ص ۱۰ از تفسیر ابی الفتوح الرازی و از عدة الداعی ، تالیف احمد بن محمد بن فهد)

۲۷- ((و العمل الخالص ، الذي لا تريد ان يحمدك عليه احد الا الله عزوجل.)) (وافی ، جزء سوم در باب اخلاص ؛ به نقل از کافی)

۲۸- ناگفته نماند اقسام شرکی که در این کتاب ذکر می شود از شرک ربایی و شرک طاعتی و شرک به اسباب طبیعی ، غیر از شرک مشرکین معروف است که از کفارند؛ شرک آنان بدترین شرکها و بزرگترین معصیتهای و موجب کفر و خروج از اسلام است و آن شرک در عبودیت است که آدمی ، غیر خداوند متعال را عبادت و پرستش نماید.

۲۹- ((فی تفسیر القمی فی ذلیل آیه ((فمن كان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لا یشرك بعبادة ربه احدا.)) عن الباقر علیه السلام : ((سئل رسول الله عن تفسیر هذه الایة فقال صلی الله علیه و آله و سلم من صلی مرأاة الناس فهو مشرک و من زکی مرأاة الناس فهو مشرک و من صام مرأاة الناس فهو مشرک و من حج مرأاة الناس فهو مشرک و من عمل عملا مما امره الله مرأاة الناس فهو مشرک و لا یقبل الله عزوجل عمل مرءاء))

۳۰- عن جعفر بن محمد عن آبائه : ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سئل : ((فیما النجاة غذا.)) فقال صلی الله علیه و آله و سلم : ((انما انجاه فی ان لاتخاذ عوا الله فیخضعکم فانه من یخادع الله یدعده و یخلع منه الايمان ، و نفسه یخضع لویشعر.)) قیل له : ((فکیف یخادع الله ؟)) قال صلی الله علیه و آله و سلم : ((یعمل بما امره الله ثم یرید به غیره فاتقوا الله فی الریاء فانه الشرک بالله ان المرئی یدعی یوم القيمة باربعة اسماء یا فاجر یا کافر یا غادر یا خاسر حبط عملک و بطل اجرک فلا خلاص لک الیوم فالتمس اجرک ممن کنت تعمل له.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱ ، ص ۱۱)

۳۱- قرآن کریم

((و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون.)) (یوسف ، ۱۰۶)

۳۲- ((و اتخذوا من دون الله آلهة لیكونوا لهم عزا کلا سیکفرون بعبادتهم و یكونون علیهم ضدا.)) (مریم ، ۸۱ و ۸۲)

۳۳- ((اتخذوا احبار هم و رهبانهم اربابا من دون الله.)) (توبه ، ۳۱)

۳۴- ((ارایت من اتخذ الهه هو یه.)) (فرقان ، ۴۳)

۳۵- ((قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشرك به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون.)) (آل عمران ، ۶۴)

۳۶- ((آلم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و ان اعبدونى هذا صراط مستقیم.)) (یس ، ۶۰ و ۶۱)

۳۷- روایات

عن الصادق علیه السلام فی آیه ((و ما یومن اکثرهم بالله الا و هم مشرکون)) قال علیه السلام : ((شرک طاعة و لیس شرک عبادة.)) (تفسیر صافی ، به نقل از کافی)

۳۸- عن الصادق علیه السلام فی هذه الایة قال علیه السلام : ((یطیع الشیطان من حیث لا یعلم فیشرک.)) (تفسیر صافی ، به نقل از کافی)

۳۹- و عن الباقر عليه السلام : ((شرك طاعة و ليس شرك عبادة و المعاصي التي يرتكبون فهي شرك طاعة اطاعوا فيها الشيطان فاشركوا بالله في الطاعة لغيره و ليس با شرک عبادة ان يعبدوا غير الله.)) (تفسير صافی ، به نقل از قمی و عیاشی)

۴۰- عن الرضا عليه السلام في كتابه الى المامون ، قال عليه السلام : ((و ير الوالدين واجب و ان كانا مشركين و لاطاعة لهما في معصية الخالق و لاغير هما فانه لاطاعة لمخلوق في معصية الخالق.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ص ۴۹۴)

۴۱- عن ابي عبد الله عليه السلام في قوله عزوجل: ((واتخذوا من دون الله آلهة ليكونوا لهم عزا كلا سيكفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضدا)) قال عليه السلام : ((ليس العبادة هي السجود و الركوع انما هي طاعة الرجل ، من اطاع المخلوق في معصية الخالق فقد عبده الله.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۹۴) پ

۴۲- عن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : ((لاطاعة لمخلوق في معصية الخالق.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۹۳)

۴۳- عن الصادق عليه السلام في تفسير ((و ما يومن اكثرهم بالله الا و هم مشركون)) قال عليه السلام : ((هو الرجل يقول : لولا فلان لاصبت كذا و كذا، و لو لا فلان لضاع عيالي ، الاترى انه قد جعل لله شريكا في ملكه يرزقه و يدفع عنه.)) قيل : ((فيقول لو لا ان الله على بفلان لهلكت.)) قال عليه السلام : ((نعم لا باس بهذا.))

۴۴- و عنهما عليه السلام : ((شرك النعم)) و عن الرضا عليه السلام : ((شرك لا يبلغ به الكفر.)) (تفسير صافی ، به نقل از عیاشی)

۴۵- ((و لا تمش في الارض مرحا لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا.)) (بنی اسرائیل ، ۳۷)

۴۶- ((و لا تصعر خدك للناس و لا تمش في الارض مرحا ان الله لا يحب كل مختال فخور و اقصد في مشيك و اغضض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير.)) (لقمان ۱۸و ۱۹)

۴۷- ((و الخفض جناحك للمؤمنين.)) (حجر، ۸۸)

۴۸- ((و اخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين.)) (شعراء، ۲۱۵)

۴۹- روایات

((التواضع ان تعطى الناس ما تحب ان تعطاه.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۵۶)

۵۰- ((للتواضع درجات : منها ان يعرف المرء قدر نفسه فيتزلها منزلتها بقلب سليم ، لا يحب ان ياتي الى احد الا مثل ما يوتي اليه ، ان رأى سيئة در اها بالحسنة ، كاظم الغيظ عاف عن الناس و الله يحب المحسنين.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۵۶)

۵۱- ((ان من التواضع ان يرضى بالمجلس دون المجلس و ان يسلم على من يلقي و ان يترك المراء و ان كان محقا و لا يحب ان يحمد على التقوى.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۵۶)

۵۲- ((ان التواضع يزيد صاحبه رفعة فتواضعوا يرفعكم الله.)) ع (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۵۷)

۵۳- ((ایاکم و العظمة و فان الکبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله ردائه قصمه الله و اذله يوم القيمة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۱)

۵۴- ((اکثر اهل جهنم المتکبرون.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۲)

۵۵- ((ان احبکم الی و اقربکم منی يوم القيمة مجلسا احسنکم خلقا و اشدکم تواضعا و ان ابعدکم منی يوم القيمة الثرثارون و هم

المستکبرون.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۲)

۵۶- ((اقبح الخلق تکبر شر آفات العقل الکبر ایاک و الکبر فانه اعظم الذنوب و الام العیوب و هو حلیة ابلیس التواضع یرفع و التکبر

یضع.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۲۹؛ به نقل از آمدی در غرر)

۵۷- ((علیکم بحب المساکین المسلمین فان من حقرهم و تکبر علیهم فقد زل عن دین الله و الله له حاکم ماقت.)) (تحت العقول ، فرازی از

نامه امام صادق علیه السلام به گروهی از شیعیان و یاران آن حضرت)

۵۸- ((الکبائر) هی قتل النفس التي حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدین (الی ان قال علیه السلام) و الکذب و

الکبر و الاسراف و التبذیر و الخیانة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۶۴)

((والکبائر محرمة و هی الشک بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدین (الی ان قال علیه السلام) و استعمال التکبر و التجبر و

الکذب و الاسراف و التبذیر و الخیانة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۶۵)

۵۹- ((فاخفض لهم جناحک و الن لهم جانبک و ابسط لهم وجهک.)) (نهج البلاغه)

۶۰- ((من لقی فقرا مسلما علیه خلاف سلامه علی الغنی لقی الله عزوجل يوم القيمة و هو علیه غضبان.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص

۲۱۰)

۶۱-روایات

((من دخله العجب هلک.)) (وافی ، جز سوم ، ص ۱۵۱)

۶۲- ((دخل رجلان المسجد احدهما عابد و الاخر فاسق فخرجا من المسجد و الفاسق صديق و العابد فاسق و ذلك انه یدخل العابد

المسجد مدلا بعبادته یدل بها فیكون فیکرته فی ذلك و یكون فکرة الفاسق فی التندم علی فسقه و یرتد عن الله تعالی مما ذکر من الذنوب.))

(وافی ، جزء سوم ، ص ۱۵۱)

۶۳- ((ثلث مهلکات هوی متبع و شح مطاع و اعجاب بنفسه.)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، باب ۲۳، ص ۱۶)

۶۴- ((حسبک من الجهل ان تعجب بعلمک.)) (وسائل الشیعه ، باب ۲۳، ص ۱۷)

۶۵- ((سیئه تسوءک خیر عندالله من حسنة تعجبک.)) (وسائل الشیعه ، باب ۲۳، ص ۱۷)

۶۶- ((اعجاب المرء بنفسه دليل على ضعف عقله.)) (وسائل الشيعة، باب ۲۳، ص ۱۶)

۶۷- ((ثلاث قاصمات الظهر رجل استكثر عمله و نسي ذنوبه و اعجب براءيه. (وسائل الشيعة، ج ۱، باب ۲۲، ص ۱۵)

۶۸- و بدترین اقسام عجب همین قسم است ، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ((قل هل ننبئكم بالآخرين اعمالا الذين ضل سعيهم في الحياة الدنيا و هم يحسبون انهم يحسنون صنعا؛ بگو (ای رسول ما به مردم) آیا شما را خبر دهیم به زیانکارترین اشخاص ؟ کسانی که کوشش شان در زندگی دنیا، تباه شد در حالی که خویش را نیکوکار می پنداشتند.)) (کهف ، ۱۰۳ و ۱۰۴)

۶۹- ((للعجب درجات منها ان يزین للعبد سوء عمله فيراه حسنا فيعجبه و يحسب انه يحسن صنعا و منها ان يؤمن العبد بربه فيمن على الله عزوجل و لله عليه فيه المن.)) (وسائل الشيعة، ج ۱، باب ۲۳، ص ۱۶)

۷۰- ((و ما بكم من نعمة فمن الله.)) (نحل، ۵۳)

((و لو فضل الله عليكم و رحمته ما زكى منكم من احد ابدا و لكن الله يزكى من يشاء و الله سميع عليم.)) (نور، ۲۱)

((ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون.)) (غافر، ۶۱)

((ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك.)) (نساء، ۷۹)

۷۱- ((آلم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكى من يشاء و لا يظلمون فتيلًا.)) (نساء، ۴۹)

۷۲- ((هو اعلم بكم اذا انشاكم من الارض و اذا انتم اجنة في بطون امهاتكم فلا تزكوا انفسكم هو اعلم بمن اتقى.)) (نجم ، ۳۲)

۷۳- ((و اما بنعمة ربك فحدث.)) (ضحی ، ۱۱)

۷۴-روایات

فی تفسیر الصافی عن العلل عن الباقر علیه السلام فی آیه ((فلا تزکوا انفسکم هو اعلم بمن اتقى)) : ((لا یفتخر احدکم بکثرة صلواته و صیامه و زکوته و نسکه لان الله عزوجل اعلم بمن اتقى منکم.))

۷۵- فی الصافی عن المعانی عن الصادق علیه السلام انه سئل عن هذه الایة ((ای فلا تزکوا انفسکم الایة)) فقال علیه السلام : ((قول الانسان صلیت البارحة و صمت امس و نحو هذا.))

۷۶- ((فی الصافی ، عن العیاشی ، عن الصادق علیه السلام انه سئل : ((هل يجوز ان يزكى المرء نفسه.)) قال علیه السلام ((نعم اذا اضطر اليه ؛ اما سمعت قول يوسف علیه السلام ((اجعلني على خزائن الارض اني حفظ عليم.)) و قول العبد الصالح ((و انا لكم ناصح امين.))

۷۷-قرآن کریم

((ام يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله.)) (نساء، ۵۴)

۷۸- ((و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا و للنساء نصيب مما اكتسبن و اسئلوا الله من فضله ان الله بكل شىء عليم.)) (نساء، ۳۲)

۷۹-روایات

((عن الصادق عليه السلام فى تفسير الاية : ((اي لا يقل احدكم ليت ما اعطى فلان من المال و النعمة و المرثه الحسناء كان لى فان ذلك يكون حسدا و لكن يجوز ان يقول اللهم اعطنى مثله.)) (تفسير صافى ، به نقل از مجمع)

۸۰- ((آفة الدين الحسد و العجب و الفخر.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۰)

۸۱- ((ان الحسد لياكل الايمان كما تاكل النار الحطب.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۰)

۸۲- ((ان المؤمن يغبط و لا يحسد و المنافق يحسد و لا يغبط.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۰)

۸۳- ((اتقوا الله و لا يحسد بعضكم بعضا.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۰)

۸۴- ((افضل ما يتقرب به العبد الى بعد المعرفة به ، الصلوة و بر الوالدين و ترك الحسد و العجب و الفخر.)) (تحت العقول ، از وصیت امام کاظم عليه السلام به هشام)

۸۵- ((الحسد راس العيوب الحسود لايسود الحسود دائم السقم و ان كان صحيح الجسم ثمره الحسد شقاء الدنيا و الاخرة راس الرذائل الحسد اياك و الحسد فانه شر شيمة و اقبح سجية.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۲۸، به نقل از آمدی در غرر)

۸۶-قرآن کریم

((و لا يحسبن الذين يبخون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم.)) (آل عمران ، ۱۸۰)

۸۷- ((ها انتم هولاء تدعون لتنفقوا فى سبيل الله فمنكم من يبخل و من يبخل فانما يبخل عن نفسه و الله الغنى و انتم الفقراء.)) (محمد، ۳۸)

۸۸- ((ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا الذين يبخلون و يامرون الناس بالبخل و يكتمون ما آتا هم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذابا مهينا.)) (نساء ۳۶ و ۳۷)

۸۹-روایات

((السخی قریب من الله تعالى قریب من الناس قریب من الجنة ، و البخیل بعید من الله تعالى بعید من الجنة بعید من الناس .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۱، ص ۵۰۷: به نقل از عیون اخبار، تاءلیف صدوق)

۹۰- ((ایاکم و الشح فانما هلك من كان قبلکم بالشح ، امرهم بالكذب فکذبوا و امرهم بالظلم فظلموا و امرهم بالقطیعة فقطعوا.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۶)

۹۱- ((لا یكون المؤمن من جباناً و لا حریصاً و لا شحیحاً.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۶)

۹۲- قرآن کریم

((و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک .)) (آل عمران ، ۱۵۹)

۹۳- روایات

((اکمل المومنین ایمانا احسنهم خلقاً.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۴- ((اکمل الناس عقلاً احسنهم خلقاً.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۵- ((ما من شیء اثقل فی المیزان من حسن الخلق .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۶- ((علیکم بحسن الخلق فان حسن الخلق فی الجنة لامحالة ، و ایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لامحالة .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۷- ((ما یوضع فی میزان امرء یوم القيمة افضل من حسن الخلق .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۸- ((ان صاحب الخلق الحسن له مثل اجر الصائم القائم .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۹۹- ((الخلق السیئ یفسد العمل کما یفسد الخل العسل .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۱)

۱۰۰- ((ان سوء الخلق لیفسد الایمان کما یفسد الخل العسل .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۵)

۱۰۱- ((من ساء خلقه عذب نفسه .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۵)

۱۰۲- ((ما من تائب الا و قد تسلم له توبته ما خلا السیئ الخلق لانه لا یتوب من ذنب الا وقع فی غیر اثر منه .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۶)

۱۰۳- ((فی بیان حد حسن الخلق روى عن الصادق علیه السلام : ((تلین جناحک و تطیب کلامک و تلقی اخاک ببشر حسن .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۲)

۱۰۴- قرآن کریم

((يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين .)) ع (بقره ، ۱۵۳)

۱۰۵- ((و بشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انالله و انا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون.)) (بقره ، ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷)

۱۰۶- و بشر المختبين الذين اذا ذكر الله و جلت قلوبهم و الصابرين على ما اصابهم و المقيمي الصلوة و مما رزقناهم ينفقون .)) (حج ، ۳۴ و ۳۵)

۱۰۷- ((و الذين آمنوا و عملوا الصالحات لنبوئهم من الجنة غرفا تجري من تحتها الانهار خالدين فيها نعم اجر العاملين الذين صبروا و على ربهم يتوكلون .)) ع ع ع (عنكبوت ۵۸ و ۵۹)

۱۰۸- ((انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب .)) (زمر، ۱۰)

۱۰۹- ((والعصر ان الانسان لفى خسر الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر.)) (سوره عصر)

۱۱۰- و كايين من نبى قاتل معه ربيون كثير فما و هنوا لما اصابهم فى سبيل الله و ما ضعفوا و ماستكانوا و الله يحب الصابرين .)) (آل عمران، ۱۴۶)

۱۱۱- روايات

((الصبر ثلثه : صبر عند المصيبة و صبر على الطاعة و صبر عن المعصية .)) ع ع ع (وافى ، جزء دوم ، ص ۶۶)

۱۱۲- ((الصبر من الايمان بمنزله الراس من الجسد فاذا ذهب الراس ذهب الجسد كذلك اذا ذهب الصبر ذهب الايمان .)) (وافى ، جز سوم ، ص ۶۵)

۱۱۳- ((الصبر من الايمان بمنزله الراس من الجسد فاذا فارق الراس الجسد و اذا فارق الصبر الامور فسدت الامور.)) (وافى ، جز سوم ، ص ۶۶)

۱۱۴- ((الصبر صبران : صبر عند المصيبة حسن جميل و احسن من ذلك الصبر عند ما حرم الله عزوجلّ عليك .)) (وافى ، جز سوم ، ص ۶۵)

۱۱۵- ((الصبر من الايمان بمنزله الراس من الجسد و لايمان لمن لا صبر له .)) (وافى ، جزء سوم ، ص ۶۵)

۱۱۶- ((عليك بالصبر فى جميع امورك فان الله تعالى بعث محمدا صلى الله عليه و آله و سلم فامرهم بالصبره و الرفق ، فقال : واصبر على ما يقولون و ااجرهم هجرا جميلا و ذرنى و المكذبين اولى النعمة . و قال تعالى : ادفع بالتي هى احسن فاذا الذى بينك و بينه عداوة كانه ولى حميم و ما يلقىها الا الذين صبروا و ما يلقىها الا ذو حظ عظيم .)) (الخبر. وافى ، جز سوم ، ص ۶۷)

١١٧- ((ان استطعت ان تحمل بالصبر مع اليقين فافعل فان لم تستطع فاصبر فان فى الصبر على ما تكره خيرا كثيرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا.)) ع ع ع (وسائل الشيعة ، ج ٢، ص ٤٥٥)

١١٨- ((انى لاصبر من غلامى هذا و من اهلى على ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصيره درجه الصائم القائم و درجه الشهيد الذى قد ضرب بسيفه قدام محمد صلى الله عليه و آله و سلم.)) (وسائل الشيعة ، ج ٢، ص ٤٥٥)

١١٩-قرآن كريم

((الله لا اله الا هو و على الله فليتوكل المومنون.)) (تغابن ، ٣)

١٢٠- ((و من يتوكل على الله فهو حسبه.)) (طلاق ، ٣)

١٢١- ((انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تليت عليهم آياته زادتهم ايمانا و على ربهم يتوكلون.)) (انفاق ، ٢)

١٢٢- ((ان الله يحب المتوكلين.)) (آل عمران ، ١٥٩)

١٢٣-روايات

((ان الغنى و العز يجولان فاذا ظفرا بموضع التوكل اوطنا.)) (وسائل الشيعة ، ج ٢، ص ٤٤٧)

١٢٤- ((من احب ان يكون اقوى الناس فليتوكل على الله.)) (مستدرک الوسائل ، ج ٢، ص ٢٢٨؛ به نقل از روضة الواعظين)

١٢٥- ((من احب ان يكون اتقى الناس فليتوكل على الله.)) (مستدرک الوسائل ، ج ٢، ص ٢٢٨؛ به نقل از روضة الواعظين)

١٢٦-قرآن كريم

((يا ايها الناس قد جائكم برهان من ربكم و انزلنا اليكم نورا مبينا فاما الذين آمنوا بالله و اعتصموا به فسيدهم فى رحمة منه و فضل و يهديهم اليه صراطا مستقيما.)) (نساء ١٧٤، ١٧٥)

١٢٧- فاقيموا الصلوة و آتوا الزكوة و اعتصموا بالله هو مولاكم فنعم المولى و نعم النصير.)) (حج ، ٧٨)

١٢٨- ((و من يعصم بالله فقد هدى الى صراط مستقيم.)) (آل عمران ، ١٠١)

١٢٩-روايات

((من اعتصم بالله نجاه من اعتصم بالله لم يضره شيطان.)) (مستدرک الوسائل ، ج ٢، ص ٢٨٨)

١٣٠- ((ايما عبد اقبل ما يحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما يحب ، من اعتصم بالله عصمه الله ، و من اقبل الله قبله و عصمه لم يبال لو سقطت السماء على الارض او كانت نازلة على اهل الارض فشملتهم بلية كان فى حزب الله (و فى رواية فى حزالله) بالتقوى من كل بلية اليس الله يقول :((ان المتقين فى مقام امين.)) (وسائل الشيعة ، ج ٢، ص ٤٤٧)

۱۳۱-روایات

((ليس من عبد مؤ من الا و فى قلبه نوران نور خيفة و نور رجاء لو وزن هذا لم يزد على هذا و لو وزن هذا لم يزد على هذا.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۴۴۸)

۱۳۲- ((لا يكون المومن مومنا حتى يكون خائفا راجيا حتى يكون عاملا لما يخاف و يرجو.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۴۴۸)

۱۳۳- ((ارج الله رجاء لا يجرك على معصيته و خف الله خوفا لا يويسك من رحمته.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۴۴۸)

۱۳۴- ((قال الله تعالى لا يتكل العاملون على اعمالهم التى يعملونها لثوابى فانهم لو اجتهدوا و اتعبوا انفسهم و افنوا اعمارهم فى عبادتى كانوا مقصرين غير بالغين فى عبادتهم كنه عبادتى فيما يطلبون عندى من كرامتى و النعيم فى جناتى و رفيع الدرجات العلى فى جوارى و لكن برحمتى فليثقوا و فضلى فليرجوا ، و الى حسن الظن بى فليطمئنوا فان رحمتى عند ذلك تدرکهم و منى يبلغهم رضوانى و مغفرتى تلبسهم عفوى فانى انا الله الرحمن الرحيم و بذلك تسميت.)) (وافى ، درباب ((حسن الظن بالله))؛ به نقل از كافى)

۱۳۵- ((والذى لا اله الا هو ما اعطى مؤ من قط خير الدنيا و الاخرة الا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الكف عن اغتياب المومنين و الذى لا اله الا هو لا يعذب الله مومنا بعد التوبه و الاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصير من رجائه له و سوء خلقه و اغتياب المومنين و الذى لا اله الا هو لا يحسن ظن عبد مؤ من بالله الا كان الله عند ظن عبده المومن لان الله كريم بيده الخير يستحيى ان يكون عبده المومن قد احسن به الظن ثم يخلف ظنه و رجائه فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا اليه.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۴۵۰)

۱۳۶- ((حسن الظن بالله ان لاترجو الا الله و لاتخاف الا ذنبك.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۴۵۰)

۱۳۷- آرى اگر اصلاح بين دو نفر مسلمان متوقف برگفتن دروغى شود، در اين صورت ، دروغ به قصد اصلاح و رفع فساد جايز است . و نيز اگر جلوگیری از ظلم ظالم و دفع ضرر جانی یا مالی قابل توجه از خود شخص یا برادر مسلمان متوقف بر گفتن دروغى شود، در اين صورت هم به قصد جلوگیری از ظلم ، دروغ جايز است . (مدارك مسأله در وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۲۳۴ و ج ۳ ، ص ۲۱۹)

۱۳۸-قرآن كريم

((ان المسلمين و المسلمات و المومنين و المومنات و القانتين و القانتات و الصادقين و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعين و الخاشعات و المتصدقين و المتصدقات و الصائمين و الصائمات و الحافظين فروجهن و الحافظات و الذاكرين الله كثيرا و الذكرات اعد الله لهم مغفرة و اجرا عظيما.)) (احزاب ، ۳۵)

۱۳۹-روایات

((ايها الناس الا فاصدقوا ان الله مع الصادقين و جانبوا الكذب فانه بجانب لايمان.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲ ، ص ۸۴، به نقل از مشکوة الانوار)

۱۴۰- ((عليكم بتقوى الله و صدق الحديث و اداء الامانة .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۶۰، به نقل از کتاب صفات الشیعه مرحوم صدوق)

۱۴۱- ((الکذب هو خراب الايمان .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۳)

۱۴۲- ((لايجد عبد طعم الايمان حتى يترك الکذب هزله وجده .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۴)

۱۴۳- ((ثلث خصال من علامات المنافق : اذا حدث کذب ، و اذا ائتمن خان ، و اذا وعد اخلف .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۰؛ مفاد این حدیث در حدیث وسائل الشیعه از کتاب کافی نیز خواهد آمد.)

۱۴۴- ((الکبائر)) هی قتل النفس التي حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الميتة و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضرورة (الی ان قال علیه السلام) و الکذب و الکبر و الاسراف و التبذیر و الخيانة .)) الخبر (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۶۴)

۱۴۵- ((و الکبائر محرمة و هی الشرك بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما (الی ان قال علیه السلام) و الکذب و الاسراف و التبذیر و الخيانة .)) الخبر. (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۶۵)

۱۴۶- ((ثلث من کن فيه کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم : من اذا ائتمن خان ، و اذا حدث کذب ، و اذا وعد اخلف ؛ ان الله عزوجل قال فی کتابه : ان الله لا یحب الخائنین ، و قال : ان لعنة الله علیه ان کان من الکاذبین ، و قال : و اذکر فی الکتاب السمعيل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۶۶)

۱۴۷- قرآن کریم

((و من اظلم ممن افترى على الله کذبا .)) (انعام ، ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴؛ اعراف ، ۳۷؛ یونس ، ۱۷؛ هود، ۱۸؛ کهف، ۱۵؛ عنکبوت ، ۶۸)

۱۴۸- ((ان الذين یفترون على الله الکذب لا یفلحون متاع قليل و لهم عذاب الیم .)) (نحل ، ۱۱۶ و ۱۱۷)

۱۴۹- روایات

((من قال علی ما لم اقل فلیتبوء مقعده من النار .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۴)

در ترجمه ، ((فلیبوء مقعده من النار)) به غیر معنی متن ، دو احتمال دیگر می باشد: الف) باید نازل شود به جایگاه خود از آتش . ب) باید بگیرد جایگاه خود را از آتش .

۱۵۰- ((من کذب علینا فی شی فقد کذب علی رسول الله و من کذب علی رسول الله فقد کذب علی الله و من کذب علی الله عذبه الله عزوجل .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۴)

۱۵۱- ((الکذب علی الله و علی رسوله و علی الاوصیاء من الکبائر .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۴)

۱۵۲-قرآن کریم

((یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود.)) (مائده، ۱)

۱۵۳- ((قد افلح المومنون (الی ان قال تعالی) و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون.)) (مومنون، ۸)

۱۵۴- ((و اوفوا بالعهد ان العهد کان مستولاً.)) (اسراء، ۳۴)

۱۵۵- ((الا الذین عاهدتم من المشرکین ثم لم ینقصوکم شیئاً و لم یظاهروا علیکم احدا فاتموا الیهم عهد هم الی مدتهم ان الله یحب المتقین.)) (توبه، ۴)

۱۵۶- ((و ان استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر الا علی قوم بینکم و بینهم ميثاق و الله بما تعملون بصیر.)) (انفال، ۷۲)

۱۵۷-روایات

((عن الصادق علیه السلام : ((ثلاث لم یجعل الله لاحد من الناس فیهین رخصة : اداء الامانة الی البر و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر، و بر الوالدین برین کانا او فاجرین.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۱، باب ۲؛ به نقل از خصال صدوق)

۱۵۸- ((عن الباقر علیه السلام : ((ثلث لم یجعل الله فیهین رخصة : اداء الامانة للبر و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفاجر، بر الوالدین برین کانا او فاجرین.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸؛ به نقل از کلینی)

۱۵۹-قرآن کریم

((یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون.)) (صف، ۲ و ۳)

۱۶۰-روایات

((عدة المومن اخاه نذر لاکفارة له فمن اخلف فبخلف الله بدء و لمقته تعرض و ذلك قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۲)

۱۶۱- ((الخلف یوجب المقت عند الله الناس، قال الله تعالی : کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لاتفعلون.)) (نهج البلاغه، عهدنامه امیرمؤمنین به مالک اشتر)

۱۶۲- ((من کان یومن بالله و الیوم الآخر فلیف اذا وعده.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۲)

۱۶۳- ((ثلاث من کن فیه کان منافقاً و ان صام و صلی و زعم انه مسلم : من اذا ائتمن خان، و اذا حدث کذب، و اذا وعد اخلف.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۶۶)

۱۶۴- ((المومن اخ المومن عینه و دلیله لایخونه و لایظلمه و لایغشه و لایعده عدة فیخلفه.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۸۸)

۱۶۵- ((من عامل الناس فلم يظلمهم و حدثهم فلم يكذبهم و وعدهم فلم يخلفهم فهو ممن كملت مروته و ظهرت عدالته و وجبت اخوته و حرمت غيبته.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۱۷)

۱۶۶- قرآن کریم

((ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنکر و البغی يعظکم لعظمتکم تذکرون.)) (نحل ، ۹۰)

۱۶۷- ((يا ايها الذين آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمى فاكتبوه وليكتب بینکم كاتب بالعدل (الی ان قال تعالى) فان كان الذی علیہ الحق سفیها او ضعيفا او لا یستطیع ان یمل هو فلیمل ولیه بالعدل \$ لایة.)) (بقره ، ۲۸۲)

۱۶۸- ((ان الله یامر کم ان تودوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعماء یعظکم به ان الله کان سمیعاً بصیراً.)) (نساء، ۵۸)

۱۶۹- ((يا ايها الذين آمنوا كونوا قواین بالقسط شهداء لله و لو علی انفسکم او الوالدين و الاقربین ان یکن غنیا او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله کان بما تعملون خبیراً.)) (نساء، ۱۳۵)

۱۷۰- ((يا ايها الذين آمنوا كونوا قواین بالقسط و لا یجر منکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون.)) (مائده ، ۸)

۱۷۱- ((و ان طائفتان من المومنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدیہما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفی الی امر الله فان فائت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین.)) (حجرات ، ۹)

۱۷۲- ((و اوفوا الکیل و المیزان بالقسط لانکلف نفسا الاوسعها و اذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذاقربی.)) (انعام ، ۱۵۲)

۱۷۳- ((و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان.)) (مائده ، ۲)

۱۷۴- ((و من یظلم منکم نذقة عذابا کبیراً.)) (فرقان ، ۱۹)

۱۷۵- ((و لاترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیا ثم لاتنصرون.)) (هود، ۱۱۳)

۱۷۶- روایات

((لیس من شیعتنا من یظلم الناس.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۴۳)

۱۷۷- ((عن علی علیه السلام : ((کونا للظالم خصما و للمظلوم عوناً.)) ع ع ع ع (نهج البلاغه ، در وصیت امیرالمؤمنان به امام حسن و امام حسین علیه السلام)

۱۷۸- ((ان اعجل الشر عقوبة البغی.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۷)

۱۷۹- ((الظلم فى الدنيا هو الظلمات فى الآخرة.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۷۸)

۱۸۰- ((خير الناس من انتفع به الناس و شر الناس من تاذى به الناس و شر من ذلك من اكرمه الناس اتقاء شره.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۸، به نقل از اختصاص شيخ مفيد)

۱۸۱- ((من مشى مع ظالم ليعينه و هو يعلم انه ظالم فقد خرج من الايمان.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۴۳۷، به نقل از كنز الفوائد كراچكى)

۱۸۲- ((من آذى مومنا آذاه الله و من احزنه احزنه الله.)) الخبر. (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۳؛ به نقل از لب اللباب قطب راوندی)

۱۸۳- ((من جار، اهلكه جورته من ظلم ، افسد امره من ظلم عباد الله ، كان الله خصمه دون عباده ، و من يكن الله خصمه ، يدحض حجته و يعذبه فى دنيا و معاده ابعدا عن الظلم فانه اعظم الجرائم و اكبر الماثم ظلم المرء فى الدنيا عنوان شقائه فى الآخرة.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۲۴۲؛ به نقل از غرر آمدی)

۱۸۴- قرآن كريم

((فان امن بعضكم بعضا فليؤدى الذى اوتمن امانته و ليتق الله ربه.)) (بقره ، ۲۸۳)

۱۸۵- ((ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها.)) (نساء، ۵۸)

۱۸۶- ((قد افلح المومنون (الى ان قال) و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون.)) (مومنون ، ۸)

۱۸۷- ((ان الله لا يحب الخائنين.)) (انفال ، ۵۸)

۱۸۸- روايات

((لا ايمان لمن لا امانة له.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۴۰۵)

۱۸۹- ((عليكم باداء الامانة فوالذى بعث محمدا بالحق نبيا لو ان قاتل ابى (الحسين بن على عليه السلام) ائتمنى على السيف الذى قتله به لاديته اليه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۶۴۱)

۱۹۰- ((اتقوا الله و عليكم باداء الامانة الى من ائتمنكم فلو ان قاتل على ائتمنى على امانة لاديتها اليه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۶۴۱)

۱۹۱- ((ادوا الامانة ولو الى قاتل الحسين بن على عليه السلام.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۶۴۱)

۱۹۲- ((عليكم بتقوى الله و صدق الحديث و اداء الامانة.)) الخبر. (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۶۰؛ به نقل از صفات الشيعة مرحوم صدوق)

۱۹۳- ((من خان امانة فى الدنيا و ام يردها الى اهلها ثم ادركه الموت على غير ملتى و يلقى الله و هو عليه غضبان .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۶۴۱)

۱۹۴- ((ليس المسلم بالخائن اذا ائتمن و لا بالمخلف اذا وعد و لا بالكاذب اذا نطق .)) الخبر. (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۵؛ به نقل از امالى شيخ مفيد)

۱۹۵- ((ايك و الخيانة فانها شر معصية فان الخائن لمعذب بالنار على خيانتة .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۵؛ به نقل از غرر آمدی)

۱۹۶- ((جانبوا الخيانة فانها مجانية الاسلام .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۶؛ به نقل از غرر آمدی)

۱۹۷- ((ثلاثة لا بد من ادائهن على كل حال الامانة الى البر و الفاجر و الوفاء بالعهد الى البر و الفاجر و بر الوالدين برين كانا او فاجرين)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۵؛ به نقل از مشکوة الانوار)

۱۹۸- ((لاتخونن احدا فى مال يضعه عندك و امانة ائتمنك عليها فان الله تعالى يقول : ان الله يامرکم ان تودوا الامانات الى اهلها.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۶؛ به نقل از مكارم الاخلاق طبرسى)

۱۹۹- ((يا كميل اعلم و افهم انا لانرخص فى ترك اداء الامانات لاحد من الخلق فمن روى عنى فى ذلك رخصة فقد ابطل و اثم و جزائه النار بما كذب ، اقسمت لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول لى قبل وفاته بساعة مرارا ثلثا يا ابا الحسن ادا لامة الى البر و الفاجر فيما قل و جل حتى فى الخيط و المخيط.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۵۰۵؛ به نقل از كتاب بشارة المصطفى ، تاءليف عمادالدين طبرى)

۲۰۰- قرآن كريم

((و لقد مكناكم فى الارض و جعلنا لكم فيها معاش ، قليلا ما تشكرون .)) ع (اعراف ، ۱۰)

۲۰۱- ((و من رحمة جعل لكم الليل و النهار لتسكنوا فيه و لتبتغوا من فضله و لعلكم تشكرون .)) (قصص ، ۷۳)

۲۰۲- ((فان قضيت الصلوة فانتشروا فى الارض و ابتغوا من فضل الله .)) (جمعه ، ۱۰)

۲۰۳- روايات

((ان الله عزوجل يبغض كثرة النوم و كثرة الفراغ .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۵۳۴)

۲۰۴- ((ايك و الكسل و الضجر فانما يمنعانك من حظك من الدنيا و الاخرة .)) ع (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۵۳۴)

۲۰۵- لاتكسلوا فى طلب معاشكم فان آباءنا كانوا يركضون فيها و يطلبونها.)) ع (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۵۳۴)

۲۰۶- ((و لا تکسل عن معیشتک فتکون کلا علی غیرک .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۴)

۲۰۷- ((ملعون من القی کله علی الناس .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)

۲۰۸- ((علیکم بتقوی الله عزوجل و ما ینال به ما عندالله انی و الله ما آمرکم الا بما نامر به انفسنا فعلیکم بالجد و الاجتهاد و اذا صلیتم الصبح فانصرفتم فیکروا فی طلب الرزق و اطلبوا الحلال فان الله سیرزقکم و یعینکم علیه .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۲۹)

۲۰۹- ((لا تدع طلب الرزق من حله و اعقل راحلتک و توکل .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۴۱۵، به نقل از امالی شیخ مفید)

۲۱۰- ((قال عبد الاعلی : ((استقبلت اباعبدالله علیه السلام فی بعض طرق المدینة فی يوم صائف شدید الحر فقلت : جعلت فداک حالک عندالله عزوجل و قرابتک من رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و انت تجهد لنفسک فی مثل هذا اليوم ؟ فقال یا عبد الاعلی خرجت فی طلب الرزق لا تستغنی به عن مثلك .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۲۹)

۲۱۱- قال ابو عمرو، الشیبانی : ((رایت اباعبدالله علیه السلام و ببده مسحاة و علیه از ار غلیظ يعمل فی حائط له و العرق یتصاب عن ظهره . فقلت : جعلت فداک اعطنی اکفک . فقال : لی انی احب ان یتاذی الرجل بحر الشمس فی طلب المعیشة .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲۱۲- ((قال الفضل بن ابی قرة : ((دخلنا علی ابی عبدالله علیه السلام فی حائط له فقلنا له : جعلنا الله فداک دعنا نعمله لک او تعمله الغلمان ، قال : لا، دعونی فانی اشتهی ان یرانی الله عزوجل اعمل ببیدی و اطلب الحلال فی اذی نفسی .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲۱۳- ((قال علی بن ابی حمزة : ((رایت ابالحسن يعمل فی الارض له قد استنقعت قدماه فی العرق ، فقلت : جعلت فداک این الرجال ؟ فقال : یا علی قد عمل بالید من هو خیر منی و من ابی فی ارضه ، فقلت : و من هو؟ فقال : رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین و آبائی کلهم كانوا قد عملوا بایدیهم و هو من عمل النبیین و المرسلین و الاوصیاء و الصالحین .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲۱۴- ((ان ظننت او بلغک ان هذا الامر کائن غد فلا تدعن طلب الرزق .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)

۲۱۵- ((الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۴)

۲۱۶- الزارعون کنوز الله فی ارضه و ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعة .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲۱۷- ((الزارعون کنوز الانام ، یزرعون طیباً اخرجه الله عزوجل و هم یوم القيامة احسن الناس مقاما و اقربهم منزلة یدعون المبارکین .)) (فروع کافی ، ص ۴۰۴)

۲۱۸- ((ازرعوا و اغرسوا فلا و الله ما عمل الناس عملا احب و لا طیب منه .)) (فروع کافی ، ص ۴۰۴)

۲۱۹- ((ما من مسلم یغرس غرسا یاکل منه انسان او دابة او طیر الا ان یکتب له صدقة الی يوم القيامة .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۴۱۸؛ به نقل از تفسیر ابوالفتوح رازی)

۲۲۰- ((من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعدہ الله.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲۲۱- ((الکیمیاء الاکبرالزراعة.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۳۷)

۲۲۲- ((تعرضوا للتجارات فن لكم فيها غنى عما فى ایدی الناس و ان الله عزوجلّ يحب المحترف الامین.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۲۸)

۲۲۳- ((لاتدعوا التجارات فتھونوا التجروا بارک الله لكم.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۲۸)

۲۲۴- ((لاتکفوا عن التجارة و التمسوا من فضل الله عزوجلّ.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۲۸)

۲۲۵- ((الخير عشره اجزاء افضلها التجارة اذا اخذ الحق و اعطى الحق.)) ع (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۴؛ به نقل از تفسیر ابوالفتح رازی)

۲۲۶- ((ان تارك الطلب لا يستجاب له دعوة ان قوما من اصحاب رسول الله لما نزلت ((و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب)) اغلقوا الابواب و اقبلوا على العبادة و قالوا: قد كفينا، فبلغ ذلك النبى صلى الله عليه و آله و سلم فارسل اليهم فقال: ما حملكم على ما صنعتم؟ فقالوا: يا رسول الله تكفل الله لنا بارزاقنا فاقبلنا على العبادة، فقال: انه من فعل ذلك لم يستجب له عليكم بالطلب.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۳۰)

۲۲۷- ((ان اصنافا من امتى لا يستجاب لهم دعائهم: رجل يدعوا على والديه، و رجل يدعوا على غريم ذهب له بماله فلم يكتب له و ام يشهد عليه، و رجل يدعوا على امرئته و قد جعل الله عزوجلّ تخلية سبيلها بيده و رجل يقعد فى بيته و يقول يا رب ارزقنى و لا يخرج و لا يطلب الرزق فيقول الله عزوجلّ: عبدى الم اجعل لك السبيل الى الطلب و التصرف فى الارض بجوارح صحيحة فتكون قد اعذرت فيما بينى و بينك فى الطلب لاتباع امرى و لكيلا تكون كلا على اهلك فان شئت رزقتك و ان شئت قترت عليك و انت معذور عندى، و رجل رزقه الله مالا كثيرا فانفقه ثم اقبل يدعوا يا رب ارزقنى، فيقول الله عزوجلّ: الم ارزقك رزقا واسعا فهلا اقتصدت فيه كما امرتك و لم تسرف و قد نهيتك عن الاسراف؟)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۳۰)

۲۲۸- روايات

((انواع صنوف الالات التى يحتاج اليها العباد، منها منافعهم و بها قوامهم و فيها بلغة جميع حوائجهم فحلال فعله و تعليمه و العمل به و فيه لنفسه او لغيره.)) (وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۵۳۶)

۲۲۹- قرآن كريم

((ويل للمطففين الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم يخسرون الا يظن اولئك انهم مبعوثون ليون عظيم.)) (مطففين، ۱-۵)

۲۳۰- روايات

((یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، و الله للربا في هذه الامة اخفى من ديبب النملة على الصفا شوبوا ايمانكم بالصدق، التاجر فاجر و الفاجر في النار الا من اخذ الحق و اعطى الحق.)) وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۷۴؛ به نقل از کافی)

و این روایت در کتاب ((من لا یحضره الفقیه)) اینطور نقل شده: ((یا معشر التجار! الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، و الله للربا (بکسر اللام) فی هذه الامة ديبب اخفى من ديبب النمل على الصفا، صونوا (شوبوا- خ ل) اموالکم بالصدقة، التاجر فاجر و الفاجر في النار الا من اخذ الحق و اعطى الحق.))

۲۳۱- ((یا معشر التجار اتقوا الله (الی ان قال علیه السلام) تنهاوا عن اليمين و جانبوا الکذب و تجافوا عن الظلم و انصفوا المظلومين و لاتقربوا الربا و اوفوا الکيل و الميزان و لاتبخسوا الناس اشیائهم و لاتعتثوا فی الارض مفسدين.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۷۴)

۲۳۲- ((علیک بصدق اللسان فی حدیثک و لاتکنم عیبا یكون فی تجارتک و لاتغبن المسترسل فان غبنه لایحل و لاترض للناس الا ما ترضی لنفسک و اعط الحق و خذه و لاتحف (الی ان قال:) و التاجر فاجر الا من اعطى الحق و اخذه.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۷۵)

۲۳۳- ((ان البیع فی الظلال غش و الغش لایحل.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۶۲)

۲۳۴- ((لیس منا من غش مسلما او ضره او ماکره.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۶۲)

۲۳۵- ((ملعون من غش مسلما او غره او ما کره.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۵؛ به نقل از نوادر فضل الله راوندی)

۲۳۶- ((من غش مسلما فی شراء او بیع فلیس منا و یحشر یوم القيمة مع اليهود لانهم اغش الخلق للمسلمین.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۶۲)

۲۳۷- ((من بات و فی قلبه غش لایخیه المسلم بات فی سخط الله و اصبح کذلک و هو فی سخط الله حتی یتوب و یرجع و ان مات کذلک مات علی غیر دین الاسلام.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۶۲)

۲۳۸- ((المکر و الخدیعة و خیانة فی النار.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۹)

۲۳۹- ((من کان مسلما فلا یمکر و لایخدع.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۳۳)

۲۴۰- ((ان شر الناس یوم القيامة عندالله ذو الوجهین.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۳۵)

۲۴۱- ((شر الناس من کان ذاوجهین و لسانین.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲)

۲۴۲- ((بئس العبد عبد یمکر و ذا لسانین: یطری اخاه اذا شاهده و یاکله اذا غاب عنه، ان اعطی حسده، و اذا ابتلی خذله.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲؛ به نقل از تحف العقول)

۲۴۳- ((من لقی المسلمین بوجهین و لسانین جاء یوم القيمة و له لسانان من نار.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۳۵)

۲۴۴-روایات

((الغضب يفسد الايمان كما يفسد الخل العسل.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۶۹)

۲۴۵- ((الغضب مفتاح كل شر)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۶۹)

۲۴۶- ((من لم يملك غضبه لم يملك عقله.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۶۹)

۲۴۷- ((الغضب شر ان اطعته دمر الغضب عدو فلا تملكه نفسك الغضب يفسد الالباب و يبعد من الصواب احذر الغضب فانه نار محرقة اياك و الغضب فاوله جنون و آخره ندم بئس القرين الغضب يبدي المعاييب و يدنى الشر و يباعد الخير من غلب عليه غضبه و شهوته فهو في حيز البهائم.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۲۶؛ به نقل از غرر آمدي)

۲۴۸-قرآن کریم

((و سارعوا الى مغفرة من ربكم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين الذين ينفقون في السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحب المحسنين.)) (آل عمران ، ۱۳۳، ۱۳۴)

۲۴۹- ((فما اوتيتم من شئ ء فمتاع الحياة الدنيا و ما عندالله خير و ابقى للذين آمنوا و على ربهم يتوكلون و الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش و اذا ما غضبوا هم يغفرون.)) (شورى ، ۳۶، ۳۷)

۲۵۰-روایات

((ما من كظم غيظا الا زاده الله عزوجل عزا في الدنيا و الآخرة.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲۵۱- ((من كظم غيظا و هو يقدر على انفاذه و حلم عنه اعطاه الله اجر شهيد.)) ع (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲۵۲- ((من كظم غيظا و هو يقدر على امضائه اعقبه الله امنا و ايمانا يجد طعمه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲۵۳- ((من كظم غيظا و لو شاء ان يمضيه امضاه ملا الله قلبه يوم القيمة رضاه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲۵۴- ((من كظم غيظا و هو يقدر على انفاذه ملا الله قلبه امنا و ايمانا الى يوم القيمة.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۸۸؛ به نقل از مشکوة الانوار)

۲۵۵- ((عقل الناس اشد مداراة للناس و احزم الناس اكظم غيظا.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۸۸؛ به نقل از روضة الواعظین)

۲۵۶- ((ان الله يحب الحيي الحليم.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۵۵)

۲۵۷- ((ان الرجل ليدرك بالحلم درجة الصائم القائم.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۰۴؛ به نقل از لب اللباب قطب راوندی)

۲۵۸- ((من كف غضبه عن الناس كف الله عنه عذاب يوم القيمة.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۴۶۹)

۲۵۹- ((من احب السبيل الى الله عزوجل جرعتان : جرعة غيظ تردّها بحلم و جرعه مصيبة تردّها بصبر.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۲۴)

۲۶۰- قرآن كريم

((و قولوا للناس حسنا.)) (بقره، ۸۳)

۲۶۱- ((قول معروف و مغفرة خير من صدقة يتبعها اذى و الله غنى حلیم يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم باليمن و الاذى.)) (بقره،

۲۶۳ و ۲۶۴)

۲۶۲- ((و لا تتوا السفهاء اموالكم التى جعل الله لكم قياما و ارزقوهم فيها و اكسوهم و قولوا لهم قولا معروفا.)) (نساء، ۵)

۲۶۳- ((و اذا حضر القسمة اولوا القربى و اليتامى و المساكين فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروفا.)) (نساء، ۸)

۲۶۴- ((و ليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم فليتقوا الله و ليقواوا قولا سديدا.)) (نساء، ۹)

۲۶۵- ((و قل لعبادى يقولوا التى هى احسن ان الشيطان ينزغ بينهم ان الشيطان كان للانسان عدوا مبينا.)) (اسراء، ۵۳)

۲۶۶- روايات

((قولوا للناس احسن ما تحبون ان يقال لكم.))

۲۶۷- ((معاشر الشيعة كونوا لنا زينا و لا تكونوا علينا شينا قولوا للناس حسنا و احفظوا سنتكم و كفوها عن الفضول و قبيح القول.))

(وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۲۶)

۲۶۸- ((فاتقوا الله و كفوا سنتكم الا من خير.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۲۷)

۲۶۹- ((ان من اشر عباد الله من تكره مجالسته لفحشه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۷۶)

۲۷۰- ((ان الفحش و البذاء و السلاطة من النفاق ان ابغضى خلق الله عبد اتقى الناس لسانه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۷۶)

۲۷۱- ((ان الله يبغض الفاحش البذى.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۷۶)

۲۷۲- ((من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار شر الناس من اكرمه مه اكرمه الناس اتقاء شره و اذى فحشه شر الناس عند الله يوم القيمة

الذين يكرمون اتقاء شرهم.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۷۶)

۲۷۳- قرآن كريم

((و لا يجر منكم شأن قوم ان صدوكم عن المسجد الحرام ان تعتدوا.)) (مائده، ۲)

۲۷۴- ((و لا يجر منكم شأن قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى.)) (مائده، ۸)

((من زرع العداوة حصد ما بذر.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۲)

۲۷۶- ((دع الحسد و الكذب و الحقد فانهن ثلثة تشين الدين و تهلك الرجل.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نقل از غرر آمدي)

۲۷۷- ((لا تقطع رحمک و ان قطعتک.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۷)

۲۷۸- ((اذا تنازع اثنان من شيعتنا ففارق احدهما الاخر فليرجع المظلوم الى صاحبه حتى يقول يا اخي انا الظالم حتى ينقطع الهجران فيما بينهما ان الله تعالى حكم و عدل ياخذ للمظلوم من الظالم.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲؛ به نقل از تحف العقول و صاحب وسائل الشیعه نیز این روایت را در ص ۲۳۵ به نقل از کلینی ذکر کرده است.)

۲۷۹- ((الا ان في التباغض الحالقة لا اعنى حالقة الشعر و لكن حالقة الدين.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۳)

۲۸۰- ((عظموا اصحابکم و وقروهم و لا يتهجم بعضکم على بعض و لا تضاروا و لا تحاسدوا و اياکم و البخل و كونوا عباد الله المخلصين.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۴)

۲۸۱- ((لا يحل لمسلم ان يهجر اخاه ثلثة ايام و السابق سبق الى الجنة.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۵)

۲۸۲- ((المومن هدية الله عزوجل الى اخيه المومن فان سره و وصله فقد قبل من الله عزوجل هديته و ان قطعه و هجره فقد رد على الله عزوجل هديته.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲؛ به نقل از شیخ مفید)

۲۸۳- ((لا يقبل الله من مؤ من عملا و هو مضمّر على اخيه المومن سوءا.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰)

۲۸۴- به جلد دوم وسائل الشیعه، صفحه ۲۳۲ رجوع شود.

۲۸۵- وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲۸۶- ن ابی حمزة عن ابی جعفر علیه السلام قال قلت له : ((جعلت فداک ما تقول فی مسلم اتی مسلما و هو فی منزله فاستاذن علیه فلم یاذن له و لم یخرج الیه.)) قال علیه السلام : ((یا ابا حمزة ایما مسلم اتی مسلما زائرا او طالب حاجة و هو فی منزله فاستاذن علیه فلم یاذن له و لم یخرج الیه لم یزل فی لعنة الله حتی یلتقیا.)) قلت : ((جعلت فداک فی لعنة الله حتی یلتقیا؟)) قال : ((نعم.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۱)

۲۸۷- ((عن ابی الحسین الرضا علیه السلام : ((المومن اخو المومن لایبیه و امه ، ملعون من اتهم اخاه ، ملعون ملعون من غش اخاه ، ملعون ملعون من لم ینصح اخاه ، ملعون ملعون من احتجب عن اخیه ، ملعون ملعون من اغتاب اخاه.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۱)

۲۸۸-روایات

((احرص مفتاح التغب و مطية النصب و داع الى التفحم فى الذنوب الحرص علامة الاشقياء الحرص يذل و يشقى .)) (مستدرک وسائل ، ج ۲، ص ۳۳۶؛ به نقل از تحف العقول و غرر)

۲۸۹- ((مثل الحریص على الدنيا مثل دودة القز كلما ازدادت على نفسها لفا كان ابدلها من الخروج حتى تموت غما.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۴)

۲۹۰- ((غنى الغنى من لم يكن للحرص .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۴)

۲۹۱- ((بئس العبد عبد يكون له طمع يقوده .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۵)

۲۹۲- ((خير الامور ما عرى الطمع صلاح الايمان الورع و فساده الطمع ذل الرجال فى المطامع اياك و غرور الطمع فانه و خيم المرتع من لم ينزه نفسه عن دنائة المطامع فقد اذل نفسه و هو فى الاخرة اذل و اخزى .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۷؛ به نقل از غرر آمدى)
۲۹۳- ((اطلب بقاء العز بامانة الطمع .)) (تحف العقول)

۲۹۴-روایات

((الحیاء من الايمان و الايمان فى الجنة .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۳)

۲۹۵- ((لا ايمان لمن لا حياء له .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۳)

۲۹۶- ((الحیاء و الايمان مقرونان فى قرن فاذا ذهب احدهما تبعه صاحبه .)) ع (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۳)

۲۹۷- ((راس المكارم الحياء.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۴۳)

۲۹۸- ((رحم الله عبدا استحيى من ربه حق الحياء حفظ الراس و ماحوى و البطن و ما وعى و ذكر القبر و البلى و ذكر ان له فى الاخرة معادا.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۸۵؛ به نقل از مشکوة طبرسى)

۲۹۹- ((ان الله حرم الجنة على كل فاحش بذى قليل الحياء لايبالى ما قال و لا ما قيل فيه .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۹؛ به نقل از تحف العقول)

۳۰۰- ((الفحة عنوان كل الشر.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۴۰)

۳۰۱- ((الحیاء حياء ان حياء عقل و حياء حمق فحياء العقل العلم و حياء الحمق هو الجهل .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۳)

۳۰۲- ((المومن لايعمل شيئا من الخير رياء و لا يتركه حياء.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۴۳)

۳۰۳- ((لاتدع العلم استحياء من الناس .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۸۶؛ به نقل از تحف العقول)

۳۰۴-قرآن کریم

((یا ایها الذین آمنوا اجتنوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتتجسسوا.)) (حجرات ، ۱۲)

۳۰۵-روایات

((ضع امر اخیک علی احسنه حتی یاتیک ما یغلبک منه () و لاتظنن بکلمة خرجت من اخیک سوءا و انت تجدلها فی الخیر محملا.))
(وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۰۶- ((اطرحوا سوء الظن بینکم فان الله عزوجل نهی عن ذلك.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۱۰؛ به نقل از خصال صدوق)

۳۰۷- ((اذا اتهم المؤمن اخاه انما الايمان فی قلبه كما ينماث الملح فی الماء.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۰۸- ((ملعون ملعون من اتهم اخاه ، ملعون ملعون من غش اخاه ، ملعون ملعون من لم ينصح اخاه ، ملعون ملعون من احتجب عن اخيه ، ملعون ملعون من اغتاب اخاه.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۳۱)

۳۰۹- ((لا تطلبوا عورات المؤمنین و لاتتبعوا عثراتهم فان من اتبع عثرة اخيه اتبع الله عثرته و من اتبع الله عثرته فضحه و لو فی جوف بیته.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۴؛ به نقل از حسین بن سعید الاهوازی در کتاب المؤمن)

۳۱۰-روایات

((الانبتکم بشرارکم ؟ قالوا: بلی یا رسول الله . قال : المشائون بالنميمة المفرقون بین الاحبة الباغون للبراه المعائب.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۱)

۳۱۱- ((شرار الناس من یبغض المؤمنین و تبغضه قلوبهم المشائون بالنميمة المفرقون بین الاحبة الباغون للبراء الغیب اولئک لا ینظر الله الیهم یوم القيمة و لا یزکیهم.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۱۱؛ به نقل از مجالس شیخ طوسی)

۳۱۲- ((لا یدخل الجنة سفاک الدم و لامدمن الخمر و لامشاء بنميمة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۱)

۳۱۳- لا یدخل الجنة القتات صاحب النميمة لا یستریح من عذاب الله فی الآخرة.)) ع (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۱)

۳۱۴- ((حرمت الجنة علی ثلاثة : النمام و مدمن الخمر و الديوث و هو الفاجر.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۴۱)

۳۱۵- ((اربعة لا یدخلون الجنة : الکاهن و المنافق و مدمن الخمر و القتات و هو النمام.)) (سفينة البحار)

۳۱۶- ((ان النمام شاهد زور و شریک ابلیس فی الاغراء بین الناس.)) ع (سفينة البحار)

۳۱۷- ((و عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم ، انه عن النميمة و الاستماع الیه.)) (سفينة البحار)

۳۱۸-قرآن کریم

((و من یکسب خطیئة او اثما ثم یرم به بریتا فقد احتمل بهتاناً و اثماً مبیناً.)) (نساء ، ۱۱۲)

۳۱۹- ((والذين يوذون المومنين و المومنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتاناً و اثماً مبيناً.)) (احزاب ، ۵۸)

۳۲۰-روایات

((الغيبه ذکرک اخاک بما یکره (ثم قال) اعلم انک اذا ذکرته بما هو فيه فقد اغتبتته و اذا ذکرته بما ليس فيه فقد بهته .)) (وسائل الشيعه ، ج

۲، ص ۲۳۸)

۳۲۱- ((الغيبه ان تقول فى اخیک ما ستره الله علیه و اما الامر الظاهر مثل الحدة و العجلة فلا و البهتان ان تقول فيه ما ليس فيه .)) (وسائل

الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۹)

۳۲۲- ((من بعت مومناً او مومنة بما ليس فيه بعثه الله فى طينة خبال حتى يخرج مما قال . قال الراوى قلت : و ما طينة ؟ قال عليه السلام

: صديد يخرج من فروج المومسات .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۸)

۳۲۳- ((من قال فى مؤ من ما ليس فيه حبسه الله فى طينة خبال حتى يخرج مما قال فيه (و قال) انما الغيبه ان تقول فى اخیک ما هو فيه

مما قد ستره الله عزوجل فاذا قلت فيه ما ليس فيه فذلك قول الله عزوجل فى كتابه : فقد احتمل بهتاناً و اثماً مبيناً.)) (مستدرک الوسائل ،

ج ۲، ص ۱۰۷؛ به نقل از حسين بن سعيد الاهوازی در کتاب المومن)

۳۲۴- چنانکه به حسب مدارک ، غیبت نمودن مظلوم از ظلم ظالمش ، و غیبت نمودن از بدعت گزار در دین جایز است ، و بعض موارد

دیگر از جواز غیبت که در کتب فقهیه مذکور است . و ناگفته نماند استماع عیبت نیز نهی شده است ، و کسی که غیبت مؤ منی را شنید در

صورت قدرت باید دفاع از او کند و او را یاری نماید.

۳۲۵-قرآن کریم

((يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا و لا يغتب بعضكم بعضا يحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتا فكر

هتّموه و اتقوا الله ان الله تواب رحيم .)) (حجرات ، ۱۱)

۳۲۶- ((ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة فى الذين آمنوا لهم عذاب اليم فى الدنيا و الآخرة .)) (نور، ۱۹)

۳۲۷-روایات

((الغيبه اشد من الزنا (فقيل : يا رسول الله و لم ذلك ؟ قال صلى الله عليه و آله و سلم :) اما صاحب الزنا (فيتوب) فيتوب الله عليه و اما

صاحب الغيبه فيتوب فلا يتوب الله عليه حتى يكون صاحبه الذى يحله .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۸)

۳۲۸- ((من قال فى مؤ من ما راته عيناه و سمعته اذنا فهو من الذين قال الله عزوجل: ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة فى الذين آمنوا لهم

عذاب اليم فى الدنيا و الآخرة .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۳۲۹- ((والله الذى لا اله الا هو ما اعطى مؤ من قط خير الدنيا و الاخرة بحسن ظنه بالله عزوجل و الكف عن اغتياب المومن ، والله الذى لا اله الا هو لا يعذب الله عزوجل مومنا بعد التوبة و الاستغفار الا بسوء (بالله عزوجل) و اغتيابه للمومنين .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۵؛ به نقل از شيخ مفيد)

۳۳۰-روایات

((من استخف فقير مسلم فقد استخف بحق الله و الله يستخف به يوم القيمة الا ان يتوب ؛ و من اكرم فقيرا مسلما لقي الله يوم القيمة و هو عنه راض ، الا و من اكرم اخاه المسلم فانما يكرم الله عزوجل.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۱-ع ع ((من اهان فقيرا مسلما من اجل فقره و استخف به فقد استخف بالله و لم يزل فى غضب الله عزوجل و سخطه حتى يرضيه .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۲- ((قال الله عزوجل من استذل عبدى المومن فقد بارزنى بالمحاربة .)) ع (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۳- ((لاتحروا مومنا فقيرا فان من حقر مومنا او استخف به حقره الله .)) ع ع ع (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۴- ((من حقر مومنا مسكينا او غير مسكين لم يزل الله عزوجل حاقرا له ماقتا حتى يرجع عن محقرته اياه .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۵- ((من آذى مومنا آذاه الله و من احزنه احزنه الله .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۳؛ به نقل از لب اللباب قطب راوندی)

۳۳۶- ((قال الله عزوجل لياذن بحرب منى آذى عبدى المومن و ليامن غضبى من اكرم عبدى المومن .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۶)

۳۳۷- ((من نظر الى مؤ من نظرة ليخيفه بها اخافه الله عزوجل يوم لا ظل الا ظله .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۳۸- ((المومن حرام كله عرضه و ماله و دمه .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۹؛ به نقل از حسين سعيد الاهوازى در كتاب المومن)

۳۳۹- ((سباب المومن فسوق و قتاله كفر و اكل لحمه معصية و حرمة ماله كحرمة دمه .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۴۰- ((ياكم و الطعن على المومنين .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۴۱- ((ما من انسان يطعن فى عين مؤ من الا مات بشر ميتة و كان قمنا ان لا يرجع الى خير.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۴۲- ((ان اللعنه اذا خرجت من صاحبها ترددت بينه و بين الذى يلعن فان وجدت مساعا و الا رجعت الى صاحبها و مان احق بها فاحذروا ان تلعنوا مومنا فيحل بكم .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳۴۳- ((من عبر مومنا بشى ء لم يمت حتى يركبه .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۳۴۴- ((من انب مومنا انبه الله تعالى فى الدنيا و الاخرة .)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۳۴۵- ((ملعون ملعون من رمى مومنا بكفر و من رمى مومنا فهو كقاتله.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۱۲)

۳۴۶- ((انما المومنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم و اتقوا الله لعلكم ترحمون.)) (حجرات، ۱۰)

۳۴۷- ((لا خير في كثير من نجوهم الا من امر بصدقة او معروف او اصلاح بين الناس و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتيه اجرا عظيما.)) (نساء، ۱۱۴)

۳۴۸- ((و تعاونوا على البر و التقوى و لاتعاونوا على الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شديد العقاب.)) (مائده، ۲)

۳۴۹-روایات

((من مشى في صلح بين اثنين صلى عليه ملائكة الله حتى يرجع و اعطى ثواب ليلة القدر.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۶۳۲)

۳۵۰- ((و حق اهل ملتك اضرار السلامة و الرحمة لهم (الى ان قال عليه السلام :) و ان تكون شيو خهم بمنزله اييك و شبابهم بمنزله اخوتك و عجائزهم بمنزله امك و الصغار منهم بمنزلة اولادك.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۴۲)

۳۵۱- ((المومنون في تبارهم و تراحمهم و تعاطفهم كمثل الجسد اذا اشتكى تداعى له سائر بالسهو و الحمى.)) (مستدرک الوسائل، ص ۳۳۷؛ به نقل از حسين بن سعيد الاهوازی در کتاب المومن)

۳۵۲-قرآن کریم

((و المومنون و المومنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و يقيمون الصلوة و يوتون الزكاة و يطيعون الله و رسوله اولئك سيرهم الله ان الله عزيز حكيم.)) (توبه، ۷۱)

۳۵۳-روایات

((المومن اخ المومن عينه و دليله لا يخونه و لا يظلمه و لا يغشه و لا يعده عدة فيخلفه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۲۸)

۳۵۴- ((المسلم اخ المسلم هو عينه و مرآته و دليله لا يخونه و لا يخدعه و لا يظلمه و لا يكذبه و لا يغتابه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۲۸)

۳۵۵- ((من اصبح لايهتم بالموار المسلمين فليس بمسلم، و من سمع رجلا ينادى : يا للمسلمين ! فلم يجبه فليس بمسلم.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۵۰)

۳۵۶- ((الخلق عيال الله فاحب الى الله من نفع عيال الله.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۵۰)

۳۵۷- ((سئل رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم : من احب الناس الى الله ؟ قال : انفع الناس للناس.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۵۰)

۳۵۸- ((الخلق كلهم عيال الله فاحبهم الى الله عزوجل انفعهم لعياله.)) ع (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۱)

۳۵۹- ((خير الناس من انتفع به الناس.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۷؛ به نقل از امالي صدوق)

۳۶۰- ((خلستان ليس فوقهما شيء: الايمان بالله و نفع الاخوان.)) ع (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۳؛ به نقل از تحف العقول)

۳۶۱- ((ان اعظم الناس منزلة عندالله يوم القيمة امشاهم في ارضه بالنصيحة لخلقه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۶)

۳۶۲- ((لينصح الرجل منكم اخاه كنصيحته لنفسه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۶)

۳۶۳- ((عليكم بالنصح لله في خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۶)

۳۶۴- ((يجب للمومن على المومن النصيحة له في المشهد و المغيب.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۶)

۳۶۵- ((المومنون خدم بعضهم لبعض.)) قال الراوى قلت: ((و كيف يكون خدم بعضهم لبعض؟)) قال عليه السلام: ((يفيد بعضهم بعضا.))

(مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۷؛ به نقل از کتاب الاخوان صدوق)

۳۶۶- ((المومنون اخوة يقضى بعضهم حوائج بعض فبقضاء بعضهم حوائج بعض يقضى الله حوائجهم يوم القيمة.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۷؛ به نقل از امالی شيخ مفيد)

۳۶۷- ((مشى المسلم في حاجة اخيه المسلم خير من سبعين طوافا بالبيت.)) ع ع ع (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۴)

۳۶۸- ((لقضاء حاجة امرء مؤ من احب الى الله من عشرين حجة كل حجة ينفق فيها صاحبها مائة الف.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۴)

۳۶۹- ((ان الله عبادا في الارض يسعون في حوائج الناس هم الامنون يوم القيمة، و من ادخل على مؤ من سرورا فرح الله قلبه يوم القيمة.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۴)

۳۷۰- ((قال الله عزوجل: الخلق عيالى فاحبهم الى الطنفهم بهم و اسعاهم في حوائجهم.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۴)

۳۷۱- ((من سعى في حاجة اخيه المسلم فاجتهد فيها فاجرى الله على يديه قضاها كتب الله عزوجل له حجة و عمرة و اعتكاف شهرين في المسجد الحرام و صيامهما و ان اجتهد و لم يجر الله قضاها على يديه كتب الله عزوجل له حجة و عمرة.)) (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۵۲۴)

۳۷۲- ((مشى مع اخ مسلم في حاجة احب الى الله تعالى من اعتكاف شهرين في المسجد الحرام.)) (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۸)

۳۷۳- باید دانست که برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر، فقهاء شرایطی ذکر فرموده اند که در کتب فقهیه مشروحا بیان شده است و مجمل آنها این که :

الف : آمر و ناهی ، عالم به معروف و منکر بوده باشند. و در مسائل اختلافی بر شخص واجب نیست دیگری را بر وفق خودش یا نظر مرجع فتوایی خودش امر و نهی نماید.

ب : احتمال اثر در امر نهی باشد.

ج : خوف مفسده ای نباشد؛ خوف ضرر جانی یا عرضی یا مالی قابل اعتنا بر خودش یا دیگری از خویشان یا سایر مؤمنین . (آری چنانکه دفاع از اساس و بنیان اسلام یا از مجمع اسلامی متوقف بر بذل اموال بلکه نفوسی شد؛ در این مورد بر مسلمانان لازم است که به بذل آنها از اسلام و مجتمع آن دفاع کنند).

د: عاصی ، بر ترک واجب یا فعل حرام اصرار و استمرار ورزد.

و نیز برای امر و نهی و انکار از معصیت ، مراتبی است که مشهور فقهاء فرموده اند رعایت ترتیب بین آن مراتب باید بشود:

الف : انکار به قلب که به غیر زبان و دست (مانند گرفتگی در رو و صورتش و یا به ترک مراده اش) انزجار قلبی خود را از ترک واجب یا فعل حرام اظهار نماید؛ به امید این که عاصی از معصیتش باز ایستد.

ب : انکار به زبان .

ج : انکار به دست .

و برای هر یک از این مراتب سه گانه هم مراتب خفیف تر و شدیدتر است ، و فرموده اند مادامی که با مرتبه پایین تر جلوگیری از معصیت بتوان به مرتبه بالاتر اقدام نشود.

و بعضی بزرگان فرموده اند از برترین محکم ترین و شریفترین انواع امر به معروف و نهی از منکر برای آمر و ناهی پوشیدن رداء معروف و کندن رداء منکر از خویشان است تا تنها به همان اعمال و اخلاق حسنه خود در میان اجتماع ، دیگران را نیز از منکرات باز و به معروف وادارد.

و در حدیث از امام صادق علیه السلام است : ((کونوا دعاة للناس بغير السنتکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلوة و الخیر فان ذلک داعیه ؛ با غیر زبانتان (یعنی با اعمالتان) دعوت کننده مردم (به نیکیها) باشید که از شما پرهیزگاری و کوشش و نماز و نیکی ببینند و همین (اعمال) دعوت کننده آنان (به انجام معروف و ترک منکر) است .)) (وسائل الشیعه ، ج ۱، ص ۱۲)

۳۷۴-قرآن کریم

((ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر و اولئک هم المفلحون .)) (آل عمران ، ۱۰۴)

۳۷۵- ((من اهل الکتاب امة قائمة یتلون آیات الله آناء اللیل و هم یسجدون یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و ینہون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین .)) (آل عمران ، ۱۱۳ و ۱۱۴)

۳۷۶- ((لو لاینہام الربانیون و الاخبار عن قولہم الاثم و اکلہم السحت لبئس ماکانوا یصنعون .)) (مائده ، ۶۳)

۳۷۷- ((و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز الذین ان مکانہم فی الارض اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و امروا بالمعروف و نہوا عن المنکر و لله عاقبة الامور .)) (حج ، ۴۰ و ۴۱)

۳۷۸-روایات

ویل لقوم لا یدینون الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر.)) (فروع کافی ، ص ۳۴۳)

۳۷۹- ((بئس القوم قوم یعیبون الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.)) (فروع کافی ، ص ۳۴۳)

۳۸۰- ((اذا امتی تواکلت الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیاذنوا بوقاع من الله تعالی .)) (فروع کافی ، ص ۳۴۳)

۳۸۱- ((ان الله یبغض المومن الضعیف الذی لازیر له و قال هو الذی لا ینهی عن المنکر.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۸۹)

۳۸۲- ((لا یحل لعین مومنة ترى الله یعضی فتطرف حتی تغیره .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۸۹)

۳۸۳- ((لتامر بالمعروف و لتنه عن المنکر او لیعنکم عذاب الله .)) ع ع ع ع (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۹۱)

۳۸۴- ((ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهاج الصلحاء فریضة عظیمة بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر فانکروا بقلوبکم و الفظوا بالستکم و صکوا بها جباههم و لاتخافوا فی الله لومة لائم ، فان اتعظوا و الی الحق رجعوا فلا سبیل علیهم انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یبغون فی الارض بغير الحق اولئک لهم عذاب الیم هنالک فجاهدوهم بابدانکم و ابغضوهم بقلوبکم غیر طالبین سلطانا و لا باغین مالا و لا مریدین ظفرا حتی یفیثوا الی امر الله و یمضوا علی طاعته .)) (فروع کافی ، ص ۳۴۳)

۳۸۵- ((لا یزال امتی بخیر ما امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و تعاونوا علی البر فاذا لم یفعلوا ذلك نزعتم منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لافی السماء.)) (مستدرک الوسائل ، ص ۳۸۵؛ به نقل از مشکوة الانوار)

۳۸۶- ((لاترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم اشرارکم ثم تدعون فلا یتجاوب لکم .)) (در وصیت امیرالمؤمنان به امام حسن و امام حسین علیهما السلام)

۳۸۷- ((جاء رجل الی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فقال : ان امی لاتدفع ید لأمس . فقال : فاحسبها. قال : قد فعلت . قال : فامنع من یدخل علیها. قال : قد فعلت . قال : قیدها فانک لاتبرها بشیء افضل من ان تمنعها من محارم الله عزوجل.)) (وسائل الشیعه ، ج ۳، ص ۴۳۶)

۳۸۸-روایات

((من سره ان یزحزح عن النار و یدخل الجنة فلیات منیته و هو یشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و یحب ان یتاتی الی الناس ما یحب ان یوتی الیه .)) (تفسیر مجمع البیان در سوره نساء ذیل آیه نهم)

۳۸۹- ((فی حقوق المسلم علی اخیه قال صلی الله علیه و آله و سلم : ((و یحب له من الخیر ما یحب لنفسه و یکره له من الشر ما یکره لنفسه .)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۲۲۹)

۳۹۰- ((و حق اهل ملتک اضمار السلامة و الرحمة لهم (الى ان قال عليه السلام) و تحب لهم ما تحب لنفسک و تکره لهم ما تکره لنفسک)). الخبر (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۲)

۳۹۱- ((احب اخاک المسلم و احب له ما تحب لنفسک و اکره له ما تکره لنفسک)). ع الخبر. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۹)

۳۹۲- ((اوصیک بتقوى الله و بر اخیک المسلم و احب له ما تحب لنفسک و اکره له ما تکره لنفسک)). الخبر. (وسائل الشیعه، ج ۲)

۳۹۳- قرآن کریم

((و اطيعوا الله و رسوله و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم و اصبروا ان الله مع الصابرين)). (انفال، ۴۶)

۳۹۴- ((فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم و اتقوا الله و اعلموا ان الله مع المتقين)). (بقره، ۱۹۴)

۳۹۵- ((و قاتلوا فى سبيل الله الذين يقاتلونكم و لاتعتدوا ان الله لا يحب المعتدين)). (بقره، ۱۹۰)

۳۹۶- ((و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرين من دونهم لاتعلمو نهم الله يعلمهم و ما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم و انتم لاتظلمون)). (انفال، ۶۰)

۳۹۷- ((ان الله يحب الذين يقاتلون فى سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص)). (صف، ۴)

۳۹۸- روايات

((المومنون اخوة تتكافى دمائهم و هم يد على من سواهم)). (وافى، جز نهم، ص ۱۸)

۳۹۹- ((فالجند باذن الله حصون الرعية و زين الولاة و عزالدين و سبل الامن و ليس تقوم الرعية الا بهم)). (نهج البلاغه)

۴۰۰- ((ان الله ليمقت العبد يدخل عليه فى بيته فلا يقاتل)). (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۳)

۴۰۱- قرآن کریم

((يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم ان الله عليم خبير)). (حجرات، ۱۳)

۴۰۲- ((يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله و لو على انفسكم اوالوالدين و الاقربين ان يكن غنيا او فقيرا فالله اولى بهما فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا و ان تلوا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيرا)). (نساء، ۱۳۵)

۴۰۳- ((قل هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون؟ انما يتذكر اولوا الالباب)). (زمر، ۹)

۴۰۴- ((افمن كان مومنا كمن كان فاسقا لا يستون)). (سجده، ۱۸)

۴۰۵- روايات

((ان الله قد اذهب بالاسلام نخوة الجاهلية و تفاخرها بآبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اكرمهم عندالله اتقيهم.)) (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۷۷)

۴۰۶- ((لما كان يوم فتح مكة قام رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم في الناس خطيبا فحمدالله و اثنى عليه ثم قال : ((ايها الناس ليبلغ الشاهد الغائب ان الله تبارك و تعالى قد اذهب عنكم نخوة الجاهلية و التفاخر بآبائها و عشائرها ايها الناس انكم من آدم و آدم من طين الا و ان خيركم عندالله و اكرمكم عليه اتقيكم و اطوعكم له.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۴۰؛ به نقل از حسين بن سعيد الاهوازی در کتاب الزهد)

۴۰۷- ((ان الناس من عهد آدم الى يومنا هذا مثل اسنان المشط لافضل للعربي للعجمي و لا للاحمر على الاسود الا بالتقوى.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۴۰؛ به نقل از اختصاص شيخ مفيد)

۴۰۸- نقل شده است که پس از تغيير قبله به سوی کعبه ، يهود و نصاری می گفتند: نیکویی رو آوردن به سوی قبله ماست ؛ نصاری به سمت مشرق و يهود به سمت مغرب ، مردم را دعوت به قبله خود می نمودند؛ پس این آیه نازل شد: ليس البر ان تولوا وجوهكم \$ الآیه .

۴۰۹- قرآن کریم

((ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب و لكن البر من آمن بالله و اليوم الآخر و الملئكة و الكتاب و النبيين و ءالتی المال على حبه ذوی القربی و اليتامی و المساكين و ابن السبيل و السائلين و فى الرقاب و اقام الصلوة و آتى الزکوة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و الصابرين فى الباساء و الضراء و حين الباس اولئك هم الذين صدقوا و اولئك هم المتقون.)) (بقره ، ۱۷۷)

۴۱۰- ((الذين ينفقون اموالهم بالليل و النهار سرا و علانية فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.)) (بقره ، ۲۷۴)

در کتاب کافی و تفسیر عیاشی از امام صادق علیه السلام نقل شده که در تفسیر این آیه فرموده اند: ((انها ليست من الزکوة (یعنی منظور از انفاق در این آیه ، زکات واجب نیست بلکه منظور انفاقات مستحب است.))

۴۱۱- ((ذلک الكتاب لاریب فيه هدی للمتقين الذين يؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون و الذين يؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالاخرة هم یوقنون اولئك على هدی من ربهم و اولئك هم المفلحون.)) (بقره ، ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

۴۱۲- ((و اعبد و الله و لا تشركوا به شیئا و بالوالدين احسانا و بذی القربی و الیتامی و المساكين و الجار ذی القربی و الجار الجنب و صاحب الجنب و ابن السبيل و ما ملکت ایمانکم ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا الذين یبخلون و یامرون الناس بالبخل و یکتُمون ما آتیهم الله من فضله و اعتدنا للكافرين عذابا مهینا.)) ع (نساء، ۳۶ و ۳۷)

۴۱۳- ((و سارعوا الى مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقين الذين ینفقون فى السراء و الضراء و کاظمين الغیظ و العفین عن الناس و الله یحب المحسنين.)) (آل عمران ، ۱۳۳ و ۱۳۴)

۴۱۴- ((مثل الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع سنابل فى كل سنبله مائة حبة و الله يضاعف لمن يشاء و الله واسع عليهم الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا منا و لا اذى لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون قول معروف و مغفرة خير من صدقة يتبعها اذى و الله غنى حليم.)) (بقره ، ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳)

۴۱۵- ((انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تلبت عليهم آياته زادتهم ايمانا و على ربهم يتوكلون الذين يقيمون الصلوة و مما رزقناهم ينفقون اولئك هم المومنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق كريم.)) (انفال ، ۲ و ۳ و ۴)

۴۱۶- ((ان الذين يتلون كتاب الله و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانية يرجون تجارة لن تبور ليوفيهم اجرهم و يزيدهم من فضله انه غفور شكور.)) (فاطر ، ۲۹ و ۳۰)

۴۱۷- ((ان المتقين فى جنات و عيون آخذين ما آتاهم ربهم انهم كانوا قبل ذلك محسنين كانوا قليلا من الليل ما يهجهون و بالا سحارهم يستغفرون و فى اموالهم حق للسائل و المحروم.)) (ذاريات ، ۱۹ تا ۱۵)

۴۱۸- ((كل نفس بما كسبت رهينة الا اصحاب اليمين فى جنات يتسائلون عن المجرمين ما سلككم فى سقر قالوا لم نك نطعم من المصلين و لم نك نطعم المسكين و كنا نخوض مع الخائضين و كنا نكذب بيوم الدين حتى اتينا اليقين.)) (مدثر، ۳۸ تا ۴۷)

۴۱۹- ((فاما الانسان اذا ما ابتليه ربه فاكرمه و نعمه فيقول ربى اكرمن و اما اذا ما ابتليه فقدر عليه رزقه فيقول ربى اهانن كلا بل لا تكرمون اليتيم و لاتحاضون على طعام المسكين و تاكلون التراث الكلا لما و تحبون المال حبا جما كلا اذا دكت الارض دكا دكا و جاء ربك و الملك صفا صفا و جى ء يومئذ بجهنم يومئذ يتذكر الانسان و انى له الذكرى يقول باليتنى قدمت لحيوتى.)) (فجر، ۱۵ تا ۲۴)

۴۲۰- ((آلم نجعل له عينين و لسانا و شفيتين و هديناه النجدين فلا اقتحم العقبة و ما ادريك ما العقبة ؟ فك رقة او اطعام فى يوم ذى مسغبة يتيما ذامقربة او مسكينا ذامتربة ثم كان من الذين آمنوا و تواصوا بالصبر تواصوا بالرحمة اولئك اصحاب الميمنة.)) ع (بلد، ۸ تا ۱۸)

۴۲۱- ((ارايك الذى يكذب بالدين فذلك الذى يدع اليتيم و لايحض على طعام المسكين.)) (ماعون ، ۱ و ۲ و ۳)

۴۲۲- روايات

((ما آمن بى من بات شعبان و جاره جائع ، و ما من اهل قرية يبيت فيهم جائع ينظر الله اليهم يوم القيمة.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۱۸)

۴۲۳- ((من احب الاعمال الى الله عزوجل ادخال السرور على المومن اشباع جوعته و تنفيس كربته او قضاء دينه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۵۲۲)

۴۲۴- ((من حق المومن على اخيه المومن ان يشبع جوعته و يوارى عورته و يفرج عنه كربته و يقضى دينه فاذا مات خلفه فى اهله و ولده.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۸)

۴۲۵- ((من حق المومن على المومن المودة له فى صدره و المواساة له فى ماله و الخلف له فى اهله و النصرة له على من ظلمه.)) (وسائل الشيعة ، ج ۲، ص ۲۲۸)

۴۲۶- ((ما محق الاسلام محق الشح شیئی .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵)

۴۲۷- ((ایما مؤ من حبس مومنا عن ماله و هو محتاج الیه لم یذقه الله من طعام الجنة و لا یشرّب من الرحمق المختوم .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۱)

۴۲۸- ((من كانت له دار فاحتاج مؤ من الی سکنها فممنعه اياها، قال الله عزوجل: ملائکتی ابخل عبدی علی عبدی بسکنی الدنیا، و عزتی و لا یسکن جنانی ابدًا.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۷)

۴۲۹- ((انما اعطاکم الله هذه الفضول من الاموال لتوجهوها حیث وجهها الله و لم یعطکموها لتکنزوها.)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۵)

۴۳۰- ((ان من بقاء المسلمین و بقاء الاسلام ان تصیر الاموال عند من یعرف فیها الحق و یصنع المعروف، و ان من فناء الاسلام و فناء المسلمین ان تصیر الاموال فی ایدی من لا یعرف فیها الحق و لا یصنع فیها المعروف .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۳)

۴۳۱- ((المعروف شیء سوى الزکوة فتقربوا الی الله عزوجل بالبر و صلة الرحم .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۱۳)

۴۳۲- ((من اراد ان یدخله الله فی رحمته و یسکنه جنته فلیحسن خلقه ولیعط النصف من نفسه و لیرحم الیتیم ولیعن الضعیف و لیتواضع لله الذی خلقه .)) (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۱)

۴۳۳- ((من واسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه فذلک المومن حقا.)) ع (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۸)

۴۳۴- قرآن کریم

((و اعبدوا الله و لاتشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی القربی \$ الاية .)) (نساء، ۳۶)

۴۳۵- ((و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه و بالوالدین احسانا اما یبلغن عندک الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف و لاتنهرهما و قل لهما قولا کریمًا و اخفض لهما جناح الذل من الرحمة و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا.)) (بنی اسرائیل، ۲۳ و ۲۴)

۴۳۶- در توصیف و مدح یحیی علیه السلام می فرماید: ((و کان تقیا و برا بوالدیه و لم یکن جبارا عصیا.)) (مریم، ۱۳ و ۱۴)

۴۳۷- ((ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ابتاء ذی القربی .)) (نحل، ۹۰)

۴۳۸- ((و اتقوا الله الذی تسائلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیبا.)) (نساء، ۱)

۴۳۹- روایات

((ثلاث لم یجعل الله فیهن رخصة : اداء الامانة للبر و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبر و الفخر، بر الوالدین برین کانا او فآخرین .)) (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۵)

۴۴۰- ((اکبر الکبائر سبع ، الشرك بالله العظيم و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل اموال اليتامى و عقوق الوالدين و قذف المحصنات و الفرار من الزحف و انكار ما انزل الله عزوجلّ (الحديث .)) (وسائل الشيعه ، ج ۳، ص ۴۶۴)

۴۴۱- ((ثلاثة لا بد من ادائهن على كل حال : الامانة الى البر و الفاجر، و الوفاء، بالعهد للبر و الفاجر، و بر الوالدين برين كانا و فاجرین .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۶۲۸؛ به نقل از مشکوة الانوار)

۴۴۲- ((عن جميل عن الصادق عليه السلام قال : سئلة عن قول الله عزوجلّ: ((و اتقوا الله الذى تسائلون به و الارحام ، (الآية))) قال عليه السلام : ((هى ارحام الناس ان الله تعالى امر بصلتها و عظمها، الاترى انه جعلها معه (منه - نسخه .)) (وسائل الشيعه ، ج ۳، ص ۱۴۱)

۴۴۳- ((امر (الله) باتقاء الله و صله الرحم فمن لم يصل رحمة لم يتق الله .)) (تفسير صافی در سوره نساء)

۴۴۴- ((لا تقطع رحمك و ان قطعتك .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۴۴۵- ((اذا قطعوا (يعنى امتى) ارحامهم جعلت الاموال فى ايدى الاراذل منهم .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۱۰۴)

۴۴۶- ((اذا قطعوا الارحام جعلت الاموال فى ايدى الاشرار.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۴۴۷- فى حديث عد فيه المعاصى الكبيرة فقال عليه السلام : ((و نقض العهد و قطيعه الرحم الن الله يقول : ((لهم اللغنه و لهم سوء الدار.)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۴۶۳)

۴۴۸- ((ان من الذنوب تعجل الفناء قطيعة الرحم .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۲۳۷)

۴۴۹- ((ياكم و عقوق الوالدين فان ريح الجنة يوجد من مسيرة الف عام و لا يجدها عاق و لا قاطع رحم و لاشيخ زان و لا جار ازاره خيلاء انما الكبرياء لله رب العالمين .)) (وسائل الشيعه ، ج ۳، ص ۱۳۷)

۴۵۰- ((ان المرء ليصل رحمه و ما بقى من عمره الا ثلاث سنين فيمدها الله الى ثلاث و ثلاثين سنة ، و ان المرء ليقطع رحمه و قد بقى من عمره ثلاث ثلاثون سنة فصيرها الله الى ثلث سنين او ادنى .)) (وسائل الشيعه ، ج ۳، ص ۱۴۱)

۴۵۱- اين بحث محبت دنيا با بحث اصلاح نيت كه در ابتدای كتاب بيان كرديم ، مرتبط است .

۴۵۲- قرآن كريم

((ارضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة فما متاع الحياة الدنيا فى الآخرة الا قليل .)) (توبه ، ۳۸)

۴۵۳- ((يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم الحياة الدنيا.)) (فاطر، ۵)

۴۵۴- ((اعملوا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مصفرا ثم یکون حطاما و فی الآخرة عذاب شدید و مغفرة من الله و رضوان و ما الحیوة الدنیا الامتاع الغرور.)) ع ع ع ع ع (حدید، ۲۰)

۴۵۵- ((بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة.)) (قیامت ۲۰ و ۲۱)

۴۵۶- ((ویل لكل همزة لمزة الذی جمع مالا و عدده یحسب ان ماله اخلده کلا لینیذن فی الحطمة.)) ع (همزة، ۲۱ و ۲ و ۳ و ۴)

۴۵۷- ((فان من طغی و آثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی.)) ع (نازعات، ۳۷ و ۳۸ و ۳۹)

۴۵۸- روایات

((یابن مسعود قول الله تعالی : ((لیلوکم ایکم احسن عملا)) یعنی ایکم ازهد فی الدنیا، انها دار الغرور و دار من لا دار له و لها یجمع من لا عقل له ان احمق الناس من طلب الدنیا، قال الله تعالی : اعملوا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتراه مصفرا ثم یکون حطاما و فی الآخرة عذاب شدید.)) (اواخر کتاب مکارم الاخلاق ؛ در وصیتهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابن مسعود)

۴۵۹- ((فی تفسیر آیه : ((و لاتخرنی يوم یبعثون يوم لا ینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم.)) (هو من کلام ابراهیم علیه السلام) عن الصادق علیه السلام قال : ((هو القلب الذی سلم من حب الدنیا.)) (تفسیر مجمع البیان)

۴۶۰- ((عن الکافی عن الصادق علیه السلام قال : ((القلب السلیم ، الذی یلقى ربه و لیس فیہ احد سواه.)) (تفسیر صافی در سوره شعراء)

۴۶۱- ((راس کل خطیئة حب الدنیا. (و فی روایة اخرى) حب الدنیا راس کل خطیئة.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۳)

۴۶۲- ((ما من عمل بعد معرفة الله و معرفة رسول الله افضل من بعض الدنیا.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۳)

۴۶۳- ((من احب دنياه اضر بآخرتہ.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۳)

۴۶۴- ((انما مثل الدنیا کمثل الحیة ما الین مسها و فی جوفها السم الناقع یحذرھا الرجل العاقل و یهودی الیها الصبی الجاهل.)) (وسائل الشیعه ، ج ۲، ص ۴۷۴)

۴۶۵- ((و الله ما احب الله من احب الدنیا.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۱)

۴۶۶- ((اعظم الخطایا حب الدنیا ان کنتم تحبون الله فاخرجوا من قلوبکم حب الدنیا انک لن تلقی الله سبحانه بعمل اضر علیک من حب الدنیا حب الدنیا راس الفتن و اصل المحن حب الدنیا یفسد العقل و یصم القلب عن سماع الحکمة و یوجب الیم العقاب کما ان الشمس و اللیل لا یجتمعان کذلک حب الله و حب الدنیا لا یجتمعان.)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ به نقل از غرر آمدی)

- ۴۶۷- ((ان الدنيا و الآخرة عدوان متقابلان و سبيلان مختلفان فمن احب الدنيا و تولد ابغض الآخرة و عاذاها و هما بمنزلة المشرق و المغرب ، و ماش بينهما كلما قرب من واحد بعد من الآخر و هما ضرتان .)) (مستدرک الوسائل ، ج ۲، ص ۳۳۰؛ به نقل از نهج البلاغه)
- ۴۶۸- ((من احب الدنيا ذهب خوف الآخرة من قلبه و ما اوتي عبد علما فاز داد للدنيا حبا الا ازداد من الله بعدا و ازداد الله عليه غضبا.))
- ۴۶۹- ((نعم العون على تقوى الله الغنى .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)
- ۴۷۰- ((نعم العون على الآخرة الدنيا (او) نعم العون ، الدنيا على الآخرة .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)
- ۴۷۱- ((نعم العون ، الدنيا على طلب الآخرة .))
- ۴۷۲- ((الاخير فى من لا يحب جمع المال من حلال يكف به وجهه و يقضى به دينه و يصل به رحمه .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)
- ۴۷۳- قال رجل لا يبعده الله عليه السلام : ((و الله انا لنتطلب الدنيا و نحب ان نوتها.)) فقال عليه السلام : ((تحب ان تصنع بها ماذا؟)) قال : ((اعودبها على نفسى و عيالى و اصل بها و اتصدق بها و احج و اعتمر.)) فقال ابو عبدالله عليه السلام : ((ليس هذا طلب الدنيا هذا طلب الآخرة .)) (وسائل الشيعه ، ج ۲، ص ۵۳۰)
- ۴۷۴- ((يا اباذر الدنيا ملعونة ملعون ما فيها الا من ابتغى به وجه الله و ما من شىء ابغض الى الله تعالى من الدنيا (الى ان قال صلى الله عليه و آله و سلم :) و ما من شىء احب الى الله تعالى من الايمان به و ترك ما امر بتركه . يا اباذر ان الله تبارك و تعالى اوحى الى اخى عيسى عليه السلام : يا عيسى لاتحب الدنيا فانى لست احبها، و احب الآخرة فانما هى دار المعاد.)) (اواخر كتاب مكارم الاخلاق)
- ۴۷۵- ((لاتوثرن الدنيا على الآخرة باللذات و الشهوات فان الله تعالى يقول فى كتابه : ((فاما من طغى و آثر الحيوه الدنيا فان الجحيم هى الماوى)) يعنى الدنيا الملعونة و الملعون ما فيها الا ما كان لله .)) (اواخر كتاب مكارم الاخلاق)
- ۴۷۶- ((ان الدنيا) دار غنى لمن تزود منها و دار موعظة لمن اتعظ بها، مسجد احباء الله و مصلى ملائكة الله ، و مهبط وحى الله ، و متجر اولياء الله اكتسبوا فيها الرحمة و ربحوا فيها الجنة .)) (نهج البلاغه)